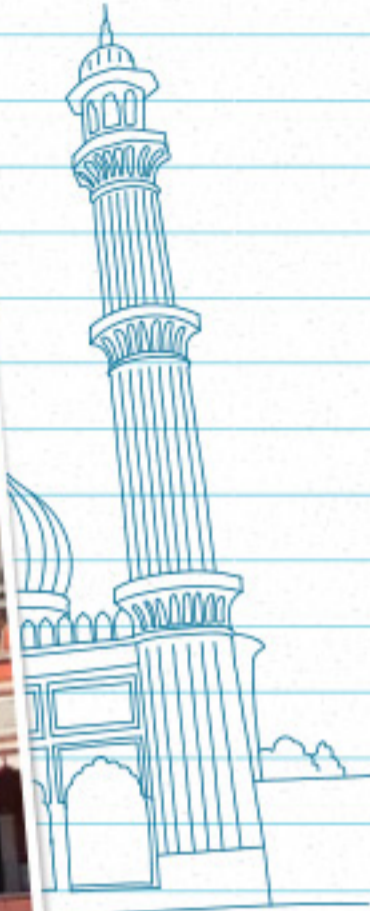


درس اول

الدِّينُ وَالتَّوَدُّعُ



دانش‌آموزان عزیز:

با توجه به اینکه در امتحان نهایی پایه دوازدهم بین ۶ تا ۷ نمره از مطالب و قواعد سال‌های هفتم تا یازدهم سؤال داریم، توصیه جدی می‌کنیم که اگر در این بخش ضعیف هستید، قبل از شروع سال دوازدهم، حتماً به «بخش ویژه» در انتهای کتاب بروید و آن‌ها را مطالعه و مرور کنید؛ زیرا در هر درس تمرین‌های قابل توجه و پر بارمی از پایه خواهیم داشت.

حروف مشبّهه و «لا» نفی جنس



مشاوره: قواعد این درس درباره حروف مشبّهه بالفعل و «لا» نفی جنس است، اما عملاً محتوای این دو موضوع، قواعدی نیست و بیشتر مربوط به ترجمه و اثر معنایی این دو بر جمله است. پس درس یک قواعد چندانی ندارد و باید کاربرد آن را در قسمت ترجمه یاد بگیرید که مثلاً «إِنَّ» چگونه ترجمه می‌شود یا فعل مضارع بعد از «لیت» و «لعل» چگونه ترجمه می‌شوند یا در ترجمه «لا» نفی جنس چگونه عمل می‌کنیم و... در امتحانات مختلف هم نهایت سؤالی که از قواعد این درس می‌آید، بحث شناخت این حروف است که مثلاً حرف مشبّهه را پیدا کنید یا «لا» نفی جنس کدام است؟ اما نکته بعدی، حجم درس یک است؛ این درس لغات و عبارات قابل توجهی دارد و جزو درس‌های مُفَصَّل به حساب می‌آید، پس طبیعتاً لغات و جملاتش غالباً در آزمون‌های مختلف مورد سؤال است.

البته اگر سؤالات این درس را توزیع کنید متوجه می‌شوید که سایر موضوعات مثل نقش‌یابی (محل اعرابی) یا تعیین انواع اسم یا تحلیل صرفی و... نیز قسمت قابل توجهی را به خود اختصاص داده‌اند، چون که درس اول بوده است و عملاً یک‌سری تمرین هم برای تسلط بیشتر شما بر پایه آورده‌ایم، پس به‌طور کلی درس یک در موضوعات مختلف، مُفَصَّل و نسبتاً پُر حجم است ولی سایر درس‌ها حجم کم‌تری خواهند داشت.

درسنامه قواعد درس اول

حروف مُشبّهه بالفعل

حروف مُشبّهه عبارت‌اند از: «إِنَّ، أَنْ، لَكِنَّ، كَأَنَّ، لَعَلَّ، لَيْتَ»؛ این حروف حتماً بر سر جمله اسمیه می‌آیند و آن‌ها را از نظر معنایی تغییر می‌دهند و مفهوم و منظور جدیدی به جمله می‌دهند؛ پس در همین ابتدا دقت کنید که این حروف هرگز مستقیماً با فعل نمی‌آیند و حتماً بعد از آن‌ها اسم، ضمیر یا جار و مجرور می‌آید.

مثال: لَعَلَّ السَّيَّارَةَ تَصِلُ. ✓

لَعَلَّ تَصِلُ السَّيَّارَةَ. ✗

إِنَّ الْمُشْتَرِي يَنْظُرُ إِلَى الْبَضَائِعِ. ✓

إِنَّ يَنْظُرُ الْمُشْتَرِي إِلَى الْبَضَائِعِ. ✗

کاربرد معنایی حروف مشبّهه بالفعل

① **إِنَّ:** همواره ابتدای جمله می‌آید، معنای «حتماً، قطعاً، بی‌شک، بی‌گمان» (قیدهای تأکیدی) دارد و بر تمام جمله پس از خود تأکید می‌کند (نه یک اسم، فعل یا بخشی از جمله).

مثال: إِنَّ الدِّينَ أَكْرَمَ الْإِنْسَانِ. ← همانا دین، انسان را گرامی داشت.

رکن مورد تأکید

إِنَّ الْأَطْفَالَ يَحْتَاجُونَ إِلَى الْإِهْتِمَامِ. ← به درستی کودکان به توجه نیاز دارند.

رکن مورد تأکید

تذکره: ① در دو مثال بالا، ارکان مورد تأکید را مُعَيَّن کرده‌ایم؛ اما بد

نیست بدانید وقتی می‌خواهیم به عربی بگوییم کل جمله مورد تأکید است از این اصطلاحات استفاده می‌کنیم:

«تُوَكِّدُ كُلَّ الْجُمْلَةِ، التَّأَكُّدُ عَلَى الْجُمْلَةِ بِكَامِلِهَا، كُلُّ مَا بَعْدَهَا يُوَكِّدُ جَمِيعاً (بِأَجْمَعِهَا)»

② البته حواستان باشد که ترجمه شدن «إِنَّ» اختیاری است و می‌توان آن را ترجمه نکرد؛ چراکه بسیاری از اوقات «إِنَّ» به عنوان تکیه‌کلام در ابتدای جمله می‌آید و محتوای جمله به‌گونه‌ای نیست که مورد تأکید باشد و یک جمله عادی داریم؛ اما اگر «إِنَّ» بخواهد ترجمه شود حتماً ابتدای جمله می‌آید نه وسط یا آخر جمله، پس یا «إِنَّ» را ترجمه نمی‌کنیم یا اگر ترجمه کردیم حتماً اولین کلمه در جمله فارسی می‌آید.

مثال: إِنَّ التَّلْمِيذَ يَجْتَهِدُ.

قطعاً دانش‌آموز تلاش می‌کند. ✓

دانش‌آموز تلاش می‌کند. ✓

دانش‌آموز قطعاً تلاش می‌کند. ✗

• إِنَّ اللَّهَ أَغْلَمُ.

حتماً خدا داناترین است. ✓

خدا داناترین است. ✓

خدا حتماً داناترین است. ✗

البته توصیه می‌کنیم که در سؤالات امتحان نهایی که از شما می‌خواهند یک جمله را ترجمه کنید، حتماً «إِنَّ» را در ترجمه بیاورید تا جای شک و شبهه‌ای در تصحیح و نمره‌دهی نباشد.

② دقت کنید بعد از موارد زیر، اولی جمله محسوب می‌شود و «إِنَّ» می‌آید نه «أَنَّ»:

۱- قال، يقول، قُلْ، قِيلَ، يُقَالُ، قَائِلاً ۲- فَ ۳- وَ ۴- ؛ ۵- منادی

مثال: قَالَ الْفَائِزُ: إِنَّ الْعَدُوَّ قَرِيبٌ مِّنَّا.

← فرمانده گفت: حقیقتاً دشمن به ما نزدیک است.



■ «و إن»: گرچه، حتی اگر، هرچند» وسط جمله و قبل از فعل می‌آید و مضارع التزامی می‌سازد.

مثال: أَنْتَ فَائِزٌ وَ إِن فَشَلْتَ. ← تو برنده‌ای گرچه شکست بخوری.

③ **كأن:** به معنای «گویی، مانند، مثل» است و بیانگر «تصوّر و گمان گوینده یا تشبیه» می‌باشد؛ پس «كأن» دو کاربرد متفاوت و جداگانه دارد: «گمان» و «تشبیه»

■ **مثال:** كَأَنَّ السَّمَاءَ سَقْفٌ. ← آسمان مثل یک سقف است. (تشبیه)

● كَأَنَّ الْعَمَلَ تَمًّا. ← گویی کار کامل شده است. (گمان)

● كَأَنَّ الْأَبَّ جَبَلٌ. ← پدر مانند یک کوه است. (تشبیه)

● كَأَنَّ السُّؤَالَاتِ صَعْبَةٌ. ← گویی سوالات، سخت است. (گمان)

⚠ **تذکره:** ① اگر «كأن» بیانگر «تشبیه» باشد، حتماً با دو اسم می‌آید؛ زیرا تشبیه دورکن (اسم) دارد؛ مُشَبَّه و مُشَبَّه به، پس اگر «كأن» با دو اسم نیامد، قطعاً بر «گمان» دلالت دارد نه «تشبیه»؛ ولی اگر با دو اسم آمد باید بررسی کنیم که برای تشبیه به کار رفته یا گمان.

این نکته در ترجمه درست «كأن» مهم است.

② حواستان باشد «كان: بود» فعل ناقصه است؛ آن را با «كأن: گویی، مثل» اشتباه نگیرید.

④ **لكن:** به معنای «ولی، اما» است و برای کامل کردن پیام و برطرف کردن ابهام از جمله قبل از خودش می‌آید و بین دو جمله قرار می‌گیرد. (لكن = ولكن)

■ **مثال:** عَفَا اللَّهُ عَنْكُمْ وَلَكِنْ بَعْضُكُمْ لَمَ تُوْمِنُوا. ← خداوند از شما درگذشت، ولی برخی از شما ایمان نیاوردید.

● حَاوَلْتُ لِلإِمْتِحَانِ لَكِنْ اجْتِهَادِي مَا كَانَ كَافِيًا. ← برای امتحان تلاش کردم، اما تلاشم کافی نبود.

⚠ **تذکره:** ① تمام حروف مشبَّهه اول جمله می‌آیند، به جز «أَنَّ» و «لَكِنْ» که وسط جمله می‌آیند.

② معمولاً جمله قبل و بعد از «لَكِنْ» از لحاظ معنایی در تضاد با هم هستند.

مثال: نَحْنُ نَفَوُّزُ لَكِنَّكُمْ تَخْسِرُونَ. ← ما رستگار می‌شویم؛ ولی شما زیان می‌بینید.

● الْحَيَاةُ تَمُرُّ وَلَكِنَّ الْإِنْسَانَ غَافِلٌ. ← زندگی می‌گذرد، ولی انسان غافل است.

● كَرَسْتُ كَثِيرًا وَلَكِنِّي نَجَحْتُ. ← بسیار درس خواندم؛ ولی موفق شدم.

← غلط است؛ چون تضاد ندارند. برای مثال باید این‌گونه می‌گفت: «و نَجَحْتُ؛ و موفق شدم»

③ دقت کنید «لكن: ولی، اما» (بدون تشدید) جزو حروف مشبَّهه نیست.

④ «ل + كُنْ» به معنای «برای شما» جار و مجرور است، آن را با «لَكِنْ» اشتباه نگیرید.

مثال: قُلْتُ لَكُنْ: لَا تَيَاسُنْ. ← به شما گفتم: مأیوس نشوید.

● أتمنى لَكُنْ الخیر. ← برای شما خیر و خوبی آرزو دارم.

● یا صدیقی إِنَّ الْفِرْصَةَ لَا تَرْجَعُ.

← ای دوستم! به درستی که فرصت بازمی‌گردد.

● لَا تَيَاسُنْ فَإِنَّ الْيَاسَ قَاتِلُ الرُّوحِ.

← مأیوس نشو به درستی که (زیرا) یأس قاتل روح است.

④ گاهی «إِنَّ» معنای «زیرا، چراکه» می‌دهد، در این حالت غالباً «إِنَّ» بعد از فعل امر یا نهی می‌آید و در واقع پس از یک جمله قرار می‌گیرد.

مثال: لَا تَغْضَبْ إِنَّ الْغَضَبَ مَفْسَدَةٌ. ← خشمگین مشو زیرا عصبانیت مایه تباهی است.

● إِزْحَمِ الْفَقِيرَ إِنَّ الْفَقْرَ يَزُولُ. ← به فقیر رحم کن؛ زیرا فقر از بین می‌رود.

● «لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا» ← غمگین مشو؛ زیرا خدا با ما است.

② **أَنَّ:** بین دو جمله می‌آید، معنای «که» دارد، دو جمله را به هم وصل می‌کند و پیوند می‌دهد؛ پس بر خلاف «إِنَّ» که ابتدای جمله می‌آید؛ «أَنَّ» همواره وسط جمله می‌آید و تأکید ندارد.

■ **مثال:** أَظُنُّ أَنَّ النَّجَاحَ صَعْبٌ. ← گمان می‌کنم که پیروزی دشوار است.

● يَعْلَمُ النَّاسُ أَنَّ السُّوقَ مَفْتُوحَةً الْيَوْمَ. ← مردم می‌دانند که بازار امروز باز است.

■ در ترکیب‌های «مَعَ أَنَّ، لِأَنَّ، بِأَنَّ» حرف «أَنَّ» داریم نه «إِنَّ».

⊕ **نکته نهایی:** «إنما» از حروف مشبَّهه نیست (آن را با «إِنَّ» اشتباه نگیرید)؛ ضمناً «إنما» هم با اسم می‌آید، هم با فعل و به معنای «فقط، تنها» است نه «حتماً، قطعاً»، همچنین این کلمه روی بخش دوم (دورتر) جمله تأکید دارد.

مثال: إِنَّمَا الثَّرْوَةُ وَسِيلَةٌ. ثروت، فقط یک وسیله است. ✓
فقط ثروت وسیله است. ✗

● إِنَّمَا الْفَخْرُ لِحَيَاةٍ. افتخار، فقط به پاکدامنی است. ✓
فقط افتخار، به پاکدامنی است. ✗

● إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ. مؤمنان، فقط برادر هستند. ✓
فقط مؤمنان برادر هستند. ✗

🎁 **جمع‌بندی:** بهتر است انواع «ان» را با مثال مرور و دسته‌بندی کنیم:

■ «إِنَّ: حتماً، قطعاً، همانا» اول جمله به همراه اسم یا ضمیر می‌آید.

مثال: إِنَّكُمْ أَقْوِيَاءُ. ← قطعاً شما قدرتمند هستید.

■ «إِنَّ: اگر، چنانچه» از ادات شرط است و اول جمله قبل از فعل می‌آید.

مثال: إِنَّ تَنْقِذَ إِنْسَانًا تَشْكُرُكَ. ← اگر انسانی را نجات دهی از تو سپاسگزاری می‌کند.

■ «أَنَّ: که» وسط جمله به همراه اسم یا ضمیر می‌آید.

مثال: عَجِيبٌ أَنَّ الْفِلمَ قَصِيرَةٌ. ← عجیب است که فیلم، کوتاه است.

■ «أَنَّ: که» وسط جمله قبل از فعل می‌آید.

مثال: حَاوَلِي أَنْ تَنْجِحِي. ← تلاش کن که موفق شوی.

■ «إنما، آنما؛ فقط، تنها» قبل از اسم و فعل می‌آید و روی رکن دورتر خود تأکید دارد.

مثال: إِنَّمَا الْحَرِيَّةُ جَمَالٌ. ← آزادی، فقط زیبایی است.

- مثال: لا كَذِبَ مَقْبُول. ← هیچ دروغی پذیرفته نیست.
 • لا سَيَّارَةٌ عِنْدِي. ← هیچ ماشینی ندارم. (نزد من نیست).
 • لا شَكَّ فِي قَوْلِكَ. ← هیچ تردیدی در سخن تو نیست.
 • لا قُوَّةَ لَكُمْ. ← هیچ نیرویی ندارید. (برای شما نیست).

نکته نهایی: ۱ حواستان باشد حرف «لا» ی نفی جنس جزو حروف مشبهة بالفعل نمی باشد.

۲ لا + «جار و مجرور» یا «فعل» یا «ضمیر»، نفی جنس نیست.
مثال: لا مِثْلَكَ. • لا تُبَيِّنَنَّ. • لا نَحْنُ. • لا عَلِيَّ الْحَاكِمَ.

۲ اگر «لا» در ساختار «اسم + لا + اسم» بیاید، نفی جنس نیست و معنای «نه» دارد.

- مثال:** هو شاعرٌ لا تاجرٌ. ← او شاعر است نه تاجر.
 • أنت ذكِيٌّ لا غسَّانٌ. ← تو باهوش هستی نه تنبل.
 • هؤلاء أقوياء لا ضَعَفَاءٌ. ← اینها قدرتمند هستند نه ضعیف.

انواع «لا»

۱ **نافیه** ← به همراه فعل مضارع می آید، خبر منفی می دهد و تغییری در آخر آن ایجاد نمی کند، پس آخر مضارع «لَمْ، ان، ون، ین» دارد.

مثال: لا تشربُ. ← نمی نوشی. • لا تجعلونَ. ← قرار نمی دهید.

۲ **نهی** ← به همراه فعل مضارع می آید، دستور منفی می دهد و آخر فعل را مجزوم می کند، پس آخر مضارع به شکل «لَمْ، نِ، ا، وا، ی» می آید.

مثال: لا یکنبُ. ← نباید دروغ بگوید. • لا تذهبوا. ← نروید.

۳ **نفی جنس** ← به همراه اسم بی «ال» بی تنوین نکره «لَمْ» دار می آید و معنای «هیچ... نیست / ندارد» دارد.

مثال: لا ولدَ لَكُم. ← هیچ فرزندی ندارید.

۴ **جوابیه** ← به معنای «نه» است و در پاسخ به «هل، أ» استفاده می شود.

مثال: أ تُرِيدُ الفاكهةَ؟ لا. ← آیا میوه می خواهی؟ نه.

معادل های «هیچ» در عربی

۱ «لا ی نفی جنس»

مثال: لا إكراهَ فی الدین. ← هیچ اجباری در دین نیست.

۲ «ما مِن...»

مثال: ما مِن عَمَلٍ. ← هیچ کاری نیست.

۳ «كُلٌّ» + مفرد نکره در جملات منفی

مثال: لا نأكلُ كلَّ حرامٍ. ← هیچ حرامی را نمی خوریم.

۴ «أی» + مفرد نکره در جملات منفی

مثال: لا ننصرُ أیُّ كاذبٍ. ← هیچ دروغ‌گویی را یاری نمی کنیم.

۵ **لَيْتَ:** به معنای «کاش، ای کاش» است و بیانگر «آرزو» یا امری است که معمولاً امکان انجام ندارد؛ ولی این‌گونه نیست که هرگز شدنی نباشد.

مثال: لیتکَ صادقٌ. ← کاش راستگو باشی.

• لیتنا نکتسبُ الثروةَ. ← کاش ما ثروت کسب کنیم.

• لیتَ السماءُ تُمطرُ. ← کاش آسمان ببارد.

تذکر: «لَيْتَ: کاش» حرف مشبّهه است و «لیس: نیست» فعل ناقصه.

۶ **لَعَلَّ:** به معنای «شاید، امید است» می باشد و بیانگر کاری است که شاید انجام شود و شاید نشود، ضمناً می تواند بیانگر امید به اتفاق افتادن یک چیز باشد.

مثال: لَعَلَّ اللهُ يُنقِذَنَا. ← شاید (امید است) خدا ما را نجات دهد.

• لعلنی مجروحٌ. ← شاید من زخمی باشم (هستم).

• کلمةُ «لَعَلَّ» که نوعی جواهر است با «لَعَلَّ» اشتباه نشود.

نکته نهایی: فعل مضارعی که پس از «لَيْتَ، لَعَلَّ» می آید، به صورت

«مضارع التزامی» ترجمه می شود، نه ماضی استمراری.

مثال: لیتَ ایرانَ تتقدّمُ. ← کاش ایران پیشرفت کند.

• لعلَّ الأمَّ تطبخَ الغداءَ. ← شاید مادر ناهار بپزد.

حروف مشبهة بالفعل در یک نگاه

| نام | معنی | مکان در جمله | کاربرد | کلمات مشابه |
|---------|----------------|--------------|---|---|
| إِنَّ | قطعاً، همانا | اول جمله | تأکید بر کل جمله بعدش | أَنَّ (که)، إِنَّ (اگر)، أَنَّ (که) |
| أَنَّ | که | وسط جمله | ارتباط و پیوند دو جمله | إِنَّ (قطعاً)، إِنَّ (اگر)، أَنَّ (که) |
| كَأَنَّ | گویی، مانند | اول جمله | تصوّر، گمان یا تشبیه | كان (فعل ناقصه) |
| لَكِنَّ | ولی، اما | وسط جمله | کامل کردن پیام و برطرف کردن ابهام جمله قبل از خود | لَكِنَّ (ولی)، لَكِنَّ (برای شما) |
| لَيْتَ | کاش | اول جمله | بیانگر آرزو | لیس (نیست) |
| لَعَلَّ | شاید، امید است | اول جمله | امید یا شک | لَعَلَّ (مرورید) |

لای نفی جنس

معنای «هیچ... نیست» یا «هیچ... ندارد»^۱ می دهد و قبل از اسم بی «ال» بی تنوین نکره مفتوح «لَمْ» دار می آید، پس این اسم همیشه «لَمْ» دارد، ضمناً چون این «لا» معنای «هیچ» می دهد؛ پس طبیعتاً شدیدترین نفی را دارد.

۱. گاهی قبل از «لَيْتَ» حرف «یا» می آید: «یا لیتَ: ای کاش»

۲. در این حالت بعد از اسم «لا» حرف «یا» می آید: «یا لَعَلَّ: لا صدیق لنا» ← هیچ دوستی نداریم.



| | | |
|---|---|--|
| • سيرة: روش و کردار، سرگذشت | • يَتَن: آشکار کرد، بیان کرد | • آله: وسیله |
| • شِيَاخ: گردشگران «مفرد: سائح» | • تَأَكَّد: مطمئن شد | • آلِهَة: خدایان «مفرد: إله» |
| • شَرَّ: بدی «جمع: شُرور» | • تَبِعَ: تعقیب کرد | • إِبْتِعَاد: دور شدن |
| • شَعَائِر: مراسم «مفرد: شعيرة» | • تَجَنَّب (تَجَنَّبَ - يَتَجَنَّبُ): دوری کردن | • إِخْمِنِي (اِخْمِ + نون وقایه + ی): از من نگهداری کن |
| • شَعْب: ملت «جمع: شعوب» | • تَظَاهَرَ: وانمود کرد | • أَثَر: اثر «جمع: آثار» |
| • ضَدْر: سینه «جمع: صدور» | • تَمَثَّل: تندیس، مجسمه «جمع: تماثيل» | • أَجْلَسَ (يُجْلِسُ): نشانید |
| • صِرَاع: کشمکش | • تَمَنَّى (يَتَمَنَّى): آرزو داشت | • أَحْضَرَ: آورد، حاضر کرد |
| • صَفَّ: صف، ردیف ایستادن | • تَهَامَسَ (يَتَهَامَسُ): پیچ پیچ کرد | • إِرْضَاء: راضی کردن، خشنود کردن |
| • ضَاغ: تباه کرد | • جَذَعَ: تنه «جمع: جذوع» | • إِزْدَاد: زیاد شد |
| • ضَعَّ: قرار بده | • حَدَّثَ: اتفاق افتاد | • إِشْتَهَزَأَ بِ: ریشخند کردن |
| • طِين (طِينَة): گِل، سرشت | • حَدَّثَ: سخن گفت | • إِسْتَوَى: برابر است، برابر شد |
| • عُشَّ: لانه | • حديد: آهن | • أَشْوَأَ: بدتر، بدترین |
| • غَضَب: پی، رشته عصبی «جمع: أعصاب» | • الحَرْبُ المَقْرُوضَة: جنگ تحمیلی | • أَشَدَّ: سخت تر، سخت ترین |
| • غَصْر: دوره، زمان «جمع: عُصور، أعصار» | • حَرَّقَ: سوزاند | • أَصْنَام: بت ها «مفرد: صنم» |
| • غَظْم: استخوان «جمع: عظام» | • حَسِبَ: پنداشت | • أَضَاعَ (يُضِيعُ): تباه کرد |
| • غَفَاف: پاکدامنی | • حَضَارَة: تمدن | • أَعَانَ (يُعِينُ): یاری کرد |
| • غَقَلَّ: خردورزی کرد | • حَقَّطَ: بخت «جمع: حُطُوط» | • أَعْلَى: بالا، بالاتر، بالاترین |
| • غَلَّقَ: آویخت | • حَقَلَّ: برداشت، حمل کرد | • أَعْنَى (أَعِنَ + نون وقایه + ی): مرا یاری کن |
| • غَلَّمَ: یاد داد | • حَقَلَّ: تحمیل کرد | • أَغْنَى: بی نیازکننده تر، بی نیازکننده ترین |
| • غَلِمَ: دانست | • حَمَى (يَحْمِي): حفظ کرد، نگهداری کرد | • أَقَامَ الوجه: روی آورد (اصطلاح است) |
| • عِيد: جشن «جمع: أعياد» | • حَنِيف: یکتاپرست | • أَقِمَّ وَجْهَكَ: روی بیاور |
| • غَالِي: گران | • حِيَاء: شرم | • إِكْتَشَفَ: کشف کرد |
| • غَايَة: هدف | • خِدَاع: فریب | • أَنْزَ (أَنْزَا - يُنْزِلُ): روشن کن |
| • فَاخِر: افتخارکننده | • حُذُوا (أَمْرٌ بِأَخَذِهِ): بگیرید | • إِنشِرَاح: شادمانی |
| • فَأَسَّ: تبر «جمع: فُؤوس» | • حُرَاقَة: سخن بیهوده، موهوم پرستی | • أَنشُودَة: سرود «جمع: أناشيد» |
| • فَخَّرَ: افتخار | • حَسَبَ: چوب | • إِنْقَاد: نجات، نجات دادن |
| • فَرِيَسَة: شکار «جمع: فرائس» | • حَلِيل: دوست | • أَنْقَذَ: نجات داد |
| • فَضَّة: نقره | • دَاء: بیماری | • إِنَّ: همانا، به درستی که، بی گمان، زیرا |
| • فَم: دهان | • دار: خانه | • أَنْ: که |
| • قَاتَل: جنگید | • دین: آیین «جمع: أديان» | • إِنَّمَا: تنها، فقط |
| • قَذَّفَ: انداخت | • ذَات: دارای | • بَحَثَ عَن: جست و جو کرد |
| • قُرآن: خواندن، قرآن | • ذَكَرَ: یاد کرد | • بَدَّوْا يَتَهَامَسُونَ: شروع به پیچ پیچ کردند، شروع |
| • قَرَابِين: قربانی ها «مفرد: قربان» | • ذَكَّى: باهوش | • کردند پیچ پیچ کنند |
| • قَوْم: قوم، گروه «جمع: أقوام» | • ذَهَب: طلا | • بَسَمَات: لبخندها |
| • قَبِلَ: گفته شد | • زُسُوم: نقاشی ها «مفرد: رَسْم» | • بِطَاقَة: بلیط، کارت |
| • كَأَنَّ: گویی، مانند | • شَبِيلَ: پرسیده شد | • بَعَثَ: رستاخیز، قیامت |
| • كِتَابَات: نوشته ها | • سَبَّ: دشنام داد | • بَغْتَة: ناگهان |
| • كَتِف (كَيْتَف): شانه «جمع: أكتاف» | • شَدَى: بیهوده و پوچ | • بَقِي: ماند |
| • كَسَّرَ: شکست | • سَلَام: آشتی، صلح | • بَكَى (يَبْكِي): گریه کرد |
| • كُونُوا: باشید | • سَلَّمَ: صلح | • بِلَاد: کشورها، شهرها «مفرد: بَلَد» |
| • لَ (اگر با ضمیر متصل نیاید): حتماً (قید تأکید) | • سِنَ: دندان، دندانها، تیغه «جمع: أسنان» | • بُنْيَانٌ مَرصُوضٌ: ساختمانی استوار |
| • لا تُدْرِكُ: به دست آورده نمی شود، به دست نمی آید | • سَوَى: به جز | • بَيْت: خانه «جمع: بيوت» |

| | | |
|--|--|---|
| <ul style="list-style-type: none"> • مَن دُون: به جای، به غیر از • نَبِي: پیامبر «جمع: أنبياء» • نُحَاس: مس • نِزَاع: کشمکش • نَسَب: اصل و نسب، دودمان • نِقَاد: نقدکنندگان «مفرد: ناقد» • نِقُوش: کنده‌کاری‌ها، نگاره‌ها «مفرد: نقش» • يَد: دست «جمع: أيدي» | <ul style="list-style-type: none"> • مَرَّ: گذران، گذشتن • مَرَض: بیماری • مَسْكِين: نیازمند «جمع: مساكين» • مُفْتَرِس: درنده، شکارچی • مَقْتَسِدَة: مایه تباهی • مُكْرَم: گرامی • مُكْسِرَة: شکسته، شکسته شده • مَكْسُور: شکسته • مَن خِلَال: از طریق، از میان، به واسطه | <ul style="list-style-type: none"> • لِأَنَّ: زیرا، برای اینکه • لَحْم: گوشت «جمع: لحوم» • لَعَلَّ: شاید، امید است • لَكِنَّ: ولی، اما • لَمَّا: هنگامی که • لَيْتَ: کاش، ای کاش • مَا يَلِي: آنچه می‌آید • مُجِيب: برآورنده، پاسخگو • مُدَوِّنَة: وبلاگ |
|--|--|---|

واژه‌های مترادف

| | | |
|--|--|---|
| <ul style="list-style-type: none"> • فَرَح = إنشراح = سُورور (شادی) • قَاتِل = حَارِب (جنگید) • قَذَف = زَقَى (پرتاب کرد، انداخت) • قَصَد = أَرَاد = ظَلَب (خواست) • قَوْل = مَقَال = كَلَام (سخن) • لَعَلَّ = عَسَى (شاید، امید است) • مَرِصُوص = ثَابِت = مُسْتَحْكِم (استوار) • مُزَارِع = فَلَاح (کشاورز) • مُوْخِد = خَنيف (یکتاپرست) • نَضَب = جَعَلَ = وَضَعَ (قرار داد) • يَلِي = يَجِيء = يَأْتِي (می‌آید) | <ul style="list-style-type: none"> • حَسِبَ = ظَنَّ (پنداشت، گمان کرد) • حَفَظَ = نَصِيب (بخت، بهره) • خَمِيَ = حَافِظَ عَلِي (نگهداری کرد) • حِينَ = عِنْدَمَا = لَمَّا (وقتی که، هنگامی که) • رَأَى = شَاهَدَ = نَظَرَ (دید، مشاهده کرد) • سَبِيل = صِرَاط = طَرِيق (راه) • سُدِيَ = عَبَثَ (بیهوده و بوج) • سَوِيَ = غَيْر = إِلَّا (به جز، مگر) • سِيرَة = سَلُوك (رفتار، کردار) • شَرَّ = سَوء (بدی) • شَكَ = تَرَدَّد (شک، تردید) • صِرَاع = نِزَاع (درگیری) | <ul style="list-style-type: none"> • آلة = أداة = جهاز = وسیلة (دستگاه، وسیله) • أَعَانَ = سَاعَدَ = نَصَرَ (کمک کرد) • أَنَاذَ = أضاءَ (روشن کرد) • إِنَّ = لَ (قطعاً، حتماً) • إِهْتِمَام = عِنَايَة (توجه) • بَعَثَ = قِيَامَة (رستاخیز) • بَعَثَ = أَرْسَلَ (فرستاد) • بَغْتَة = فِجَاءَة = إِذْ (ناگهان) • بُنِيَان = بِنَاء = عِمَارَة (ساختمان) • حَاوَلَ = جَدَّ = سَعَى = اجْتَهَدَ (تلاش کرد) • حَدَّثَ = كَلَّمَ (سخن گفت) • حَرَّقَ = أَشْعَلَ (سوزاند) |
|--|--|---|

واژه‌های متضاد

| | | |
|---|--|--|
| <ul style="list-style-type: none"> • ضَحَك (خندید) ≠ بَكَى (گریه کرد) • ضَلَالَة (گمراهی) ≠ هِدَايَة (هدایت) • قُرْب (نزدیک، نزدیکی) ≠ بُعْد (دور، دوری) • مُجِيب (جواب‌دهنده) ≠ سَائِل (پرسشگر) • نَافِع (سودمند) ≠ مُضِر (زیان‌رسان) | <ul style="list-style-type: none"> • خَنيف، مُوْخِد (یکتاپرست) ≠ مُشْرِك، كَافِر (مشرك) • سَأَلَ (پرسید) ≠ أَجَابَ (پاسخ داد) • شَكَ، تَرَدَّد (شک، مردد بودن) ≠ اِطْمِئِنَان، تَأَكُّد (مطمئن بودن) • صِرَاع، نِزَاع (کشمکش) ≠ سَلَام، صِلَاح (صلح) | <ul style="list-style-type: none"> • اِئْتِمَاع، تَجَنُّب (دوری جستن) ≠ تَقَرُّب (نزدیک شدن) • اَسْوَأ (بدترین) ≠ أَحْسَن، أَفْضَل، خَيْر (بهترین) • اَنْقَذَ (نجات داد) ≠ أَهْلَكَ (هلاک کرد) • أَهْلِي (رام شده) ≠ مُفْتَرِس (درنده) • تَخَرَّكَ (حرکت کرد) ≠ تَوَقَّفَ (ایستاد) • جَلَسَ (نشست) ≠ قَامَ (برخواست) |
|---|--|--|

جمع‌های مکسر

| | | |
|---|---|--|
| <ul style="list-style-type: none"> • عُصُور ← عَصْر (دوره، زمان) • عِظَام ← عَظْم (استخوان) • عُلُوم ← عِلْم (دانش) • فُؤُوس ← فَأْس (تبر) • قَرَابِين ← قُرْبَان (قربانی) • لُحُوم ← لَحْم (گوشت) • مَسَاكِين ← مَسْكِين (نیازمند) • نِقَاد ← نَقَاد (نقدکننده) • نِقُوش ← نَقْش (کنده‌کاری، نگاره) | <ul style="list-style-type: none"> • اَنْبِيَاء ← نَبِي (پیامبر) • اَيْدِي ← يَد (دست) • بِلَاد ← بَلَد (کشور) • تَمَائِيل ← تِمثال (تندیس، مجسمه) • جُدُوع ← جَذَع (تنه) • حُظُوظ ← حَفَظَ (بخت) • زُسُوم ← زَسَم (تصویر، عکس) • شِيَاخ ← سَائِح (گردشگر) • شُرُور ← شَرَّ (بدی) • شَعَائِر ← شَعِيرَة (مراسم) • شُعُوب ← شَعْب (ملت) | <ul style="list-style-type: none"> • اَنْأَر ← اَثَر (اثر) • اَلِهَة ← اِلَه (خدا) • اَبْيَات ← بَيْت (خانه) • اَدْيَان ← دِين (آیین، دین) • اَسْنَان ← سِن (دندان، دندان‌ه) • اَصْنَام ← صَنَم (بُت) • اَعْصَاب ← عَضَب (پی، رشته عصبی) • اَعْيَاد ← عِيد (عید، جشن) • اَقْوَام ← قَوْم (قوم، گروه) • اَكْتاف ← كَيْف، كَيْف (کشف، شانه) • اَنْاشِيد ← اَنْشُودَة (سرود) |
|---|---|--|



کتابنامه الدِّين وَ التَّدْيِينُ: دین و دین داری



﴿أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا﴾ (یونس: ۱۰۵)

فعل و فاعل مفعول م. الیه ۱ ج. م ۲ فید حالت

ترجمه با یکتاپرستی به دین روی آور.

کالبر شکاف: «أَقِمَّ» فعل امر از باب «إفعال» و ثلاثی مزید است که مصدر آن «إقامة» می باشد.

احتمالاً بسیاری از شماها مطالب مربوط به پایه مثل پیدا کردن نقش‌ها (محل اعرابی)، انواع فعل‌ها، زمان فعل‌ها و... را فراموش کرده‌اید و الآن که ما به بررسی آن‌ها می‌پردازیم ممکن است دچار چالش و مشکل شوید، پس توصیه می‌کنیم به «بخش ویژه» کتاب رفته و مطالب آن را مرور و مطالعه نمایید؛ فراموش نکنید که بین ۶ تا ۷ نمره از ۲۰ نمره امتحان نهایی دوازدهم مربوط به مطالب پایه است.

■ **لغات مشابه:** «قام: ایستاد» / «قام به: به... پرداخت، ... را انجام داد» / «أقام: به پا داشت»

• تمام فعل‌های امر، فاعلشان به همراه خودشان است؛ یعنی فاعل فعل امر همیشه به شکل یک ضمیر درون فعل است؛ پس فاعل فعل امر هرگز به شکل اسم نمی‌آید.

﴿التَّدْيِينُ فِطْرِي فِي الْإِنْسَانِ وَ التَّارِيخُ يَقُولُ لَنَا﴾

مبتدا خبر ج. م مبتدا خبر ج. م

ترجمه دین داری در انسان ذاتی است و تاریخ به ما می‌گوید.

کالبر شکاف: اگر مبتدا را پیدا کردید و بعد از آن چند گزینه داشتید که می‌توانستند خبر باشند، یعنی مثلاً در تعیین خبر بین اسم و جار و مجرور یا بین فعل و جار و مجرور تردید داشتید، در جریان باشید که اولویت با اسم و فعل است، نه جار و مجرور؛ مثلاً در عبارت بالا بین «فِطْرِي» و «فِي الْإِنْسَانِ» اسم (فِطْرِي) را خبر گرفتیم نه جار و مجرور (فِي الْإِنْسَانِ). **مثال:** الْجَوَالُ لِأَكْثَرِ النَّاسِ فِي الْعَالَمِ ضَرُورِيٌّ.

• «يَقُولُ» فعل مضارع ثلاثی مجزء است. مبتدا ج. م. الیه ج. م. خبر

• «لِ» جازه + ضمیر ← **مثال:** لِي + كُمْ ← كُنْم • لِي + نَا ← لَنَا

﴿لَا شَعْبَ مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا وَ كَانَ لَهُ دِينٌ وَ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ﴾

لائی نفی جنس ج. م. الیه ج. م. ج. م.

ترجمه هیچ ملتی از ملت‌های زمین نیست (وجود ندارد) مگر اینکه دین و روشی برای پرستش داشته باشد.

کالبر شکاف: در ترجمه «لا» نفی جنس، از ساختار «هیچ + اسم نکره + نیست» استفاده می‌کنیم.

• «لِ» و «عند» در ابتدای جمله به همراه اسم یا ضمیر، معنای «داشتن» می‌دهند.

■ **مثال:** لی کتاب. ← کتابی دارم. • عندکم سؤال. ← سؤالی دارید.

• اگر قبل از دو ساختار قبل «کان» بیاید، بیانگر مالکیت در زمان گذشته هستند (داشت).

■ **مثال:** کان لی کتاب. ← کتابی داشتم. • کانت عندکم سیارة. ← ماشینی داشتید.

• «لِ» مخفّف «لِ» ال «است». **مثال:** للمؤمن ← لِ + ال + مؤمن

﴿فَالْأَنَارُ الْقَدِيمَةُ الَّتِي اِكْتَشَفَهَا الْإِنْسَانُ، وَ الْحَضَارَاتُ الَّتِي عَرَفَهَا﴾

مبتدا صفت وابسته فعل مفعول فاعل معطوف ۳ وابسته فعل و فاعل مفعول

ترجمه پس آثار قدیمی‌ای که انسان آن را کشف کرد و تمدن‌هایی که آن را شناخت.

کالبر شکاف: حرف «ف» را با حرف جرّ «فی» اشتباه نگیرید.

• اسم «ال» دار + «الذی» الذین، «الّتی» ← به صورت «اسم + ی + که» ترجمه می‌شود.

■ **مثال:** أَحِبُّ الْفِیْلِمَ الَّذِي شَاهَدْتُهُ. ← فیلمی که دیدم را، دوست دارم.

۱. م. الیه ← مضاف الیه

۲. ج. م. ← جار و مجرور

۳. از شناخت نقش معطوف در امتحان نهایی سؤال نمی‌آید. فقط بدانید که معطوف از نقش‌های اصلی جمله نیست و وابسته نقش قبلی می‌باشد.



اولاً دقت کنید که در این حالت اسم معرفه به شکل نکره (به همراه «ی») ترجمه می‌شود. ثانیاً در همین حد بدانید که نقش (محل اعرابی) «الذی» در این حالت «وابسته» است.

• «اِکْتَشَفَ» فعل ماضی از باب «افتعال» است. • اگر مفعول، ضمیر متصل به فعل باشد و فاعل از نوع اسم، مفعول بر فاعل مقدم می‌شود؛ یعنی اول مفعول می‌آید و بعد فاعل. **مثال:** أَخْرَجَ كُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ. ← خدا شما را از تاریکی‌ها خارج کرد.

فعل مفعول فاعل ج.م

• يُنْقِذُ نِيَّ الْعِلْمِ. ← علم مرا نجات می‌دهد.

فعل مفعول فاعل

📖 **مِنْ خِلَالِ الْكِتَابَاتِ وَالنُّقُوشِ وَالرُّسُومِ وَالتَّمَاثِيلِ. تَوْكُّدُ اهْتِمَامِ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ.**

ج.م م.الیه معطوف معطوف فعل و فاعل مفعول م.الیه ج.م

ترجمه از طریق نوشته‌ها و کنده‌کاری‌ها و نقاشی‌ها و مجسمه‌ها بر توجه انسان به دین تأکید می‌کند.

📌 **کالبر شکافی:** «الآثار» در بند قبلی مبتدا بود و «تَوَكَّدُ» در این بند خبر آن؛ ممکن است بگویید چرا «اِکْتَشَفَ» خبر نشد؟ یادتان باشد که جمله پس از «الذی، الّتی و الذّین» و «مَنْ» و «مَا» در وسط جمله هیچ نقشی ندارد؛ پس این جمله نمی‌تواند خبر، جمله وصفیه، جمله حالیه و... باشد. اسم آن، جمله «صله» است که صرفاً برای کامل کردن معنا می‌آید از قدیم هم گفتن: صله، ولیه.

📌 **مثال:** الْمَوْظُفُّ الَّذِي يَخْدُمُنَا يَـرِي أَسْرَهُ. ← کارمندی که به ما خدمت می‌کند، اثرش را می‌بیند.

مبتدا وابسته جمله صله خبر مفعول م.الیه

📌 مراقب معنای چهار کلمه زیر باشید:

۱) الْكِتَابَاتُ ← نوشته‌ها ← «کتاب‌ها» غلطه.

۲) النُّقُوشُ ← کنده‌کاری‌ها، نگاره‌ها ← به معنای «نقشی که بازی می‌کنند یا وظیفه» نیست.

۳) الرُّسُومُ ← نقاشی‌ها ← «آیین و رسوم» غلطه.

۴) التَّمَاثِيلُ ← مجسمه‌ها ← به معنای «نمونه‌ها و مثال‌ها» نیست.

• «تَوَكَّدُ» فعل مضارع از باب «تفعیل» است.

• هرگاه یک اسم (مرجع) قبل از فعل بیاید، نمی‌تواند فاعل باشد، چون فاعل همیشه بعد از فعل می‌آید؛ ولی حضور آن اسم باعث می‌شود که فاعل، همراه (درون) فعل باشد، پس در این حالت، فاعل، اسم قبل و یا اسم بعد از فعل نیست و همیشه به همراه فعل است (فعل و فاعله / فعل مع فاعله).

📌 **مثال:** الْجَامِعَةُ تُرَبِّي الطَّالِبَاتِ. ← دانشگاه، دانشجویان را تربیت می‌کند.

مبتدا فعل و فاعل مفعول

• الْحَضَارَاتُ تُسْرِى مَاضِيَ الشُّعُوبِ. ← تمدن‌ها، گذشته ملت‌ها را نشان می‌دهد.

مبتدا فعل و فاعل مفعول م.الیه

📌 البته ما در نقش‌یابی جملات کتاب غالباً هر جایی که بعد از «فعل و فاعل» مفعول داشتیم، نوشته‌ایم «فعل و فاعل» تا مفعول را با فاعل اشتباه نگیرید.

مثلاً در «نُخْرِجُ الْكِتَابَ» زیر «نُخْرِجُ» نوشته‌ایم «فعل و فاعل»، اما مثلاً در «نُخْرِجُ إِلَى الْبَابِ» چون مفعول نداریم، زیر «نُخْرِجُ» فقط می‌نویسیم فعل، ولی در واقع فعل و فاعل مفعول

«فعل و فاعل» است. مُنتهها چون بعد از فعل، مفعول نداریم و شما دچار اشتباه نمی‌شوید، ما فقط به فعل اشاره کرده‌ایم که هم زیادی شلوغ نشود و هم بدانید در نهایی از شما نمی‌خواهند که در این حالت فاعل را پیدا کنید، ولی دانستن اینکه فاعل درون فعل است، باعث می‌شود مفعول را با فاعل اشتباه نگیرید.

📖 **و تَدُلُّ عَلَى أَنَّهُ فِطْرِيٌّ فِي وُجُودِهِ؛ وَلَكِنَّ عِبَادَاتِهِ وَشَعَائِرَهُ كَانَتْ خُرَافِيَّةً.**

ترجمه و بر اینکه آن در وجودش ذاتی است، دلالت می‌کند؛ ولی عبادت‌ها و مراسم خرافی بود.

📌 **کالبر شکافی:** «تَدُلُّ» فعل مضارع ثلاثی مجرد است؛ هر مضارعی که چهار حرف داشته باشد و با فتحه (ت) شروع شود (یعنی «يَفْعَلُ»)، ثلاثی مجرد است.

• «أَنَّ» و «لَكِنَّ» حرف مشبّهه هستند. • فعل‌های ناقصه (کان، صار، لیس، أصبح) نه فاعل دارند نه مفعول، پس «خُرَافِيَّةً» نه فاعل است نه مفعول، پس چیه؟ به شما ربطی نداره و در امتحان نهایی نیاید.

۱. در این حالت فقط ضمیر «ی» مفعول است و تون (ن) حرف وقایه می‌باشد. ولی برای فهم بهتر شما، زیر «تی» خط کشیده‌ایم.



﴿مِثْلُ تَعَدُّدِ الْأَلِهَةِ وَ تَقْدِيمِ الْقَرَابِينِ لَهَا لِكَسْبِ رِضَاهَا وَ تَجَنُّبِ شَرِّهَا﴾

م.الیه م.الیه معطوف م.الیه ج.م م.الیه م.الیه معطوف م.الیه م.الیه

ترجمه مانند تعدد خدایان (چندخدایی) و تقدیم قربانی‌ها به آن‌ها برای کسب رضایتشان و دوری از بدی آن‌ها.

کالبدشکافی: «تَعَدُّد»، «تَقْدِيم»، «كَسْب»، «رِضَا» و «تَجَنُّب» مصدر و اسم هستند، آن‌ها را با فعل اشتباه نگیرید. • «الْأَلِهَةُ» جمع مکسر «إله» و مذکر است، گول «ة» را نخورید! در واقع جمع‌های مکسری که «ة» دارند، مذکر هستند نه مؤنث. • «الْقَرَابِين» جمع مکسر است نه جمع مذکر سالم، فریب «ین» را نخورید. مفرد آن نیز «قربان» است.

﴿وَازْدَادَتْ هَذِهِ الْخُرَافَاتُ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ﴾

فعل فاعل وابسته ج.م م.الیه ج.م م.الیه

ترجمه و این خرافات در گذر زمان (زمان‌ها) در دین‌های مردم زیاد شد.

کالبدشکافی: اسم «ال» دار بعد از اسم اشاره، وابسته (تابع) است؛ زیرا وابسته و پیرو اسم اشاره است و نقش مستقلی ندارد. دقت کنید که این نقش را در امتحان نهایی نمی‌خواهند؛ اما حتماً باید بدانید که نقش اسم «ال» دار بعد از اسم اشاره هرگز مضاف‌الیه نیست.

▪ **لغات مشابه:** «المَرَّ: گذشتن» - «المُرَّ: تلخ» - «مُرَّر: تلخ کرد» / «إِزْدَاد: زیاد شد» - «زَاد: زیاد شد، زیاد کرد»

﴿وَلَكِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَتْرِكِ النَّاسَ عَلَى هَذِهِ الْحَالَةِ﴾

حرف فعل فعل فعل و فاعل مفعول ج.م وابسته مشبَّهه

ترجمه ولی خداوند - پربرکت و بلندمرتبه بادا نام او - مردم را به این حالت رها نکرد.

کالبدشکافی: «تَبَارَكَ» و «تَعَالَى» هر دو فعل ماضی ثلاثی مزید از باب «تَفَاعُل» هستند، بلکه در فارسی مثل صفت ترجمه می‌شوند و خیلی‌ها فکر می‌کنند که این دو، اسم هستند؛ ولی در عربی فعل اند نه اسم. • «يَتْرِكُ» فعل مضارع ثلاثی مجرد است.

• «لَمْ» + مضارع ← ماضی ساده منفی، ماضی نقلی منفی • عَلَتْ حرکت کسره (به) در پایان «يَتْرِكُ» رفع برخورد دو ساکن است؛ در واقع هر وقت ساکن (ش) به «ال» برخورد کند، حرکت ساکن برای سهولت در خواندن به کسره (به) تبدیل می‌شود.

▪ **مثال:** فرحت النساء. ← فرحت النساء.

🔔 حواستان هست که چون «اللَّهُ»، قبل از فعل (لَمْ يَتْرِكِ) آمده نه خودش فاعل است نه اجازه می‌دهد که «الناس» فاعل شود!؟

﴿فَقَدْ قَالَ فِي كِتَابِهِ الْكَرِيمِ: «أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى»﴾ (القيامة، ۳۶)

فعل ج.م م.الیه صفت فعل فاعل فعل مجهول قید حالت

ترجمه پس (حقیقتاً) در کتاب ارزشمندش (شریفش) گفته است: آیا انسان می‌پندارد که بیهوده رها می‌شود؟

کالبدشکافی: «فَقَدْ» ← «قَدْ» دو حرف هستند. • در ترجمه «قد» + ماضی، می‌توان از قیدهای تأکیدی استفاده کرد. • اگر یک اسم در عربی هم صفت داشته باشد هم مضاف‌الیه، اول مضاف‌الیه می‌آید و سپس صفت (اسم + مضاف‌الیه + صفت)؛ البته در ترجمه فارسی اول صفت می‌آید و سپس مضاف‌الیه. (اسم + صفت + مضاف‌الیه)، این ساختار به گروه اسمی یا ترکیب وصفی - اضافی معروف است.

▪ **مثال:** شهر زیبای ما. ← مَدِينَتُنَا الْجَمِيلَةَ.

اسم صفت م.الیه اسم م.الیه صفت

• «يَحْسَبُ» فعل مضارع و ثلاثی مجرد است. • «أَيَّ» از حروف پرسشی است و مترادف آن «هَل» است.

• «يُتْرَكَ» فعل مضارع مجهول و ثلاثی مجرد است. (تَرَكَ - يَتْرُكُ - يُتْرَكُ)

🔔 دقت کردید که «أَنْ يُتْرَكَ» با توجه به حضور «يَحْسَبُ» و مفهوم کلی آیه به صورت مضارع اخباری ترجمه شده است نه مضارع التزامی!؟

﴿لِذَلِكَ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ الْأَنْبِيَاءَ لِيُبَيِّنُوا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ وَالدِّينَ الْحَقَّ﴾

ج.م فعل و فاعل ج.م مفعول فعل و فاعل مفعول صفت معطوف صفت

ترجمه به همین خاطر پیامبران را به سوی آنان فرستاد برای اینکه راه راست و دین حق را آشکار کنند.

کالبدشکافی: مرجع فعل‌های «أَرْسَلْنَا» قَالَ، لَمْ يَتْرُكْ، «اللَّهُ» است به خاطر همین فاعل همه این فعل‌ها درون فعل است و نمی‌توانند فاعل به صورت

اسم بگیرند؛ پس اسم بعد از این فعل‌ها مفعول شد نه فاعل. • «يُبَيِّنُوا» فعل مضارع معلوم از باب «تَفْعِيل» است. • «أَرْسَلْنَا» فعل ماضی ثلاثی مزید از باب «إِفعال» است.

۱. در امتحان نهایی نقش معطوف را از شما نمی‌خواهند، فقط بدانید که از نقش‌های اصلی در جمله نیست.

و قَدْ حَدَّثْنَا الْقُرْآنَ الْكَرِيمَ عَنِ سِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ (ع) وَ صِرَاعِهِمْ مَعَ أَقْوَامِهِمُ الْكَافِرِينَ.

فعل مفعول فاعل صفت ج.م م.اليه م.اليه قيد م.اليه صفت

ترجمه و (به درستی که) قرآن کریم با ما درباره سرگذشت (روش) پیامبران و کشمکش آن‌ها با قوم‌های کافرشان سخن گفته است.

کالبدشکافی: همان طور که گفتیم اگر «قد» قبل از فعل ماضی بیاید می‌توان در ترجمه آن از قیدهای تأکیدی استفاده کرد. • «حَدَّثْتُ» فعل ماضی ثلاثی

مزید از باب «تفعیل» است.

لغات مشابه: «حَدَّثْتُ: سخن گفت» / «حَدَّثْتُ: اتفاق افتاد» / «أَحَدْتُ: احداث کرد، ساخت» / «تَحَدَّثْتُ: صحبت کرد، سخن گفت»

• «مع» اسم است نه حرف جز و همیشه پس از آن «مضاف‌الیه» می‌آید. • «الکافرین» اسم فاعل از ثلاثی مجزء است؛ خیلی‌ها آن را به اشتباه «کافر» می‌خوانند و متوجه نمی‌شوند که اسم فاعل است.

لغات مشابه: «صراع» مفرد است، آن را با اسم جمع اشتباه نگیرید؛ ضمناً «صُراع»، یعنی «سردرد».

و نُتَذَكَّرُ مَثَلًا إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ (ع) الَّذِي حَاوَلَ أَنْ يُتَقَدَّ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ.

فعل و فاعل مفعول بدل صفت وابسته فعل فعل و فاعل مفعول م.اليه ج.م م.اليه

ترجمه و باید یاد کنیم مثالی را، [داستان] ابراهیم خلیل را که تلاش کرد قومش را از پرستش بت‌ها نجات دهد.

کالبدشکافی: اگر قبل از «ل» امر غایب (به معنای «باید») حرف «و» یا «ف» بیاید، «ل» ساکن می‌شود «قَل»، و «ل».

مثال: وَ لَتَخْرُجْ. ← و باید خارج شوید. • فَلْيَعْبُدُوا. ← فَلْيَعْبُدُوا. ← پس باید بپرستند.

لغات مشابه: «تَذَكَّرَ: یاد کرد» / «تَذَكَّرَ: به یاد آورد» / «ذَكَرَ: یادآوری کرد» / «ذَكَرَى: خاطره» / «ذَاكِرَةٌ: حافظه»

• «تَذَكَّرَ» فعل مضارع ثلاثی مجزء است. • «حَاوَلَ» فعل ماضی ثلاثی مزید از باب «مفاعلة» است. • «يُتَقَدُّ» فعل مضارع ثلاثی مزید از باب «إفعال» است.

فَفِي أَحَدِ الْأَعْيَادِ لَمَّا خَرَجَ قَوْمَهُ مِنْ مَدِينَتِهِمْ، بَقِيَ إِبْرَاهِيمَ ۖ وَحِيدًا.

ج.م م.اليه قيد فعل فاعل م.اليه ج.م م.اليه فعل فاعل قيد حالت

ترجمه پس در یکی از عیدها وقتی قومش از شهرشان خارج شدند ابراهیم تنها ماند.

کالبدشکافی: بعد از «أحد» و «إحدى» همواره مضاف‌الیه می‌آید، ضمناً «أحد» و «إحدى» جزو اعداد نیستند. • «مدینه» (بدون «ال») نمی‌تواند اسم علم (خاص) باشد؛ ولی اگر «ال» بگیرد (المدینه) می‌تواند معرفه از نوع علم یا «ال» باشد. • «خَرَجَ» و «بَقِيَ» هر دو ماضی و ثلاثی مجزء هستند.

فَحَمَلَ فَاسًا، وَكَسَّرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبَدِ إِلَّا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ، ثُمَّ عَلَّقَ الْفَاسَ عَلَى كَتِفِهِ.

فعل و فاعل مفعول فعل و فاعل مفعول م.اليه ج.م م.اليه مستثنی صفت فعل و فاعل مفعول ج.م م.اليه

ترجمه پس تبری را حمل کرد (برداشت) و تمام بت‌های در معبد را شکست به جز بت بزرگ، سپس (آن) تبر را بر شانه‌اش آویخت.

کالبدشکافی: «كَسَرَ» و «عَلَّقَ» فعل ماضی ثلاثی مزید از باب «تفعیل» هستند. حواستان باشد که مرجع فعل‌های «حَمَلَ»، «كَسَرَ»، «عَلَّقَ» قبل از آن‌ها آمده (إبراهیم)، پس اسم‌های بعد از این فعل‌ها، فاعل نیست و مفعول است. • اگر ترکیب وصفی یا اضافی داشتیم، اسم اول (مضاف یا موصوف) نقش مورد نظر را می‌گیرد نه هر دو اسم با هم؛ مثلاً در جمله «جاء معلّم الصّف» فاعل «معلّم» است نه «معلّم الصّف» و «الصّف» مضاف‌الیه است. • «الْمَعْبَدِ» اسم مکان است. • اگر در جمله، یک اسم دفعه اول نکره بیاید و دفعه دوم «ال» بگیرد، در ترجمه اسم دوم می‌توان از «این» یا «آن» استفاده کرد. به همین خاطر «الْفَاسَ» را با «آن» ترجمه کردیم (فأساً... الفأس). • «کتف: شانه» هم به صورت «كَيْف» تلفظ می‌شود هم به صورت «كَيْف». • «حَمَلَ» فعل ماضی ثلاثی مجزء است.

وَ تَرَكَ الْمَعْبَدَ وَ لَمَّا رَجَعَ النَّاسُ، شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمْ مُكْسَرَةً، وَ ظَنُّوا أَنَّ إِبْرَاهِيمَ ۖ هُوَ الْفَاعِلُ.

فعل و فاعل مفعول قيد زمان فعل فاعل فعل و فاعل مفعول م.اليه حال فعل و فاعل

ترجمه و معبد را ترک کرد و هنگامی که مردم باز گشتند بت‌هایشان را شکسته دیدند و پنداشتند که ابراهیم همان انجام‌دهنده است.

کالبدشکافی: «تَرَكَ»، «رَجَعَ»، «ظَنُّوا» هر سه فعل ماضی ثلاثی مجزء هستند. • «مُكْسَرَةً» اسم مفعول ثلاثی مزید از باب «تفعیل» است و «الفاعل» اسم فاعل از ثلاثی مجزء است. دقت کنید که «مُكْسَرَةً» صفت نیست اگر می‌خواست صفت باشد به شکل «المُكْسَرَةُ» می‌آمد و به صورت «بُت‌های شکسته خود» ترجمه می‌شد؛ زیرا در گروه اسمی یا همان ترکیب وصفی - اضافی اسم آخر «ال» می‌گیرد و در فرمول روبه‌رو می‌آید: اسم بی «ال» + اسم «ال» دار یا ضمیر + اسم «ال» دار

مثال: يَعْمَلُ شِبَابِنَا الْمُؤْمِنُونَ. ← جوانان مؤمن ما کار می‌کنند.

فعل فاعل م.اليه صفت

• يَعْمَلُ شِبَابِنَا الْمُؤْمِنِينَ ← جوانان ما با ایمان کار می‌کنند.

فعل فاعل م.اليه حال

جمع‌بندی: شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمْ مُكْسَرَةً. ← بت‌های خود را شکسته دیدند.

• شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمُ الْمُكْسَرَةَ. ← بت‌های شکسته خود را دیدند.

۱. منظور از حال، همان قید حالت است که در درس دو با آن آشنا خواهید شد.

حل و بررسی تمارین

تمارین متن درس

عَمَّسِنَ الصَّحِيحُ وَالْحَقُّ خَسِبَ نَحْنُ الدَّرْسِ.

فعل و فاعل مفعول معطوف قيد م.اليه م.اليه

ترجمه درست و نادرست را براساس متن درس تعیین کن.

کالبر شکافی: «عَمَّسِنَ» فعل امر ثلاثی مزید از باب «تفعیل» است.

۱- كَانَ الْهَدَفُ مِنْ تَقْدِيمِ الْقَرَابِينِ لِلْإِلَهَةِ كَسَبَ رِضَاهَا وَ تَجَنَّبَ شُرُهَا. ✓

ترجمه هدف از تقدیم کردن قربانی‌ها به خدایان کسب رضایت آن‌ها و دوری از بدی‌شان بود.

۲- عَلَّقَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْفَأْسَ عَلَى كَيْفِ أَصْغَرَ الْأَصْنَامِ. ✗

فعل فاعل مفعول ج.م م.اليه م.اليه

ترجمه ابراهیم تبر را بر شانه کوچک‌ترین بت‌ها آویزان کرد. غلط است؛ زیرا در درس گفته که تبر را بر شانه بزرگ‌ترین بت‌ها آویزان کرد. (عَلَى كَيْفِ أَكْبَرَ الْأَصْنَامِ).

۳- لَمْ يَكُنْ لِنُغْضِ الشُّعُوبِ دِينَ أَوْ طَرِيقَةً لِلْعِبَادَةِ. ✗

ترجمه بعضی از ملت‌ها دینی یا روشی برای پرستش نداشتند. غلط است؛ زیرا در متن درس گفته هیچ ملتی نیست که دین یا روشی برای پرستش نداشته باشد. (لَا شَعْبَ مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا وَ كَانَ لَهُ دِينٌ وَ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ).

۴- الْأَنْزَارُ الْقَدِيمَةُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ. ✓

مبتدا صفت فعل مفعول م.اليه ج.م و فاعل

ترجمه آثار قدیمی توجه انسان به دین را تأکید می‌کند.

کالبر شکافی: حواستان باشد که «تُؤَكِّدُ» خبر از نوع جمله فعلیه برای «آثار» است. ضمناً فعل مضارع ثلاثی مزید از باب «تفعیل» است.

۵- إِنَّ التَّنْدِينَ فِطْرِي فِي الْإِنْسَانِ. ✓

ترجمه به درستی که دین‌داری در انسان ذاتی است.

۶- لَا يَنْزُرُكَ اللَّهُ الْإِنْسَانَ سُودِي. ✓

فعل فاعل مفعول قيد حالت

ترجمه خداوند انسان را بیهوده رها نمی‌کند.

ترجمه و آنالیز جملات «اعلموا»

«... إِنَّ اللَّهَ لَا يُضَيِّعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (التوبة: ۱۲۰)

فعل و فاعل مفعول م.اليه

ترجمه بی‌گمان خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.

کالبر شکافی: «اللَّهُ» قبل از فعل (لَا يُضَيِّعُ) آمده؛ پس فاعل نیست. اصولاً هرگاه مرجع یک فعل (یعنی اسم) قبل

از آن فعل بیاید، فاعل درون فعل و همراه فعل است و ممکن است اصلاً فاعل را نبینیم، پس در این حالت اسم قبل یا بعد از فعل نمی‌تواند فاعل باشد.

مثال: الْكِتَابُ يُقَوِّي الْفِكْرَ. ← کتاب، فکر را قوی می‌کند.

مبتدا فعل و فاعل مفعول

• «يُضَيِّعُ» فعل مضارع ثلاثی مزید از باب «إفعال» است. (أضاع - يُضَيِّعُ) • «الْمُحْسِنِينَ» اسم فاعل ثلاثی مزید از باب «إفعال» است.

«... قَالَ أَعْلِمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (البقرة: ۲۵۹)

فعل فعل ج.م م.اليه

ترجمه گفت: می‌دانم که خدا بر هر چیزی تواناست.

کالبر شکافی: «أَعْلِمُ» فعل مضارع از ثلاثی مجزئ و در صیغه «أنا» است، آن را با اسم تفضیل اشتباه نگیرید. اصولاً در ساختار «أفعل - أن، آن» فعل داریم

نه اسم تفضیل.





از شناختِ نقش‌های بعد از حروف مشبَّهه بالفعل در حیطة امتحان نهایی سؤال نمی‌آید؛ پس اصلاً نیاز نیست که مثلاً اسم و خبر آن‌ها و انواعشان را یاد بگیرید. توصیه ما به شما این است: همان مطالبی را که در چهارچوب امتحان نهایی باید بدانید، دقیق و کامل یاد بگیرید، نه اینکه نکات اضافه‌تر بخوانید.

سؤال: لماذا ما سافرت بالطائرة؟ **پاسخ:** لأن بطاقة الطائرة غالية.

ج.م فعل ج.م حرف مشبَّهه م.اليه

ترجمه: چرا با هواپیما سفر نکردی؟ زیرا بلیط هواپیما گران است.

کالبر شکاف: «الطائرة» و «غالية» هر دو اسم فاعل از ثلاثی مجزّد هستند. دقت کنید که «بطاقة» هم می‌تواند یک اسم باشد (بلیط، کارت) و هم می‌تواند جار و مجرور باشد (+بطاقة: با توانایی) که در اینجا اسم است نه جار و مجرور؛ ضمناً همان‌طور که مشاهده کردید نقش «بطاقة» و «غالية» را بررسی نکردیم؛ چون در امتحان نهایی نمی‌آید. اصولاً در پاسخ به «لماذا؛ چرا» از «لأن؛ زیرا» یا «ل؛ برای...» استفاده می‌کنیم.

كسأن إرضاء جميع الناس غاية لا تُدرَك.

حرف مشبَّهه م.اليه م.اليه فعل مجهول

ترجمه: گویی خوشنود ساختن همه مردم، هدفی است که به دست آورده نمی‌شود.

کالبر شکاف: «إرضاء» یک اسم مفرد و مصدر باب «إفعال» است. «تُدرَكُ» فعل مضارع مجهول ثلاثی مزید در صیغه مفرد مؤنث غایب از باب «إفعال» و جمله وصفیه (جمله بعد نکره) برای اسم نکره «غاية» است؛ ضمناً به ترجمه آن (به دست آورده نمی‌شود) دقت کنید: «أدرَكَ: به چیزی رسید، چیزی را به دست آورد»

﴿... إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَسَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾

حرف مشبَّهه م.اليه ج.م حرف مشبَّهه م.اليه فعل و فاعل

ترجمه: بی‌گمان خدا دارای بخشش بر مردم است، ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند.

کالبر شکاف: گاهی حرف «ل» بعد از «إِنَّ» و «أَلُو» می‌آید که کار این حرف، تأکید بیشتر بر جمله است؛ یعنی یک بار «إِنَّ» روی کل جمله تأکید می‌کند و یک بار «ل» روی رکن بعد از خود تأکید دارد؛ بنابراین آن را با حرف «ل» جز اشتباه نگیرید؛ پس حواستان باشد که در ترجمه ساختار «إِنَّ... ل» می‌توان از دو قید تأکید استفاده کرد.

مثال: إِنَّ الدُّنْيَا لَتَفْنِي. ← به درستی که دنیا حقیقتاً نابود می‌شود.

• بعد از «ذو، ذا، ذی، ذات» همیشه مضاف الیه می‌آید. • «أَكْثَرُ» اسم تفضیل مذکر بر وزن «أفعل» است. • «لَا يَشْكُرُونَ» فعل ثلاثی مجزّد و معلوم است.

﴿وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ ثَرِيًّا﴾ (التَّوْبَةُ: ٣٠)

فعل فاعل

ترجمه: و کافر می‌گوید: ای کاش خاک بودم.

کالبر شکاف: «الکافر» اسم فاعل از ثلاثی مجزّد است، آن را اشتباهاً «کافر» نخوانید. • حرف «ن» در «لَيْتَ» نون وقایه است، دقت کنید که نون وقایه می‌تواند با حروف مشبَّهه بالفعل نیز بیاید. • بعد از فعل‌های ناقصه فاعل و مفعول نمی‌آید و بررسی نقش‌های آن در حیطة امتحان نهایی نیست. همان‌طور که قبل‌تر نیز گفتیم اصولاً یادتان باشد که دنبال زیاد یاد گرفتن نباشید بلکه دنبال دقیق یاد گرفتن باشید.

﴿إِنَّا جَعَلْنَا هُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (الزُّحُرُف: ٣)

حرف فعل و فاعل مفعول ۱ مفعول ۲ صفت حرف مشبَّهه فعل مشبَّهه

ترجمه: بی‌گمان ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم امید است شما خردورزی کنید.

ترجمه این آیه کمی متفاوت است و به شکل تحت‌اللفظی نیامده، اما چون ترجمه کتاب درسی است چاره‌ای نیست، آن را حفظ کنید.

کالبر شکاف: «إِنَّا» مخفّف «إِنَّا» است که در اصل «إِنْ + نَا» بوده است. • «جَعَلْ» از فعل‌های دومفعولی است و دو مفعول پذیرفته، لیست فعل‌های دومفعولی را در درس ۵ پایه دهم در بخش ویژه آورده‌ایم. • «تَعْقِلُونَ» فعل مضارع ثلاثی مجزّد و معلوم است. • «قُرْآن» خواندن، مصدر و نکره است.

اختبر نفسك (۱)

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۱): تَرَجِمُ هَاتَيْنِ الْإِيتِيَنِ الْكَرِيمَتَيْنِ.

فعل و فاعل مفعول م.اليه فعل و فاعل مفعول وابسته صفت

ترجمه: خودت را بیازمای (۱): این دو آیه کریمه را ترجمه کن.

کالبر شکاف: «إِخْتَبِرْ» (از باب «إفتعال») و «تَرَجِمُ» هر دو، فعل امر هستند. • اسم «ال» دار بعد از اسم اشاره مضاف الیه نیست، بلکه وابسته است.

دقت کنید که بعد از اسم‌های اشاره، ضمائر، اسم‌های «ال» دار، اسم‌های تنوین دار، اسم‌های علم (خاص) و فعل‌ها هرگز مضاف الیه نمی‌آید.



۱- ﴿فَهَذَا يَوْمُ النَّبِثِ وَلِكُلِّكُمْ كُنُوسٌ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (الزوم: ۵۶)

مبتدا خبر مالمیه حرف مشبّهه فعل ناقصه فعل و فاعل

ترجمه این روز رستاخیز است؛ ولی شما نمی دانستید.

کالبر شکاف: دقت کنید که ترجمه «هذا اليوم بعثت؛ این روز، رستاخیز است.» را با آیه فوق اشتباه نگیرید. «کان» + مضارع، ماضی استمراری می سازد.

۲- ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوعٌ﴾ (الصف: ۴)

حرف مشبّهه مفعول فعل و فاعل ج.م مالمیه قید حرف مشبّهه صفت

ترجمه همانا خداوند کسانی را که در راهش صف در صف (پشت به پشت) می جنگند، دوست دارد؛ آن ها مثل (گویی آن ها) ساختمانی استوار هستند.

کالبر شکاف: «إِنَّ» و «كأن» حرف مشبّهه هستند. «الله» قبل از فعل آمده و فاعل نیست. «يُحِبُّ» فعل مضارع معلوم و ثلاثی مزید از باب «إفعال» است.

• در اصل «يُحِبُّ» بوده. «يُقَاتِلُونَ» فعل مضارع معلوم و ثلاثی مزید از باب «مُفاعلة» است.

لغات مشابه: «قَتَلَ: کُت» / «قَاتَلَ: جنگید»

• «بُنْيَان» یک اسم مفرد و مصدر است نه مثنی. «مَرْصُوع» اسم مفعول از ثلاثی مجرّد است.

ترجمه و آنالیز جملات «إِعْلَمُوا»

﴿... لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا...﴾ (البقرة: ۳۲)

لای نفی جنس ج.م مستثنی فعل و فاعل مفعول

ترجمه جز آنچه به ما آموخته ای، هیچ دانشی نداریم. (برای ما نیست).

کالبر شکاف: در ترجمه ساختار «لَا» ی نفی جنس... + «ل» + اسم یا ضمیر، از «نداشتن» استفاده می کنیم.

مثال: لَا تَجْرِبَةَ لَكُمْ. ← هیچ تجربه ای ندارید.

• هرگاه دو ضمیر به فعل بچسبند، حتماً اولی فاعل است و دومی مفعول، به همین خاطر «تَا» فاعل شد و «نا» مفعول.

مثال: أَخْرَجْنَاكُمْ. ← ما شما را خارج کردیم.

فاعل مفعول

• فعلاً بدانید که اسم بعد از «إِلَّا» نقش «مستثنی» دارد تا در درس سوم مفضلاً با آن آشنا شویم. «عَلَّمْتَ» فعل ماضی ثلاثی مزید از باب «تفعیل» است.

﴿لَا كُنْزَ أَعْنَى مِنَ الْقَنَاعَةِ﴾ (أمير المؤمنين علي عليه السلام)

لای نفی جنس ج.م

ترجمه هیچ گنجی بی نیاز کننده تر از قناعت نیست.

کالبر شکاف: اولاً «أَعْنَى» اسم تفضیل است؛ ثانیاً به ترجمه آن دقت کنید که گفته «بی نیازتر»، بلکه گفته «بی نیازکننده تر».

اختبر نفسك (۲)

﴿تَرْجِمْ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ﴾

ترجمه حدیث های زیر را براساس قواعد درس ترجمه کن.

۱- لَا خَيْرَ فِي قَوْلِ الْإِمَامِ الْفِعْلِ. (رسول الله ﷺ)

ترجمه هیچ خیری در سخنی نیست مگر به همراه عمل.

کالبر شکاف: «مَعَ الْفِعْلِ» جار و مجرور نیست بلکه مضاف و مضاف الیه است. «خَيْر» هم می تواند مصدر باشد

و هم اسم تفضیل که در اینجا چون مضاف نشده و با حرف جز «مِنْ» نیامده، اسم تفضیل نیست. اصولاً اگر «خَيْر»، «ال»

بگیرد و یا بعد از «لَا» ی نفی جنس بیاید و یا همراه خود «صفت» بیآورد، مصدر است نه اسم تفضیل.

۲- لَا جِهَادَ كَجِهَادِ النَّفْسِ. (أمير المؤمنين علي عليه السلام)

ج.م مالمیه

ترجمه هیچ جنگی مثل جنگ با خود نیست. / هیچ پیکاری مثل پیکار با نفس نیست.

۳- لَا لِبَاسٍ أَجْمَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ. (أمير المؤمنين علي عليه السلام)

ج.م

ترجمه هیچ لباسی زیباتر از تندرستی (سلامتی) نیست.

کالبر شکاف: «أَجْمَلُ» اسم تفضیل بر وزن «أفعل» و «العافية» مصدر است.

۴- لَا فَتْرَ كَالْجَهْلِ وَلَا مِيرَاثَ كَالْأَذْبِ. (أمير المؤمنين علي عليه السلام)

ج.م

ج.م

ترجمه هیچ فقری مثل نادانی و هیچ میراثی (ارثی) مثل ادب نیست.

کالبر شکاف: «میراث» مفرد است نه جمع، جمع آن «مَوَارِيث» است.



۵- لا سوءَ أسوأَ مِنَ الْكَذِبِ. (أمیر المؤمنین علیؑ)

ج ۴

ترجمه هیچ بدی ای، بدتر از دروغ نیست.

کالبد شکاف: «أسوأ» اسم تفضیل بر وزن «أفعل» است.

دقت کنید «لا» در هر پنج عبارت از نوع نفی جنس است.

اختبر نفسك (۳)

إملاً الفراغ في ما يلي، ثم عيّن نوع «لا» فيه.

ترجمه جای خالی را در آنچه می آید، پر کن؛ سپس نوع «لا» را در آن معلوم کن. مادر اینجا کلمات مورد نظر برای جای خالی را رنگی آورده ایم.

کالبد شکاف: «یلى» فعل مضارع است. گوی اینکه سه حرف دارد را نخورید و آن را ماضی تصور نکنید.

۱- ﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ...﴾ (الأَنَام، ۱۰۸)

فعل و فاعل مفعول فعل و فاعل ج م مالمیه فعل و فاعل مفعول

ترجمه و کسانی را که به غیر خدا فرا می خوانند دشنام ندهید؛ زیرا که به خدا دشنام دهند....

کالبد شکاف: نوع «لا» در «لَا تَسُبُّوا» نهی است، چون نون را از آخر فعل حذف کرده.

• «لَا تَسُبُّوا» فعل ثلاثی مجرد است. • به عنوان یک تذکر، حواستان باشد که «یَسُبُّوا» دشنام دهند» به شکل مضارع التزامی ترجمه شده و حرف نون از آخر آن افتاده، علت این قضیه خارج از کتاب درسی و امتحان نهایی است، پس آن را صرفاً حفظ کنید و به خاطر بسپارید.

لغات مشابه: «سَبَّ» دشنام داد / «سَبَّبَ» باعث شد»

۲- ﴿وَلَا يَخْرُجُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً...﴾ (یونس، ۶۵)

فعل مفعول فاعل مالمیه ج م فیدحالت

ترجمه گفتارشان تو را نباید ناراحت کند (تو را ناراحت نکنند)؛ زیرا ارجمندی، همه از آن (برای) خداست.

کالبد شکاف: «لا» انتهای فعل (يَخْرُجُ) را ساکن کرده؛ پس نهی است. • اگر مفعول ضمیر متصل باشد و فاعل از نوع اسم، مفعول بر فاعل مقدم می شود.

مثال: أَنْقَذَ هَا الشَّرْطِيُّ. ← پلیس او را نجات داد.

فعل مفعول فاعل

• «إِنَّ» در این آیه معنای «زیرا» می دهد که یک نکته بسیار مهم و حساس است؛ اصولاً وقتی «إِنَّ» بعد از فعل امر یا نهی قرار بگیرد، می تواند معنای «زیرا» دهد که این نکته را در درسنامه کاملاً بررسی کرده ایم.

۳- ﴿... هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَتْلُمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَتْلُمُونَ...﴾ (الزُّمَر، ۹)

حرف فعل فاعل صله معطوف صله

ترجمه آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند برابرند؟

کالبد شکاف: «هل» حرف پرسشی است و حروف، نقش (محل اعرابی) ندارند.

• «يَسْتَوِي» از باب «إِفْتَعَال» است نه «إِسْتِفْعَال»؛ اصولاً وقتی حرف دوم فعل «س» و حرف سوم آن «ت» است، شک می کنیم که کلمه مورد نظر از باب «إِفْتَعَال» است یا «إِسْتِفْعَال» که بهترین راه برای تشخیص باب (مصدر)، شمارش تعداد حروف فعل است؛ به این صورت که اگر فعلمان «پنج» حرف داشت، از باب «إِفْتَعَال» است و اگر «شش» حرف داشت، از باب «إِسْتِفْعَال».

مثال: إِشْتَدَّ ← «پنج» حرف دارد و از باب «إِفْتَعَال» است. • إِسْتَكْمَلَ ← «شش» حرف دارد و از باب «إِسْتِفْعَال» است.

• جمله صله جمله ای است که پس از «الَّذِي» الَّتِي» و «مَنْ» و «مَا» ی وسط جمله می آید. این جمله نقشی ندارد و صرفاً تکمیل کننده معنا است. اسم این جمله در کتاب نیامده و در امتحان نیز شناسایی آن را از شما نمی خواهند، فقط بدانید که چنین جمله ای را به عنوان خبر یا جمله وصفیه در نظر بگیرید.

۴- ﴿... رَبَّنَا وَلَا تُخَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ﴾ (البَقَرَة، ۲۸۶)

منادا مالمیه فعل و فاعل مفعول ۱ مفعول ۲ ج م ج م

ترجمه [ای] پروردگارا، آنچه را که هیچ توانی نسبت به آن نداریم بر ما تحمیل مکن.

کالبد شکاف: «لا» در «لَا تُخَمِّلْنَا» نهی است و در «لَا طَاقَةَ» نفی جنس. • «رَبَّنَا» براساس اطلاعات کتاب درسی به دو صورت ترجمه می شود: «پروردگارا، ای

پروردگارا ما» • «خَمَّلَ - يُخَمِّلُ» از افعال دومفعولی است که در این آیه دو مفعول گرفته. • «تُخَمِّلُ» فعل مضارع ثلاثی مزید از باب «تَفْعِيل» و مصدر آن «تحمیل» است نه «تحمّل». • دقت کنید که ساختار «لا... لنا» به شکل «نداریم» ترجمه شده.

۵- لا یزحُمُ اللّهُ مَنْ لا یزحُمُ النَّاسَ. (رسول الله ﷺ)
 فعل فاعل مفعول فعل و فاعل مفعول

ترجمه خدا رحم نمی‌کند به کسی که به مردم رحم نمی‌کند (رحم نکند).

کالبدشکافی: هر دو «لا» از نوع نفی هستند؛ زیرا خبر منفی می‌دهند و آخر مضارع را تغییر نداده‌اند. «یَزَحُمُ» فعل مضارع ثلاثی مجرد است.

التَّمْدِینُ الْأَوَّلُ

۱۱- أی کَلِمَةٍ مِنْ کَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِیْحَاتِ التَّالِیَةِ؟
 مبتدا مالمیه ج. م مالمیه مالمیه فعل مفعول صفت

ترجمه کدام کلمه از کلمات لغت نامه درس، مناسب توضیحات زیر است؟

ممکن است برایتان سؤال شود که چراگاهی صورت سؤالات را هم بررسی و آنالیز کرده‌ایم؟ پاسخ مشخص و واضح است. اولاً صورت سؤالات هم جزء کتاب درسی هستند؛ ثانیاً بعضاً دیده شده که از صورت سؤالات نیز سؤال طرح شده (مخصوصاً سؤالات قواعدی)، ثالثاً نکات خوبی در تیتتر سؤالات وجود دارد که حیفاً است بررسی نشود. رابعاً هدف از این کار مرور نکات قواعدی برای شما است. خامساً ارزش این کار زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم سایر کتاب‌ها و جزوات اصلاً به بررسی آن‌ها نپرداخته‌اند؛ ولی شما می‌توانید تحلیل این قسمت را نیز داشته باشید.

کالبدشکافی: «مُعْجَم» اسم مفعول ثلاثی مزید از باب «إفعال» است. (م + ع + ج) • «تُنَاسِبُ» خبر از نوع جمله فعلیه برای «أی» است. ضمناً فعل مضارع معلوم ثلاثی مزید از باب «مُفَاعَلَةٌ» و مصدرش «مُنَاسَبَةٌ» است نه «تُنَاسَبُ». • «التَّالِیَةِ» اسم فاعل است. یادتان باشد که کلمات بر وزن «الفاعی» و «الفاعیة» اسم فاعل هستند.

۱- أَلَهُ ذَاتٌ یَسِدُّ مِنَ الخَشَبِ وَ یَسِنُّ غَرِیضَةً مِنَ الخَدِیدِ یُقَطِّعُ بِهَا.
 صفت مالمیه ج. م معطوف صفت ج. م فعل مجهول ج. م

ترجمه وسیله‌ای دارای دسته‌ای از چوب و تیغه‌ای (دندان‌های) پهن از آهن که به وسیله آن (چیزی) قطع می‌شود. **پاسخ** «الفأس: تبر»

کالبدشکافی: یادگیری نقش اسم اول در این چهار عبارت برای شما لازم نیست، روی آن حساس نشوید؛ اما اگر برای خودتان سؤال است، این کلمات نقش خبر دارند و اسم در جای خالی مبتدا است. در واقع جمله در اصل چنین بوده: «الفأسُ ألهٌ...»
 مبتدا خبر

• ممکن است بپرسید «غریضة» که مؤنث است و «أله» دارد، چطور صفت برای «سن» شده؟ بدانید که «سن» مؤنث معنوی است، مثل «نفس، شمس، أرض، نار، دار، روح، ریح، بئر» و... که مؤنث معنوی بودند. • «یُقَطِّعُ» فعل مضارع مجهول از ثلاثی مجرد (قَطَعَ - یَقْطَعُ) و جمله وصفیه برای اسم نکره قبلش، یعنی «أله» است.

۲- تَمَثَّلَ مِنْ خَجَرٍ أَوْ خَشَبٍ أَوْ خَدِیدٍ یُغْبَسِدُ مِنْ دُونَ اللّهِ.
 ج. م معطوف معطوف فعل مجهول ج. م مالمیه

ترجمه مجسمه‌ای از سنگ یا چوب یا آهن که به جای خداوند پرستیده می‌شود. **پاسخ** «الضَّم: بُت»

کالبدشکافی: «خَجَرٍ، خَشَبٍ، خَدِیدٍ» هر سه نکره هستند؛ ولی چون بیانگر یک چیز کلی و در واقع یک جنس هستند، معرفه ترجمه شدند، روی آن حساس نشوید. • «أو» معنای «یا» دارد، نقش اسم بعد از آن معطوف است؛ البته در امتحان نهایی آن را از شما نمی‌خواهند، فقط بدانید که «أو» معنای «و» نمی‌دهد و حرف جر نیست، چون خیلی‌ها چنین اشتباهی را مرتکب می‌شوند. • «یُغْبَسِدُ» فعل مضارع مجهول از ثلاثی مجرد (عَبَدَ - یُعْبَدُ) و جمله وصفیه (جمله بعد نکره) برای اسم نکره قبلش، یعنی «تَمَثَّل» است.

۳- عُضْوٌ مِنْ أَعْضَاءِ الجِسْمِ یَقَعُ أَعْلَى الجِدْعِ.
 ج. م مالمیه فعل قید مالمیه

ترجمه عضوی از اعضای بدن که بالای تنه واقع می‌شود (قرار دارد). **پاسخ** «الکَتِف، الکتف: شانه»

کالبدشکافی: «یَقَعُ» فعل مضارع ثلاثی مجرد است؛ ولی سه حرف دارد، خیلی‌ها آن را با فعل ماضی اشتباه می‌گیرند و آن را به شکل «واقع شده است» ترجمه می‌کنند که غلط است. ماضی «یَقَعُ» می‌شود «وَقَعَ»، ضمناً «یَقَعُ» جمله وصفیه برای اسم نکره قبلش، یعنی «عضو» است. • «أَعْلَى» اسم تفضیل بر وزن «أفعل» است؛ ولی در اینجا با «تر» یا «ترین» ترجمه نشده، این نکته فوق العاده مهم است.

۱- مؤنث معنوی اسم‌هایی هستند که علامت تأنیت ندارند، ولی «مؤنث» به شمار می‌آیند.



۴- التَّارِكُ لِلْبَاطِلِ وَ الْمُتَمَائِلُ إِلَى الدِّينِ الْحَقِّ.

ج.م معطوف ج.م صفت

ترجمه ترک‌کننده باطل و متمایل (گرونده) به دین حق. **پاسخ** «الحنیف: یکتاپرست»

کالبد شکاف: «التَّارِكُ» و «الْبَاطِلُ» اسم فاعل از ثلاثی مجرد و «الْمُتَمَائِلُ» اسم فاعل ثلاثی مزید (از باب «تَفَاعُلُ») هستند.

۵- إِنَّهُمْ بَدَّوْا يَتَكَلَّمُونَ بِكَلَامٍ خَفِيٍّ.

فعل و فاعل ج.م صفت

ترجمه به درستی که آن‌ها شروع کردند با سختی پنهان حرف بزنند. **پاسخ** «بَدَّوْا يَتَهَامَسُونَ»: شروع به پیچ‌پیچ کردند.

کالبد شکاف: «يَتَكَلَّمُونَ» فعل مضارع ثلاثی مزید از باب «تَفَعُّلُ» است.

التَّمْدِينُ الثَّانِي

تَرْجِمِ العِبَارَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الحَرْفَ المُشَبَّهَةَ بِالفِعْلِ، وَ لا النَّافِيَةَ لِلجنسِ.

فعل و فاعل مفعول صفت حرف فعل و فاعل مفعول صفت ج.م معطوف صفت ج.م

ترجمه عبارات زیر را ترجمه کن؛ سپس حرف مُشَبَّهة بالفعل و «لا»ی نفی جنس را معین کن.

کالبد شکاف: «تَرْجِمِ» و «عَيِّنِ» فعل امر هستند، «المُشَبَّهَةُ» اسم مفعول (مُشَبَّهٌ) از باب «تَفْعِيلُ» و «النَّافِيَةُ» اسم فاعل از ثلاثی مجرد است.

۱- «قِيلَ ادْخُلِ الجَنَّةَ قَالاً يَا لَيْسَتَ قَوْمِي يَغْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ» (یس: ۲۶ و ۲۷)

فعل مجهول فعل و فاعل مفعول فعل حرف مشبَّهه م.آلیه فعل و فاعل ج.م فعل ج.م فاعل م.آلیه فعل مفعول ج.م

ترجمه گفته شد: وارد بهشت شو! گفت: ای کاش قوم من بدانند که پروردگار مرا آمرزیده و از گرامیان قرار داده است.

کالبد شکاف: «قِيلَ» فعل مجهول «قال» است. «ادْخُلِ» فعل امر از ثلاثی مجرد است.

• «جَعَلَنِي»: جَعَلَ + ن + ی است، پس نون وقایه داریم. • «الْمُكْرَمِينَ» اسم مفعول ثلاثی مزید از باب «إفْعَالُ» است. (مُكْرَمٌ)

• تمام فعل‌های این دو آیه، ثلاثی مجرد هستند.

۲- «... لَا تَحْزَنُ إِنْ اللهَ مَعَنَا...» (التَّوْبَةُ: ۴۰)

فعل و فاعل حرف قید م.آلیه مشبَّهه

ترجمه ناراحت مشو، زیرا خدا با ما است.

کالبد شکاف: «لَا» از نوع نهی است. • «تَحْزَنُ» فعل ثلاثی مجرد است. • چون «إِنْ» بعد از فعل نهی آمده، بهتر است

به شکل «زیرا» معنا شود؛ اما به درستی که «نیز درست است». • «مَعَ» اسمی است که همراه خود «مضاف‌الیه» دارد.

🔔 ممکن است بپرسید چرا در «اختبر نفسک ۳» عبارت شماره ۲ «يَحْزَنُ» به معنای «ناراحت می‌کند» بود؛ ولی اینجا «تَحْزَنُ» به معنای «ناراحت می‌شود»

است؟ بالاخره این فعل یعنی «ناراحت شدن» یا «ناراحت کردن»؟ در جواب بدانید که با دو فعل کاملاً متفاوت روبه‌رو هستیم:

۱ «حَزِنَ، يَحْزَنُ»: ناراحت شد» ۲ «حَزَنَ، يَحْزَنُ»: ناراحت کرد» که هر دوی این فعل‌ها ثلاثی مجرد هستند؛ ولی اولی بدون مفعول می‌آید و ناگذر (لازم) است و

دومی مفعول‌پذیر و گذرا (متعدی) است.

۳- «... لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ...» (الضَّافَات: ۲۵)

ترجمه هیچ معبودی جز الله (خدای یگانه) نیست.

کالبد شکاف: «لَا» از نوع نفی جنس است. • «إِلَهٌ» نکره است و «اللهُ» معرفه از نوع علم.

۴- لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ. (رسول الله ﷺ)

ج.م ج.م

ترجمه هیچ دینی ندارد کسی که هیچ [وفایی به] پیمانی ندارد.

کالبد شکاف: هر دو «لَا»ی نفی جنس هستند. • دقت کنید که «لَا... لَ...» به شکل «ندارد» ترجمه شده است.



۵- إِنْ مِنَ السُّنَّةِ أَنْ يُخْرَجَ الرَّجُلُ مَعَ ضَيْفِهِ إِلَى بَابِ الدَّارِ. (رسول الله ﷺ)

حرف جم فعل فاعل قيد مالمیه جم مالمیه
مشبّه

ترجمه همانا از سنت است که مرد (شخص) تا در خانه با مهمان خود خارج شود (بیرون برود).

■ **لغات مشابه:** «السُّنَّةُ: سُنَّت» / «السُّنَّةُ: سال» / «السُّنَّةُ: زبان ها» جمع کلمه «لسان» است. / «السُّنَنُ: دندان» جمع آن «أسنان» است.

■ **کالبد شکافی:** بعد از حروف مشبّهه یا اسم می آید یا ضمیر یا جار و مجرور (مثل جمله بالا)، ولی هرگز این حروف مستقیماً با فعل نمی آیند.

• «الدَّار» مؤنث معنوی است. • «يُخْرَجُ» فعل مضارع منصوب و ثلاثی مجزّد است.

التّمدين الثالث

۱۱۱ (أ) إقْرَأِ الشُّعْرَ الْمُنْسُوبَ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ، ثُمَّ عَيِّنْ تَرْجَمَةَ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطًّا.

ترجمه شعر منسوب (نسبت داده شده) به امام علی را بخوان، سپس ترجمه کلمه هایی را که زیرشان خط

است، معین کن. (ما در اینجا لغات مربوط را رنگی آوردیم.)

۱۱۲ أَيْهَمَا الْفَاجِرُ جَهْلًا بِالنُّسَبِ إِنَّمَا النَّسَبُ لَأُمِّ وَ لِأَبِ
منادا قيد جم مبتدا جم جم

ترجمه ای که نابخردانه (از روی جهل) افتخارکننده به **دودمان** (اصل و نسب) هستی، مردم، تنها از یک

مادر و یک پدرند.

■ **کالبد شکافی:** «الفاجر» اسم فاعل از ثلاثی مجزّد است. • «إنما» به معنای «فقط، تنها» بوده و از حروف مشبّهه نیست، یعنی هم با اسم می آید و هم با فعل، پس آن را با «إن» قطعاً اشتباه نگیرید. ضمناً ترجمه «إنما» قبل از رکن دورتر قرار می گیرد. مثلاً در بیت بالا نگفتیم: «تنها مردم، از یک مادر و یک پدرند» بلکه گفتیم: «مردم، تنها از یک مادر و پدرند»، پس ترجمه «إنما» برای قسمت نزدیک به آن نیست و برای بخش دورتر است. • حواستان باشد که «لِ» در «لِأُمِّ و لِأَبِ» و «لُب» معنای «از» می دهد. • «لِأُمِّ» خبر برای «الناس» است.

۱۱۳ هَلْ تَسْرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ فِضَّةٍ أَمْ خَسَدِيدٍ أَمْ نُحْسَاسٍ أَمْ ذَهَبٍ
فعل مفعول فعل مجهول جم معطوف معطوف معطوف معطوف

ترجمه آیا آنان را می بینی (می پنداری) که از نقره، آهن، مس یا طلا آفریده شده اند؟

■ **کالبد شکافی:** «تری: می بینی» فعل مضارع ثلاثی مجزّد از «رأی: دید» در صیغه مفرد مؤنث مخاطب است. • «خُلِقُوا» فعل ثلاثی مجزّد و مجهول است.

• «أَمْ» مثل «أو» معنای «یا» دارد و از حروف جازه نیست. برای اطلاع خودتان بدانید که «أَمْ» و «أو» مثل «و» حرف عطف هستند.

• «حَدِيدٍ، نُحْسَاسٍ، ذَهَبٍ» هر سه نکره هستند، ولی چون کلی و بیانگر یک جنس هستند، معرفه ترجمه شدند.

۱۱۴ بَلْ تَسْرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ هَلْ سَوَى نُحْسَمٍ وَ عَفْسَمٍ وَ عَضَسَمٍ؟
فعل مفعول فعل مجهول جم مالمیه معطوف معطوف معطوف

ترجمه بلکه آنان را می بینی که از **تکه گلی** آفریده شده اند. آیا به جز گوشت و **استخوان** و بی اند؟

■ **کالبد شکافی:** «سوی: به جز» را با «سواء: یکسان» اشتباه نگیرید.

۱۱۵ إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَفْسَلِ ثَابِتٍ وَ خَيْسَاءٍ وَ عَفْسَافٍ وَ أَدَبٍ
حرف مبتدا جم (خبر) صفت معطوف معطوف معطوف

ترجمه افتخار، تنها به خردی استوار، **شرم**، پاکدامنی و ادب است.

■ **کالبد شکافی:** حواستان هست که «إنما» قبل از «لِعَقْلِ» یعنی رکن دورتر ترجمه شد؟ • «ثَابِتٍ» اسم فاعل از ثلاثی مجزّد است.

• «عَقْلٍ» موصوف «ثَابِتٍ» است.

۱۱۶ (ب) اسْتَخْرِجْ مِنَ الْآيَاتِ اسْمَ الْفَاعِلِ، وَ الْفِعْلَ الْمَجْهُولَ، وَ الْجَارَ وَ الْمَجْرُوزَ، وَ الصِّفَةَ وَ الْمَوْصُوفَ.

ترجمه اسم فاعل، فعل مجهول، جار و مجرور، صفت، و موصوف را از آیات استخراج کن.

پاسخ اسم فاعل: الفاجر، ثابت / فعل مجهول: خُلِقُوا / جار و مجرور: بِالنُّسَبِ، لِأُمِّ، لِأَبِ، مِنْ فِضَّةٍ، مِنْ طِينَةٍ، لِعَقْلٍ / صفت: ثابت / موصوف: عقل



التَّمْدِينُ الدَّابِعُ



ترجمه الأحاديث، ثُمَّ عَيَّنَ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

ترجمه حدیث‌ها را ترجمه کن، سپس خواسته شده از تو را، معین کن.

۱- كُلُّ ظَعَامٍ لَا يُذَكِّرُ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ،... لَا بَرَكَهَ فِيهِ. (رَسُولُ اللَّهِ ﷺ) (الفِعْلُ النَجْهُولُ وَنَوْعُ لَا)
مبتدا م.البیه فعل مجهول م.البیه ج.م

ترجمه هر غذایی که نام خدا بر آن ذکر نمی‌شود (ذکر نشود) هیچ برکتی در آن نیست.

کالبد شکافی: «لا يُذَكِّرُ» جمله وصفیه (جمله بعد نکره) است نه خبر، جمله «لا بركة فيه» خبر برای «كل» است. اگر این مسئله برایتان عجیب است نکته زیر را ببینید:

در ساختار «مبتدای نکره + فعل + فعل یا اسم یا جمله» ← فعل اول جمله وصفیه است و خبر در بخش دوم جمله می‌آید.

مثال: کتاب یتهدیک یتکثر معرفتک. ← کتابی که تو را هدایت می‌کند، شناخت را افزایش می‌دهد.
مبتدا وصفیه خبر

پاسخ «لا» ی اولی نفی است (لا يُذَكِّرُ) و «لا» ی دوم نفی جنس (لا بَرَكَهَ). / «یُذَكِّرُ» فعال مضارع مجهول و ثلاثی مجرد است.

۲- لَا تُغْضِبْ، فَإِنَّ الْغَضَبَ مَفْسَدَةٌ. (رَسُولُ اللَّهِ ﷺ) (نَوْعُ الْفِعْلِ)
فعل حرف مشبَّهه

ترجمه عصبانی مشو، زیرا خشم (عصبانیت) مایه تباهی است.

پاسخ «لا» از نوع نفی است. («لا تغضب» فعل نهی است.)

کالبد شکافی: «فَإِنَّ» چون پس از فعل نهی آمده، به شکل «زیرا» ترجمه می‌شود. • «مَفْسَدَةٌ» مصدر است؛ نه اسم مکان. خیلی از بچه‌ها به خاطر وزنش (مَفْعَلَةٌ) آن را اسم مکان در نظر می‌گیرند، ولی اصلاً معنای مکانی ندارد که اسم مکان باشد.

۳- لَا فَفَّرَ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ وَلَا عِبَادَةٌ مِثْلَ التَّفَكُّرِ. (رَسُولُ اللَّهِ ﷺ) (الْمُضَافُ إِلَيْهِ وَنَوْعُ لَا)
م.البیه ج.م

ترجمه هیچ فقری شدیدتر (سخت‌تر) از نادانی و هیچ عبادتی مثل تفکر (فکر کردن) نیست.

پاسخ هر دو «لا» از نوع نفی جنس است و «التَّفَكُّرِ» مضاف‌البیه است.

کالبد شکافی: «أَشَدُّ» اسم تفضیل است که در اصل «أَشَدَّة» بوده است.

۴- لَا تُطْعِمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ. (رَسُولُ اللَّهِ ﷺ) (نَوْعُ لَا، وَ مُفْرَدٌ «مَسَاكِينَ»)
فعل و فاعل مفعول ج.م فعل و فاعل

ترجمه به ثهی دستان از آنچه که نمی‌خورید، غذا ندهید.

پاسخ «لا» ی اولی نفی است و «لا» ی دومی نفی. مفرد «المَسَاكِينَ» کلمه «المِسْكِين» است.

کالبد شکافی: «لَا تُطْعِمُوا» فعل مضارع (نهی) معلوم ثلاثی مزید و از باب «إفْعَال» است و «تَأْكُلُونَ» فعل مضارع معلوم و ثلاثی مجرد می‌باشد. • «المَسَاكِين» جمع مکسر «المِسْكِين» است نه جمع مذکر سالم. • «مِمَّا» مخفف «مِنْ + مَا» است.

۵- لَا تُسَبِّوْا النَّاسَ فَتَكْتَسِبُوا الْعَدَاوَةَ بَيْنَهُمْ. (رَسُولُ اللَّهِ ﷺ) (فِعْلُ النَّهْيِ، وَ مُضَافٌ عِدَاوَةَ)
فعل و فاعل مفعول فعل و فاعل مفعول قید م.البیه

ترجمه به مردم دشنام ندهید، زیرا بین آن‌ها دشمنی به دست می‌آورید.

پاسخ «لا تُسَبِّوْا» فعل نهی است، چون «لا» حرف نون را از آخر فعل حذف کرده؛ ضمناً این فعل از مصدر ثلاثی مجرد است (سَبَّ) نه ثلاثی مزید. متضاد «العَدَاوَةُ» دشمنی می‌شود «الصَّدَاقَةُ» دوستی.

کالبد شکافی: دقت کردید که «ف» رابه شکل «زیرا» ترجمه کردیم؟ چون بعد از فعل نهی آمده. • «تَكْتَسِبُوا» فعل مضارع ثلاثی مزید از باب «إفْتَعَال» است. • کلماتی مثل «بین، عند، کل» بعضی مع اسم هستند نه حرف جر.

۶- حُدُّوا الْحَقَّ مِنَ الْبَاطِلِ وَلَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنَ الْبَاطِلِ كَوْنُوا نَقَادَ الْكَلَامِ. (عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ ؑ) (الْمَخْلُوعُ الْإِعْرَابِيُّ لِمَا تَحْتَهُ حَقُّ)
فعل و مفعول ج.م م.البیه فعل و فاعل مفعول مجروریه م.البیه حرف جر

ترجمه [حرف] حق را از اهل باطل بگیرد (بپذیرد) و [حرف] باطل را از اهل حق نگیرد (نپذیرد)، نقدکننده کلام (سخن‌سنج) باشید.

کالبد شکافی: «حُدُّوا» فعل امر از ثلاثی مجرد و «لَا تَأْخُذُوا» فعل نهی است. • دقت کنید که معنای «کونوا» باشید و «کانوا» بودند» هست.

• «نَقَاد» جمع «نَاقِد» و اسم فاعل است، ولی «نَقَاد» بر وزن «فَعَال» و اسم مبالغه است. • اصولاً وزن «فَعَال» جمع «فَاعِل» و اسم فاعل است، ولی وزن «فَعَال» مفرد و اسم مبالغه است.

مثال: «سَيَّاح» ← جمع «سَائِح»، اسم فاعل / «سَيَّاح» ← اسم مبالغه • «عَلَام» ← جمع «عَالِم»، اسم فاعل / «عَلَام» ← اسم مبالغه

التَّمْرِينُ الخَامِسُ

ترجمه انواع الفعل في الجمل الثانية.

ترجمه انواع فعل را در جمله های زیر ترجمه کن.

| | |
|---|---|
| ۱- رَجَاءٌ، أَكْتُبَنَّ حَلَّ الْأَسْئَلَةِ مَعَ زَمِيلَاتِيكَ. | لطفاً حل پرسش ها را با هم کلاسی هایتان بنویسید. |
| ۲- إِنْ تَكْتُبْ بِعَجَلَةٍ، فَسَيُضِيحُ خَطُّكَ قَبِيحاً. | اگر با عجله بنویسی، خطت زشت خواهد شد. |
| فعل شرط است و به شکل مضارع التزامی ترجمه می شود. | |
| ۳- أُرِيدُ أَنْ أَكْتُبَ ذِكْرِي فِي دَفْتَرِ الذُّكْرِيَّاتِ. | می خواهم [که] خاطره ای در دفتر خاطرات بنویسم. |
| «ان» با مضارع، مضارع التزامی می سازد. | |
| ۴- لَنْ يَكْتُبَ الْعَاقِلُ عَلَى الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ. | [انسان] خردمند، روی آثار تاریخی [هرگز] نخواهد نوشت. |
| «لن» آینده منفی می سازد و می توان در ترجمه آن از «هرگز» استفاده کرد. | |
| ۵- إِنَّهُ سَوْفَ يَكْتُبُ أَفْكَارَهُ عَلَى الْوَرَقَةِ. | قطعاً او اندیشه هایش را روی کاغذ خواهد نوشت. |
| «سوف» با مضارع، آینده مثبت می سازد. | |
| ۶- عِنْدَمَا شَاهَدْتُهُ كَانَ يَكْتُبُ تَمْرِيْنَهُ. | هنگامی که او را دیدم، تمرینش را می نوشت. |
| «کان» با مضارع، ماضی استمراری می سازد. | |
| ۷- قَدْ يَكْتُبُ الْكَسُولُ تَمَارِيْنَ الدَّرْسِ. | تنبل، تمرین های درس را گاهی می نویسد/ شاید بنویسد. |
| «قد» با مضارع معنای «گاهی، شاید، ممکن است» می دهد و فعل مضارع به شکل اخباری یا التزامی ترجمه می شود. | |
| ۸- يَا تَلَامِيذُ، لِمَ لَا تَكْتُبُونَ التَّرْجَمَةَ؟ | ای دانش آموزان، چرا ترجمه را نمی نویسید؟ |
| ۹- رَجَاءٌ، لَا تَكْتُبُوا عَلَيَّ جِلْدَ الْكِتَابِ. | لطفاً روی جلد کتاب ننویسید. |
| فعل نهی مخاطب داریم چون حرف «ن» از آخر فعل حذف شده است. | |
| ۱۰- هِيَ قَدْ كَتَبَتْ رِسَالَةً لِمَا لَصَدِيقَتِهَا. | او نامه ای به دوستش نوشته است. |
| «قد» با ماضی، ماضی نقلی می سازد. | |
| ۱۱- لِنَكْتُبْ جُمْلَةً جَمِيلَةً فِي دَفَاتِرِنَا. | در دفترهایمان جمله هایی زیبا باید بنویسیم. |
| «ل» امر داریم که به معنای «باید» است؛ چون «ل» آخر فعل را ساکن کرده می فهمیم که از نوع امر یا جازمه است. | |
| ۱۲- أَنَا لَمْ أَكْتُبْ وَاجِبَاتِي أَمْسِ. | من دیروز تکلیف هایم را ننوشتم/ ننوشته ام. |
| «لم» با مضارع مجزوم، ماضی ساده منفی یا ماضی نقلی منفی می سازد. | |
| ۱۳- مَا كَتَبْنَا شَيْئاً عَلَى الْجِدَارِ. | روی دیوار چیزی ننوشتیم. |
| ۱۴- كَتَبْتُ حَدِيثَ عَلَى اللَّوْحِ. | حدیثی روی تخته نوشته شد. |
| فعل ماضی مجهول داریم که با مصدر «شدن» ترجمه می شود. | |
| ۱۵- كَانُوا يَكْتُبُونَ الْأَجْوِبَةَ. | جواب ها را می نوشتند. |
| ۱۶- كَانُوا قَدْ كَتَبُوا دَرْسَهُمْ. | درسشان را نوشته بودند. |
| «كان» + «قد» + ماضی، ماضی بعید می سازد. | |
| ۱۷- يُكْتُبُ نَصَّ قَصِيرٍ. | متنی کوتاه نوشته می شود. |
| فعل مضارع مجهول داریم که در ترجمه با مصدر «شدن» می آید. | |

سؤالات امتحان

لغات (۱۸۱ سؤال)

(۳۱ سؤال)

ترجمه واژه



مشاوره: در امتحان نهایی هرساله **یک نمره** از معنای لغت سؤال داریم؛ به این شکل که **چهار کلمه** را (معمولاً **۲ فعل و ۲ اسم**) در جمله می‌دهند و زیر لغت مورد نظر خط می‌کشند تا شما ترجمه دقیق را بنویسید، حتی‌الامکان سعی کنید کلمه را **بر اساس ساختار جمله** و تأثیرات آن بر لغت مدنظر طراح ترجمه کنید. مثلاً در عبارت «**كان العابر يمّر بالفقير**» زیر «يمّر» خط کشیده شده که ظاهراً یک فعل مضارع است، ولی چون قبل از آن «كان» آمده، باید به شکل ماضی استمراری ترجمه شود (می‌گذشت)؛ پس به نکات مختلف مثل مفرد و جمع بودن، معرفه و نکره بودن و... توجه کنید.

۱) ترجمه کلمات التي تحتها خط:

۱. قرأنا أنشودة في الصف.

۲. «أقيم وجهك للدين خنيفاً»

۳. يا إلهي! أعني في دروسي.

۴. علق الأب الملايس على عصون الأشجار.

۵. خلّقوا من نحاس.

۶. إنارة القلب والعقل مفيدة.

۷. واملأ الضدّر انشراحاً / و فمي بالبسمات

۸. هل يسوي لحم وعظم وعصب.

۹. لا تطعموا المساكين مما لا تأكلون.

۱۰. واملأ الدنيا سلاماً / شاملاً كل الجهات

۱۱. «رب اجعلني مقيم الصلاة»

۱۲. وصل الزوار إلى مطار النجف الأشرف.

۱۳. قد حدّثنا القرآن صراع الأنبياء مع الكافرين.

۱۴. و أنير عقلي و قلبي / بالعلوم النافعات

۱۵. «قيل ادخل الجنة قال يا ليت قومي يعلمون بما غفر لي ربي»

۱۶. يا إلهي، يا إلهي / يا مجيب الدعوات

۱۷. غلبنا أن نكرّم الضيوف في الدار.

۱۸. يتأكّد الطائر من خداع العدو.

۱۹. املأ الدنيا سلاماً شاملاً.

۲۰. يا إلهي، أعين المسلمين في حياتهم.

۲۱. واجعل التوفيق حظي / ونصبي في الحياة

۲۲. لِمَ تُفرّق بين أطفالك؟

۲۳. يطير الطائر لانقاذ حياة فراخه بعتة.

(خرداد ۱۴۰۲)

(خرداد ۱۴۰۱)

(شهریور ۱۴۰۰ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۰ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۲ انسانی)

(شهریور ۹۸ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۱ انسانی)

(دی ۱۴۰۱ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۳ معارف دهم)

(خرداد ۱۴۰۳ دهم)

(دی ۱۴۰۱)

(دی ۹۸ انسانی)

(شهریور ۱۴۰۱ انسانی)

(شبه‌نهایی اصفهان ۱۴۰۳)

(شهریور ۱۴۰۱)

(دی ۱۴۰۱ انسانی)

(شبه‌نهایی فارس ۱۴۰۳)

پرتکرار (خرداد ۹۸ انسانی، شهریور ۱۴۰۲)

(شهریور ۱۴۰۱ انسانی)

(شبه‌نهایی فارس ۱۴۰۳)



(دی ۹۸ انسانی)

(دی ۹۸)

(خرداد ۹۸)

پُر تکرار (خرداد و شهریور ۱۴۰۰)

(شهریور ۹۸)

پُر تکرار (خرداد و دی ۹۹)

(شهریور ۹۹)

(شهریور ۱۴۰۰)

۲۴. بَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ / هَلْ يَسُوئُ لَحْمٍ وَ عَظْمٍ وَ عَصَبٍ

۲۵. عَلَّقَ الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِ الضَّنَمِ.

۲۶. أَنْقَذَ إِبْرَاهِيمَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ.

۲۷. شَعَائِرِهِ كَانَتْ خُرَافِيَّةً .

۲۸. «إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»

۲۹. إِنَّ الْعَصَبَ مَفْسَدَةٌ.

۳۰. كَسَّرَ إِبْرَاهِيمُ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ.

۳۱. قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنْ سِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ.

(۳۵ سؤال)

شناخت مفرد و جمع مکسر



مشاوره: در یک امتحان نهایی استاندارد، معمولاً نیم نمره به شناخت مفرد و جمع مکسر اختصاص دارد (هر کدام ۰/۲۵)، در این باره حواستان باشد که تمام لغات درس را کامل بخوانید، چون بارها حتی از پاورقی هم سؤال داشته‌ایم. در کل این قسمت چالش خاصی ندارد و فقط ممکن است کلمات شبیه به هم کار را برایتان دشوار کند؛ مثلاً جمع «عَظْم» می‌شود «عِظَام» و جمع «أَعْظَم» می‌شود «أَعْظَم» که البته جای نگرانی نیست؛ زیرا در ابتدای درس، یک کادر مفصل و مبسوط مخصوص مفرد و جمع مکسر برایتان قرار داده‌ایم، همان را بخوانید، کافی است.

۲) اکتب مفرد أو جمع المفردات التالية:

- | | |
|--|--|
| ۳۲. السُّيَاح (المفرد): | (خرداد ۱۴۰۳ فنی و حرفه‌ای) ۳۳. الشُّعُوب (المفرد): |
| ۳۴. العُصُور (المفرد): | ۳۵. التُّقَاد (المفرد): |
| ۳۶. الأناشيد (المفرد): | ۳۷. الأصنام (المفرد): |
| ۳۸. الأعضاء (المفرد): | ۳۹. الفِراخ (المفرد): |
| ۴۰. الفَأْس (الجمع المكسّر): | ۴۱. الكَتِف (الجمع المكسّر): |
| ۴۲. العِيد (الجمع المكسّر): | ۴۳. النَّبِي (الجمع المكسّر): |
| ۴۴. اللَّحْم (الجمع المكسّر): | ۴۵. الحَظ (الجمع المكسّر): |
| ۴۶. الثُّرْبَان (الجمع المكسّر): | ۴۷. الشُّر (الجمع المكسّر): |

۳) اِنتخب الصَّحيح في المفرد أو الجمع:

- | | | |
|----------------------------|---|---------------------------------------|
| ۴۸. مفرد «الكتابات»: | <input type="checkbox"/> الف (الكتاب) | <input type="checkbox"/> ب (الكتابة) |
| ۴۹. جمع «العظم»: | <input type="checkbox"/> الف (العظام) | <input type="checkbox"/> ب (الأعاطم) |
| ۵۰. جمع «الغنى»: | <input type="checkbox"/> الف (الأغنياء) | <input type="checkbox"/> ب (الأغنى) |
| ۵۱. مفرد «الضُّيوف»: | <input type="checkbox"/> الف (المضيف) | <input type="checkbox"/> ب (الضييف) |
| ۵۲. مفرد «الأصاغر»: | <input type="checkbox"/> الف (الأصغر) | <input type="checkbox"/> ب (الصُّغرى) |
| ۵۳. مفرد «الآلهة»: | <input type="checkbox"/> الف (الله) | <input type="checkbox"/> ب (إله) |
| ۵۴. جمع «المسكين»: | <input type="checkbox"/> الف (المساكين) | <input type="checkbox"/> ب (المساكين) |
| ۵۵. مفرد «الحضارات»: | <input type="checkbox"/> الف (الحاضرة) | <input type="checkbox"/> ب (الحضارة) |
| ۵۶. مفرد «التُّقوش»: | <input type="checkbox"/> الف (التقاش) | <input type="checkbox"/> ب (التنقش) |
| ۵۷. جمع «اليد»: | <input type="checkbox"/> الف (الأیدی) | <input type="checkbox"/> ب (اليدان) |
| ۵۸. مفرد «العباد»: | <input type="checkbox"/> الف (العابد) | <input type="checkbox"/> ب (العبد) |

(دی ۱۴۰۱ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۲ انسانی)

۴ گم جمع تفسیر فی عبارات التالية:

۵۹. اکتشف الإنسان الحضارات والرُسومَ و التَّمائيلَ مِنْ جِلالِ الأثارِ القَدِيمَةِ. الف) خمسة ب) ثلاثة
۶۰. إزدادت هذه الخرافاتُ في الأديانِ الإلهيَّةِ على مرِّ العصورِ. الف) اثنان ب) أربعة
۶۱. حاولَ الرُّسُلُ أن يُنقذوا أقوامَهُمْ مِنْ عِبادةِ الأصنامِ. الف) اثنان ب) ثلاثة
۶۲. لا تأخذوا الباطلَ مِنْ أَهلِ الحقِّ و كونوا نُقادَ الكلامِ. الف) واحد ب) ليس لها جمع تكسيير
۶۳. واخمني واخمني بلادى / مِنْ شُرورِ الحادِثاتِ الف) اثنان ب) ثلاثة
۶۴. كانَ تُعدَّدُ المعبوداتِ و تُقدِّمُ القرابينِ مِنْ شعائرِ القُدَماءِ. الف) أربعة ب) ثلاثة
۶۵. اكتسبَ رضا الله مِنْ آمالِ بعضِ الأشخاصِ. الف) ثلاثة ب) اثنان
۶۶. كَتَبنا على صُحفٍ جداريَّةٍ ذِكرياتِ شُهداءِ الحربِ. الف) واحد ب) اثنان

(سؤال ۳۲)

متضاد و مترادف



مشاوره: یکی از پای ثابت‌های امتحان نهایی، سؤال **متضاد و مترادف** است که ۷۵٪ را به خودش اختصاص می‌دهد و شامل **سه کلمه** است. البته شکل ظاهری آن متفاوت است؛ ممکن است **سه جمله** بدهند و بگویند از بین این سه جمله، متضاد و مترادف‌های موجود را پیدا کنید و ممکن است **سه کلمه** بدهند و از شما بخواهند جلوی هر کلمه متضاد یا مترادف آن را بنویسید، اما نکته مهم این است که معمولاً خود کلمات را می‌دهند و شما باید از بین آن‌ها متضاد و مترادف‌ها را انتخاب کنید، پس غالباً نیاز نیست که آن‌ها را از حفظ بنویسید. ما هم از شکل‌های مختلف آن برایتان سؤال آورده‌ایم.

۵ اِنْتِخِبِ المُترادِفِ أَوْ المُتَضادَ مِنْ بَيْنِ المُفرداتِ التَّالِيَةِ:

(مُستحکم - هِدایة - أَحسن - خَفِظَ - خِداع - تَقَرَّبَ - نَصَرَ)

۶۷. حيلة = ۶۸. تَجَنَّبَ =
۶۹. ضَلالة = ۷۰. أَعانَ =
۷۱. سَدید = ۷۲. أَسوأ =
۷۳. حَمى =

(خرداد ۱۴۰۳ معارف دهم)

۷۴. المُتَضادُ لِكَلِمَةِ «الحرب»: هو يُطعِمُ الطَّعمَ و ينشُرُ السَّلامَ.

(خرداد ۱۴۰۳ معارف دهم)

۷۵. المُترادِفُ لِكَلِمَةِ «أرسل»: فَإِنَّ رَبِّي بَعَثَ رَسُولَ اللَّهِ (ص) بِالهُدَى.

۶ عَيِّنِ المُترادِفَ وَ المُتَضادَ:

(شهریور ۱۴۰۱)

۷۶. الخیر / العُصَب / السَّوء / الحَبیب / المَفسدَة / الصَّدیق

(شهریور ۱۴۰۲ انسانی)

الف) = (ب) =

۷۷. عِنْدما يَتَأَكَّدُ الظانِرُ مِنْ خِداعِ العَدُوِّ يَطْمَئِنُّ مِنْ إِنْقادِ فراخه.

(شبه نهایی اصفهان ۱۴۰۳)

۷۸. الكِبائِرُ يُعِينونَ فِي صُوباتِ الحِياةِ عَنِ الصَّغارِ وَ يَنْصُرُونَهُمْ فِي حَواذِثِ الدَّهْرِ.

الف) = (ب) =

۷ عَيِّنِ الصَّحيحَ فِي المُترادِفِ لِمَا تَحْتَهُ حَظًّا:

(شبه نهایی اصفهان ۱۴۰۳)

۷۹. «لا تَجِدُ التَّراغُ بَيْنَ المُؤمِنينَ وَ المُؤحَدِّينَ».

الف) السُّلم ب) الصِّراع ج) السُّدى د) الصُّداع

۸ اِجْعَلْ عَلامَةَ التَّرادِفِ أَوْ التَّضادَ بَيْنَ المُفرداتِ التَّالِيَةِ (=):

(خرداد ۱۴۰۳ فنی و حرفه‌ای)

۸۰. سارَع عَجَل
۸۱. دار بيت
۸۲. سيرة طريقة
۸۳. حدِّث كَلِم
۸۴. صِراع سِلْم
۸۵. خَنِيف كافر
۸۶. سُدى عَبَث
۸۷. حاوَل سَعى

٩. اِنْتِخِبِ الصَّحِيحَ فِي الْمُرَادِفِ وَالْمُتَضَادِّ:

- | | | |
|--|--|---|
| <input type="checkbox"/> (ب) صَيْدٌ | <input type="checkbox"/> (الف) خِدَاعٌ | ٨٨. الْمُرَادِفُ لِمَفْرَدَةِ «فَرِيْسَةٌ»: |
| <input type="checkbox"/> (ب) حَظٌّ | <input type="checkbox"/> (الف) صِحَّةٌ | ٨٩. الْمُرَادِفُ لِمَفْرَدَةِ «عَافِيَةٌ»: |
| <input type="checkbox"/> (ب) بَعَثٌ | <input type="checkbox"/> (الف) عِنَايَةٌ | ٩٠. الْمُرَادِفُ لِمَفْرَدَةِ «إِهْتِمَامٌ»: |
| <input type="checkbox"/> (ب) حُزْنٌ | <input type="checkbox"/> (الف) مَحْزُونٌ | ٩١. الْمُتَضَادُّ لِمَفْرَدَةِ «إِنْشِرَاحٌ»: |
| <input type="checkbox"/> (ب) أُعْطِيَ | <input type="checkbox"/> (الف) عَلَّقُ | ٩٢. الْمُتَضَادُّ لِمَفْرَدَةِ «حُدُّ»: |
| <input type="checkbox"/> (ب) بُنْيَانٌ | <input type="checkbox"/> (الف) مُتَمَاطِلٌ | ٩٣. الْمُتَضَادُّ لِمَفْرَدَةِ «تَارِكٌ»: |
| <input type="checkbox"/> (ب) عُصْنٌ | <input type="checkbox"/> (الف) وَكْنَةٌ | ٩٤. الْمُرَادِفُ لِمَفْرَدَةِ «عُشٌّ»: |
| <input type="checkbox"/> (ب) بَحَثٌ عَنِ | <input type="checkbox"/> (الف) حَدَّثَ | ٩٥. الْمُرَادِفُ لِمَفْرَدَةِ «فَتَّشَ»: |
| <input type="checkbox"/> (ب) قَلَّلَ | <input type="checkbox"/> (الف) نَقَضَ | ٩٦. الْمُتَضَادُّ لِمَفْرَدَةِ «إِزْدَادٌ»: |
| <input type="checkbox"/> (ب) صَرَخَ | <input type="checkbox"/> (الف) حَسِبَ | ٩٧. الْمُتَضَادُّ لِمَفْرَدَةِ «هَمَسَ»: |
| <input type="checkbox"/> (ب) شَعَائِرٌ | <input type="checkbox"/> (الف) سُلُوكٌ | ٩٨. الْمُرَادِفُ لِمَفْرَدَةِ «مَنَاسِكٌ»: |

(٢١ سؤال)

١٠. ترجمه تکنیکی لغات

مشاوره: این قسمت یک بخش ترکیبی و فنی است و در جاهای مختلف می تواند از آن سؤال طرح شود؛ مثل ترجمه واژه یا سؤالات دوگزینه ای ترجمه و ... پس روی آن تمرکز ویژه کنید و خودتان را بسنجید. توجه داشته باشید که این سؤالات فقط با حفظ لغت قابل حل نیستند، بلکه باید مراقب تکنیک های قواعدی و ترجمه ای نیز باشید. توصیه می کنیم حتماً تمام جمله را بخوانید و زود گزینه ای را انتخاب نکنید.

١٠. اِنْتِخِبِ الْجَوَابَ حَسَبَ تَرْجَمَةِ الْمَفْرَدَاتِ الْمُعَيَّنَةِ:

- | | | |
|--|---|---|
| <input type="checkbox"/> (ب) هر چیزی | <input type="checkbox"/> (الف) همه چیزها | ٩٩. قَالَ: أَسْمَعُ كُلَّ شَيْءٍ: |
| <input type="checkbox"/> (ب) به دست نمی آورد | <input type="checkbox"/> (الف) به دست آورده نمی شود | ١٠٠. غَايَةٌ لَا تُدْرِكُ: |
| <input type="checkbox"/> (ب) نداشتند | <input type="checkbox"/> (الف) نبودند | ١٠١. لَمْ يَكُنْ لِبَعْضِ النَّاسِ دِينٌ: |
| <input type="checkbox"/> (ب) باشید | <input type="checkbox"/> (الف) بودند | ١٠٢. كُونُوا نُقَادَ الْكَلَامِ: |
| <input type="checkbox"/> (ب) دانانترم | <input type="checkbox"/> (الف) می دانم | ١٠٣. قَالَ: أَعْلِمُ كُلَّ شَيْءٍ: |
| <input type="checkbox"/> (ب) آن ها بت هایی هستند | <input type="checkbox"/> (الف) آن بت ها | ١٠٤. تِلْكَ أَصْنَامٌ: |
| <input type="checkbox"/> (ب) به راستی | <input type="checkbox"/> (الف) تنها | ١٠٥. إِنَّمَا النَّاسُ لَأُمَّ وَلِأَبٍ: |
| <input type="checkbox"/> (ب) این ها پیامبر هستند | <input type="checkbox"/> (الف) این پیامبران | ١٠٦. هُوَ لِأَبِ الْأَنْبِيَاءِ: |
| <input type="checkbox"/> (ب) پرسیده شد | <input type="checkbox"/> (الف) پرسید | ١٠٧. سُئِلَ الظَّالِمُ: |
| <input type="checkbox"/> (ب) آفریده شدند | <input type="checkbox"/> (الف) آفریدند | ١٠٨. خُلِقْنَ: |
| <input type="checkbox"/> (ب) غذا نمی دهی | <input type="checkbox"/> (الف) نخوران | ١٠٩. لَا تُطْعِمُ: |
| <input type="checkbox"/> (ب) بی نیاز کننده تر | <input type="checkbox"/> (الف) بی نیاز | ١١٠. الْأَغْنَى: |
| <input type="checkbox"/> (ب) بسیار گردشگر | <input type="checkbox"/> (الف) گردشگران | ١١١. سُبْحَانُ: |
| <input type="checkbox"/> (ب) فرستاد | <input type="checkbox"/> (الف) می فرستم | ١١٢. أَرْسَلَ: |
| <input type="checkbox"/> (ب) گفته شد | <input type="checkbox"/> (الف) گفت | ١١٣. قِيلَ: |
| <input type="checkbox"/> (ب) آرزو داری | <input type="checkbox"/> (الف) آرزو داشت | ١١٤. تَمَنَّى: |
| <input type="checkbox"/> (ب) جوجه هایش | <input type="checkbox"/> (الف) جوجه اش | ١١٥. فَرَّخِيهِ: |

۱۱۶. خُذُوا: □ الف) گرفتند □ ب) بگیرید
۱۱۷. عَلَّمْنَا: □ الف) یاد دادیم □ ب) به ما یاد داد
۱۱۸. لَا تُحْمِلُونِي: □ الف) بر من تحمیل نکنید □ ب) بر من تحمیل نمی کنید
۱۱۹. لَا تُضِيعْ: □ الف) تباه نکن □ ب) تباه نمی کنی

(۲۴ سؤال)

شناخت کلمه غریبه (نامرتب)

مشاوره: هر ساله یک سؤال (یعنی ۰/۲۵) به این موضوع اختصاص دارد و در دو دسته کلی قرار می گیرد:

۱) پیدا کردن کلمه نامرتب از نظر معنایی (که معمولاً این گونه است) ۲) پیدا کردن کلمه نامرتب از نظر قواعدی

۱۱ عین الکلمة الغریبة:

الف عین الکلمة الغریبة حسب الترجمة:

۱۲۰. اللحم - العظم - الذئب - الدَّم:

۱۲۱. الأعصاب - الأسنان - العظام - الأعین - الرجال:

۱۲۲. الفم - السَّجْن - اللسان - الأسنان:

۱۲۳. حَدَثٌ - كَلَّمَ - قَالَ - مَقَالَ:

۱۲۴. الجذع - العُصْن - الورقة - سَوَى:

۱۲۵. الخنيف - الإهتمام - المُوَخَد - المُتَدَيِّن:

۱۲۶. الحَرْب - البَسْمَة - الجِهَاد - القِتَال:

۱۲۷. الأسبوع - الشَّهْر - السَّنة - العید:

۱۲۸. الرَّأْس - الظَّيْن - الرَّجْل - اليَد:

۱۲۹. الفِضَّة - الظَّيْنَة - الدَّهَب - النُّحَاس:

ب عین الکلمة الغریبة حسب القواعد مع بيان السَّبَب:

۱۳۰. لَكُنْ - أَنْ - لَعَلَّ - كَأَنَّ:

۱۳۱. أَحَبَّ - أَعْلَى - أَرْزَقَ - كُبِرَ:

۱۳۲. لَا تُجَاهِدْ - لَا يَعْلَمُوا - لَا يَغْفِرُ - لَا يَتَهَامَسُونَ:

۱۳۳. ثَابِتٌ - شَابٌ - طَائِقَةٌ - ذَائِقَةٌ:

۱۳۴. أَشَدَّ - أَتَقَى - أَحْسَنُ - أَفْلَأُ:

۱۳۵. بَسَمَاتٌ - سَنَوَاتٌ - أَوْقَاتٌ - نَافِعَاتٌ:

۱۳۶. نُقَادٌ - أَحْيَاءٌ - فَرِيقٌ - أَطْعَمَةٌ:

۱۳۷. قِيلَ - يُذَكَّرُ - حَزَقَ - أَضْلَحَ:

۱۳۸. مَعْبُودٌ - مُسَلِّمٌ - مَكْسُورٌ - مُفْتَرَسٌ:

۱۳۹. آلِهَةٌ - الْحَادِثَةُ - السَّعَادَةُ - الْحَسَنَةُ:

۱۴۰. حُسْنِيٌّ - أَحْضَرَ - أَجْمَلَ - أُخْرِيٌّ:

۱۴۱. أَشْرَفٌ - أَحْمَرٌ - أَكْرَهُ - أَحَقُّ:

۱۴۲. لَعَلَّ - إِنَّمَا - لَكُنْ - لَيْتَ:

۱۴۳. النَّقُوشُ - الرَّسُومُ - الْكِتَابَاتُ - الْأَقْوَامُ:

(دی ۱۴۰۱)

(شبه نهایی کشوری ۱۴۰۳ یا زدهم)

(خرداد ۹۸)

(پُر تکرار (دی ۱۴۰۰ و شهریور ۱۴۰۱)

بیان السَّبَب:

الجواب:

(شبه نهایی کشوری ۱۴۰۳ یا زدهم)

بیان السَّبَب:

الجواب:

بیان السَّبَب:

الجواب:

بیان السَّبَب:

الجواب:

بیان السَّبَب:

الجواب:

بیان السَّبَب:

الجواب:

بیان السَّبَب:

الجواب:

بیان السَّبَب:

الجواب:

بیان السَّبَب:

الجواب:

بیان السَّبَب:

الجواب:

بیان السَّبَب:

الجواب:

بیان السَّبَب:

الجواب:

بیان السَّبَب:

الجواب:

(شهریور ۱۴۰۰)

بیان السَّبَب:

الجواب:



تعريف واژه به عربی، انتخاب کلمه مناسب برای کامل کردن جمله

مشاوره: حداقل نیم نمره (گاهی چنین است) تا یک نمره (غالباً این گونه است) از تعریف واژه به عربی یا پر کردن جای خالی با کلمه مناسب سؤال داریم، پس عملاً یک نمره دیگر نیز در امتحان نهایی از لغت داریم، ولی معنای لغت نیست و تعریف لغت به عربی است. حواستان باشد که لزوماً این سؤالات همان تعاریف کتاب درسی نیست، بلکه در بسیاری از اوقات لغتی که در کتاب تعریف نشده ولی معنای آن آمده در امتحان می‌آید. مثلاً در کتاب کلمه «الشدی: پوچ، بیهوده» آمده، ولی به عربی تعریف نشده (ما یكون بلا فائدة: آنچه بی‌فایده است)، ولی طراح آن را با کلماتی که خوانده‌اید برایتان تعریف می‌کند؛ پس هنگ نکنید. ضمناً روی اطلاعات عمومی کتاب درسی مسلط باشید که بسیار مورد سؤال هستند. مثلاً در کتاب اشاره شده که برگ زیتون نماد صلح است و در امتحان نهایی گفته می‌شود که چه چیزی نماد صلح است؟ پس این یک نمره در رسیدن شما به ۲۰ بسیار استراتژیک و مهم است.

۱۲) اكمل الفراغات بكلمة مناسبة من بين القوسين (كلماتي زائدتان):

(العظم - شدئ - المتهامسون - الخفيف - التهامس - اليد)

۱۴۴. الذين بدؤوا يتكلمون بكلام خفي. (.....)

۱۴۵. قسم قوي من الجسم عليه لحم. (.....)

۱۴۶. لا يتزك الله الإنسان.

۱۴۷. يتزك الباطل ويرغب في الدين الحق.

(الفأس - البسمة - المفتوس - النحاس - الفريسة - انشراح)

۱۴۸. عنصر فلزي كالحديد. (.....)

۱۴۹. ضحك خفيف بلا صوت. (.....)

۱۵۰. حيوان يصيد الحيوانات الأخرى. (.....)

۱۵۱. آلة ذات يد من الخشب و سن عريضة من الحديد. (.....)

(المغصية - العظم - الصدر - الدم - الأراذل - المغفرة)

۱۵۲. يخرى في اللحم.

۱۵۳. لن ينصر المؤمن.

۱۵۴. يا رب، إملأ انشراحاً.

۱۵۵. ليتني أتبع من في الحياة.

(المعين - أعان - الكتف - المجيب - الإنقاذ - الرأس)

۱۵۶. هو الذي يأخذ يد الآخرين دائماً. (.....)

۱۵۷. عضو من أعضاء الجسم يقع أعلى الجذع و هو اثنان. (.....)

۱۵۸. ساعد و نصر. (.....)

۱۵۹. هو الذي يتقبل الدعاء و هو من أسماء الله الحسنى.

(القرابين - الصنم - الظين - المعين - الفريسة - الإعانة)

۱۶۰. تمثال من حجر أو خشب أو حديد يُعبد من دون الله.

۱۶۱. تراب مختلط بالماء.

۱۶۲. الحيوانات التي تُقتل في أحد أعياد المسلمين. (.....)

۱۶۳. من يساعد الناس. (.....)

(الحديد - النقوش - أنار - الخفيف - الدم - الظين - الإعانة - اللحم)

۱۶۴. جعل فيه نوراً. (.....)

۱۶۵. خلق الإنسان الأول منه. (.....)

۱۶۶. أشكال على جدار الأماكن و الأجسام التاريخية. (.....)

۱۶۷. عنصر فلزي يُستخدَم في البناء. (.....)

۱۶۸. تارك للباطل و متمایل إلى الدين الحق.

۱۶۹. مساعده الآخرين. (.....)

(شهریور ۱۴۰۱ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۰)

(خرداد ۱۴۰۲)

(خرداد ۱۴۰۱ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۰ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی)

(شبه‌نهایی اصفهان ۱۴۰۳)

(شبه‌نهایی اصفهان ۱۴۰۳)

(شبه‌نهایی اصفهان ۱۴۰۳)

(شبه‌نهایی اصفهان ۱۴۰۳)

(خرداد ۱۴۰۲ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۱ انسانی)

(دی ۱۴۰۰ انسانی)

(دی ۱۴۰۰)

(دی ۱۴۰۰ انسانی)

(شهریور ۱۴۰۱ انسانی)

(شهریور ۱۴۰۰ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۲ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی)

(شهریور ۱۴۰۰)

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی)

(سؤال ۱۲)

صحیح و خطا بر اساس واقعیت و کتاب درسی

مشاوره: به طور کلی این قسمت زیرمجموعه بخش قبلی و مکمل آن است. شما در درجه اول باید بر **اطلاعات عمومی** مطرح شده در کتاب درسی مسلط شوید مثلاً در کتاب گفته شده که انسان‌ها نسبت به یکدیگر برتری ندارند و همگی از یک پدر و مادر خلق شده‌اند و سپس سراغ اطلاعات خودتان بروید.

۱۳ عین الخطأ و الصحیح حسب الحقیقة أو الواقع (X ✓):

۱۷۰. الخِدَاعُ مِنَ الْأَعْمَالِ الْقِيَمَةِ عِنْدَ النَّاسِ. (.....)

۱۷۱. اللَّحْمُ قِسْمٌ مِنَ الْجِسْمِ يَقَعُ فَوْقَ الْعَظْمِ. (.....)

۱۷۲. التَّفَاخُرُ بِالنَّسَبِ مَحْمُودٌ. (.....)

۱۷۳. كُلُّ الْأَعْمَالِ الْقَبِيحَةِ فِي الْحَيَاةِ مَفْسَدَةٌ لِلْمَرْءِ. (.....)

۱۷۴. لِنَسْمَعُ كَلَامَ الْحَقِّ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ لِأَهْلِ الْبَاطِلِ. (.....)

۱۷۵. الصَّنَمُ تِمَثَالٌ مِنْ حَجَرٍ أَوْ خَشَبٍ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ. (.....)

۱۷۶. نَسْتَفِيدُ مِنْ حَرْفِ «لَيْتَ» لِتَمَتُّي فِي قَوْلِنَا. (.....)

۱۷۷. الصَّنَمُ تِمَثَالٌ مِنْ حَدِيدٍ أَوْ خَشَبٍ كَانَ بَعْضُ النَّاسِ يَعْبُدُونَهُ. (.....)

۱۷۸. الْعَضْبُ صِرَاعٌ بَيْنَ النَّاسِ. (.....)

۱۷۹. إِنَّمَا الْفَخْرُ لِحَيَاءٍ وَعَفَافٍ وَأَدَبٍ. (.....)

۱۸۰. عَلَّقَ إِبْرَاهِيمُ الْفَأْسَ عَلَى كَيْفِ أَصْغَرِ الْأَصْنَامِ. (.....)

۱۸۱. لَمْ يَكُنْ لِبَعْضِ الشُّعُوبِ دِينٌ أَوْ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ. (.....)

(خرداد ۹۹ انسانی)

(دی ۹۹)

(شهریور ۱۴۰۰)

(دی ۱۴۰۰)

ترجمه جملات (سؤال ۱۲۳)

(سؤال ۶۲)

جملات کتاب درسی

مشاوره: پر بارم‌ترین قسمت در امتحان نهایی، **ترجمه جمله** است که بین ۷ تا ۸ نمره را به خود اختصاص می‌دهد و معمولاً ۱۱ تا ۱۲ جمله می‌دهند که آن‌ها را ترجمه کنید. همیشه **دو - سه عبارت اول، از آیات و احادیث** کتاب است و حدوداً ۱۰ جمله از سایر بخش‌های کتاب شامل متن درس، تمرین، آغلموا و... طرح می‌شود. حواستان باشد که در امتحان نهایی به ندرت جمله‌ای می‌بینید که تغییر نکرده باشد، پس **طراح سؤال غالباً عبارات کتاب را از جهات مختلف عوض می‌کند**، گاه روی فعل و زمان‌های مختلف مانور می‌دهد، گاهی روی ساختارها (مثلاً «لا» نفی جنس)، گاه یک عبارت را کمی عوض می‌کند و گاهی با لغات کتاب، یک جمله کاملاً جدید می‌سازد؛ پس در این قسمت به شدت و با تمام قوا، دقت و تمرکز کنید، چون غالب بچه‌ها در آن نمره از دست می‌دهند. ما در این قسمت برای تسلط بهتر شما عباراتی را که عیناً در کتاب آمده‌اند یا تغییر جزئی داشته‌اند، در یک بخش آورده‌ایم و در بخش بعدی جملات ترکیبی و جدید را قرار داده‌ایم تا کاملاً روی ترجمه مسلط شوید که نبض امتحان نهایی است. حواستان باشد که باید در ترجمه جملات، کلیه تکنیک‌ها و فوت‌وفن‌های ترجمه را به کار بگیرید؛ از زمان‌ها گرفته تا دقت به ترجمه اسم مفرد و جمع و ضمائر، از ترجمه حروف مشبیه تا «لا» نفی جنس و از ترجمه مجهول تا فعل‌ها و لغات خاص.

۱۴ تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ:

۱۸۲. يَجْعَلُ اللَّهُ التَّوْفِيقَ حَظِّي وَ نَصِيْبِي فِي الْحَيَاةِ.

۱۸۳. «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»

۱۸۴. كَسَّرَ إِبْرَاهِيمُ (ع) جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبَدِ إِلَّا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ.

۱۸۵. يَا هَيْهَاتُ الدُّنْيَا سَلَاماً شَامِلاً كُلِّ الْجِهَاتِ.

۱۸۶. اجْعَلِ الْيَوْمَ سَعِيداً وَ كَثِيرَ الْبَرَكَاتِ.

۱۸۷. هَلْ تَرَاهُمْ خَلِقُوا مِنْ فِضَّةٍ أَمْ حَدِيدٍ أَمْ نُحَاسٍ أَمْ ذَهَبٍ.

۱۸۸. «رَبَّنَا وَلَا تُحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا...»

۱۸۹. «أَقِمِ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً»

(خرداد ۹۹ انسانی)

(دی ۹۸)

(خرداد ۱۴۰۰ انسانی)

(پرتکرار (شهریور و دی ۱۴۰۰ انسانی)

(پرتکرار (شهریور ۹۹، ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ انسانی)

(شهریور ۱۴۰۲)

(خرداد ۱۴۰۰)



پُرتکرار (دی ۱۴۰۲ انسانی، خرداد ۹۹)

(شهریور ۹۸)

(دی ۱۴۰۱ انسانی)

(شهریور ۱۴۰۱ انسانی)

(خرداد ۹۹ انسانی)

(دی ۹۹)

(شهریور ۱۴۰۲)

پُرتکرار (خرداد ۹۸ انسانی، خرداد ۹۸)

پُرتکرار (شهریور ۱۴۰۱ و دی ۱۴۰۲ انسانی)

پُرتکرار (دی ۹۸ و شهریور ۱۴۰۱ انسانی)

(دی ۹۸)

(خرداد ۹۹ انسانی)

پُرتکرار (خرداد ۹۹، شهریور ۱۴۰۱)

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی دهم)

(شهریور ۱۴۰۲)

پُرتکرار (شهریور و خرداد ۹۹، شهریور ۱۴۰۰)

(شهریور ۹۸)

(دی ۱۴۰۱)

(خرداد ۱۴۰۰)

پُرتکرار (شهریور ۹۹، دی ۱۴۰۱)

(شهریور ۹۹)

پُرتکرار (شهریور ۹۹، دی ۱۴۰۰)

(خرداد ۱۴۰۲)

(خرداد ۹۸)

(خرداد ۹۸)

پُرتکرار (خرداد و شهریور ۹۸، دی ۱۴۰۱، خرداد ۱۴۰۳)

(خرداد ۹۸)

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی یازدهم)

(شهریور ۱۴۰۱)

(خرداد ۱۴۰۳ فنی و حرفه‌ای دهم)

پُرتکرار (دی ۹۸ و ۹۹ انسانی)

(خرداد ۹۹ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۲ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۲ انسانی)

(شهریور ۱۴۰۱)

(شهریور ۱۴۰۱)

۱۹۰. عِنْدَمَا يَتَأَكَّدُ الظَّائِرُ مِنْ خِدَاعِ العَدُوِّ يَطْبِئِرُ بَعْتَهُ.

۱۹۱. ﴿وَيَقُولُ الكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾

۱۹۲. وَأَيُّ عَقْلِي وَ قَلْبِي / بِالْعُلُومِ النِّافِعَاتِ

۱۹۳. لَا لِبَاسٍ أَجْمَلُ مِنَ العَافِيَةِ.

۱۹۴. خُذُوا الحَقَّ مِنْ أَهْلِ البَاطِلِ وَ كُونُوا نُقَادَ الكَلَامِ فِي حَيَاتِكُمْ.

۱۹۵. بَدَأَ القَوْمُ يَتَهَامِسُونَ: «إِنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ؛ إِنَّمَا يَقصِدُ إِبْرَاهِيمُ الإِسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَانِنَا».

۱۹۶. لَمَّا شَاهَدَ النَّاسُ أَصْنَامَهُمُ المَكْسَرَةَ، أَحْضَرُوا إِبْرَاهِيمَ (ع) لِلْمُحَاكِمَةِ.

۱۹۷. ﴿إِنَّ اللهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ﴾

۱۹۸. لَا شَيْءَ أَجْمَلُ مِنَ العَفْوِ عِنْدَ القُدْرَةِ.

۱۹۹. يَا إلهي! احْمِنِي وَ احْمِ بِلَادِي مِنْ سُرُورِ الحَادِثَاتِ.

۲۰۰. كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لِأَثَرِكِ.

۲۰۱. يَتَظَاهَرُ الظَّائِرُ أَمَامَ الحَيَوَانِ المُفْتَرِسِ بِأَنَّ جَنَاحَهُ مَكْسُورٌ.

۲۰۲. كُلُّ طَعَامٍ لَا يُذَكَّرُ اسْمُ اللهِ عَلَيْهِ، لَا بَرَكَةَ فِيهِ.

۲۰۳. ﴿قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾

۲۰۴. إِنْ تُسَبَّحُوا النَّاسُ تَكْتَسِبُوا العِدَاوَةَ بَيْنَهُمْ.

۲۰۵. ﴿أَيْحَسِبُ الإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى﴾

۲۰۶. لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ.

۲۰۷. الكِتَابَاتُ وَ الثَّقُوسُ تُدَلُّ عَلَى أَنَّ الدِّينَ فَطْرِيٌّ فِي وُجُودِ الإِنْسَانِ.

۲۰۸. ﴿قَالُوا خَرِّقُوهُ وَ انْضُرُوا آلِهَتَكُمْ﴾

۲۰۹. لَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الفِعْلِ.

۲۱۰. إِنْ مِنَ السُّنَّةِ أَنْ يُخْرِجَ الرَّجُلُ مَعَ صَيفِهِ إِلَى بَابِ الدَّارِ.

۲۱۱. وَ قَدْ حَدَّثَنَا القُرْآنُ الكَرِيمُ عَنْ سِيرَةِ الأنْبِيَاءِ.

۲۱۲. أَيُّهَا الفَاخِرُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ / إِنَّمَا النَّاسُ لِأُمَّ وَ لِأَبٍ

۲۱۳. أَرْجُو مِنَ اللهِ أَنْ يَجْعَلَ التَّوْفِيقَ نَصِيبِي فِي الحَيَاةِ.

۲۱۴. ثُمَّ عَلَّقَ الفَاسَ عَلَى كَتِفِهِ وَ تَرَكَ المَعْبَدَ.

۲۱۵. ﴿لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا﴾

۲۱۶. لَا تُطْعِمُوا المَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ.

۲۱۷. ﴿اللهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾

۲۱۸. ﴿إِنَّ اللهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾

۲۱۹. الإِسْلَامُ بِيَهْتَمُّ بِعَمَلٍ لَا يَصُرُّ النَّاسَ.

۲۲۰. ﴿قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾

۲۲۱. ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾

۲۲۲. نَحْنُ خُلِقْنَا مِنْ طِينَةٍ فَلَا نَفْتَخِرُ بِنَسَبِنَا.

۲۲۳. لَا سَوْءَ أَسْوَأَ مِنَ الكَذِبِ.

۲۲۴. حِينَ يَرَى حَيَوَانًا مُفْتَرِسًا يَتَظَاهَرُ بِأَنَّ جَنَاحَهُ مَكْسُورٌ.

۲۲۵. أَحْضَرُوا إِبْرَاهِيمَ (ع) فَقَذَفُوهُ فِي النَّارِ، ثُمَّ أَنْقَذَهُ اللهُ مِنْهَا.



پُر تکرار (خرداد و دی ۱۴۰۰)

(خرداد ۱۴۰۰)

(دی ۱۴۰۰)

(خرداد ۱۴۰۱)

پُر تکرار (شهریور ۹۸ و خرداد ۱۴۰۱)

(خرداد ۹۹)

(شهریور ۹۹)

(خرداد ۱۴۰۱ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۰ انسانی)

پُر تکرار (دی ۹۹ و دی ۱۴۰۰ انسانی)

پُر تکرار (شهریور و دی ۹۹، خرداد و شهریور ۱۴۰۲)

(شهریور ۹۸ انسانی)

(شهریور ۱۴۰۰)

(شهریور ۱۴۰۰)

(خرداد ۱۴۰۳ معارف دهم)

(خرداد ۹۸ انسانی)

۲۲۶. ﴿أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِأَلْهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمَ﴾

۲۲۷. لَا شَعْبَ مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا وَكَانَ لَهُ دِينٌ وَطَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ.

۲۲۸. إِزْدَادَتْ هَذِهِ الْخُرَافَاتُ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ.

۲۲۹. لَا فُقْرَ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ وَلَا عِبَادَةَ مِثْلَ التَّفَكُّرِ.

۲۳۰. حَاوَلَ إِبْرَاهِيمُ أَنْ يُنْقِذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ.

۲۳۱. بَرَى الظَّائِرُ الذَّكِيُّ حَيَوَانًا مُفْتَرَسًا قُرْبَ عُشِّهِ.

۲۳۲. خُذُوا الْحَقَّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ وَلَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ.

۲۳۳. يَا إِلَهِي! افْلَأُ الصَّدْرَ انْشِرَاحًا وَفَمِي بِالتَّبَسُّمَاتِ.

۲۳۴. ﴿إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا﴾

۲۳۵. يَا إِلَهِي! اجْعَلِ التَّوْفِيقَ حَظِّي وَنَصِيبِي فِي الْحَيَاةِ.

۲۳۶. ﴿فَهَذَا يَوْمُ الْبَعَثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾

۲۳۷. عِنْدَمَا سَأَلَتِ الْمُدِيرَ عَنْ حُضُورِ الطُّلَّابِ فِي الْمَدْرَسَةِ أَجَابَنِي: لَا طَالِبَ هُنَا.

۲۳۸. رَبُّنَا يَجْعَلُ أَيَّامَنَا كَثِيرَ الْبَرَكَاتِ وَيَحْمِي بِلَادَنَا مِنَ الشُّرُورِ.

۲۳۹. الْأَثَارُ الْقَدِيمَةُ تُؤَكِّدُ إِهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ.

۲۴۰. لَا تَفْتَحْزِ بِنَسَبِكَ جَهْلًا لِأَنَّ جَمِيعَنَا خُلِقْنَا مِنْ أَبِي وَأُمِّ وَاحِدَةٍ.

۲۴۱. فِي أَحَدِ الْأَيَّامِ لَمَّا خَرَجَ قَوْمُهُ مِنْ مَدِينَتِهِمْ، بَقِيَ إِبْرَاهِيمُ (ع) وَحِيدًا.

۲۴۲. الْحَيَاءُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي النِّسَاءِ أَحْسَنُ.

۲۴۳. ﴿قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ﴾

(۵۵ سؤال)

جملات ترکیبی و جدید

**مشاوره:** به جز آیات و احادیث کتاب که همواره بی تغییرند، سایر جملات را می‌توان عوض کرد، سپس جملات جدید و ترکیبی یا برگرفته از کتاب درسی**هستند،** یعنی عبارات کتاب را تغییر داده‌ایم و آن جمله شما را یاد قسمتی از کتاب درسی می‌اندازد و **یا کلاً جدید هستند** و با کلمات درس، جمله‌ای جدید ساخته‌ایم، یعنی چنین جمله‌ای را قبلاً ندیدید و فقط لغات آن برای شما آشنا است؛ در این حالت خیلی مراقب باشید که تمام نکات و تکنیک‌ها را رعایت کنید، پس اصلاً عجله نکنید و با حوصله جمله را بررسی و ترجمه نمایید، چون در معرض از دست دادن نمره هستید.

۲۴۴. لَا طَرِيقَةَ لَكُمْ لِلْعِبَادَةِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ أَنَّ التَّدْيِينَ فِطْرِيٌّ.

۲۴۵. لِئِنْقَاتِلَ تُجَارَ الْمَوْتِ لِأَنَّهُمْ يُحْمَلُونَ الْعَمَالَ مَا لَا يَنْتَفِعُونَ بِهِ.

۲۴۶. عِنْدَمَا رَأَى الظَّائِرُ جَنَاحَهُ الْمَكْسُورَ تَأَكَّدَ أَنَّهُ لَا يُنْقِذُ إِلَّا بِالطَّيْرَانِ.

۲۴۷. لَا دِينَ لِلْكَذَّابِ وَلَكِنَّهُ يَخْدَعُكَ أَنَّهُ الْمُهْتَمُّ بِهِ. +۲۰

۲۴۸. كَانَ الْحَنِيفُ يَعْبُدُ اللَّهَ وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّ الصِّدِّيقَ الْحَقِيقِيَّ هُوَ اللَّهُ. +۲۰

۲۴۹. الرُّسُومُ الْقَدِيمَةُ تَدُلُّ عَلَى الْإِهْتِمَامِ بِالذِّينِ. +۲۰

۲۵۰. لَعَلَّ الْبُنْيَانَ مَصْنُوعٌ مِنَ الْحَدِيدِ. +۲۰

۲۵۱. لَا يَرْحَمُكَ مَنْ لَا تَرْحَمُهُ. +۲۰

۲۵۲. إِنَّمَا الْعَاقِلُ مَنْ يُشَاهِدُ وَلَا يَتَكَلَّمُ. +۲۰

۲۵۳. يَجْعَلُ اللَّهُ التَّوْفِيقَ حَظَّنَا وَ نَصِيبَنَا فِي الْحَيَاةِ وَ يَعِينُنَا فِي آدَاءِ الْوَاجِبَاتِ.

۲۵۴. لَيْتَ النَّاسَ يَفْتَخِرُونَ بِحَيَاءٍ وَ عِفَافٍ وَ أَدَبٍ.

۲۵۵. النَّاسُ لَمْ يُخْلَقُوا مِنْ ذَهَبٍ بَلْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ.

۲۵۶. أَرْسَلَ اللَّهُ الْأَنْبِيَاءَ لِيُبَيِّنَ أَنَّهُ لَا يَتْرُكُ الْإِنْسَانَ سُدىً.

(شهریور ۱۴۰۲ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی)

(شبه‌نهایی فارس ۱۴۰۳)

(شبه‌نهایی فارس ۱۴۰۳)





٢٥٧. الآثارُ القَدِيمَةُ قد تُدَلُّ الإنسانَ على اِكْتِشافِ حَضارَتِهِ.

٢٥٨. لِنَعْقَلُ عَنِ شَعائِرِ الدِّينِ الخُرَافِيَّةِ لِتَجَنُّبِ مِنْ سُورِها.

٢٥٩. لِيَتَّ النَّاسُ كانوا نُقَادَ كَلامِهِم.

٢٦٠. قَدِ عُرِفَتِ الحَضارَاتُ لَنَا مِنْ جِلالِ الآثارِ المُكْتَشَفَةِ.

٢٦١. هذا الحَيوانُ مُفْتَرَسٌ ولا فِرارَ لِلْفَرِيسَةِ مِنْ خِدايِهِ.

٢٦٢. لا غايَةَ أَجْمَلَ مِنَ السَّلَامِ بَيْنَ العُبادِ.

٢٦٣. لِمَ كُنْتُمْ لا تُحْضِرُونَ القَوْمَ الكافِرِينَ لِلْمُحاكَمَةِ؟

٢٦٤. لا قِيمَةَ لِعِبادَةِ الأصنامِ.

٢٦٥. إِذا تَجَنَّبنا مِنَ التَّكْبِيرِ أَنارَ اللهُ قُلوبَنا.

٢٦٦. لا شَيْءَ أَنْفَعُ مِنَ العِلْمِ لِلْمُؤْمِنِ فَخُذُوهُ وَإِنْ كانَ عِنْدَ أَهلِ الباطِلِ.

٢٦٧. لَمَ يُعَلِّقُ إبراهيمُ (ع) فأسَهُ على كَتِفِ أَصْغَرَ الضَّنَمِ.

٢٦٨. لا ثِروَةَ كَتَواضَعِ قَلبِ المُؤْمِنِ.

٢٦٩. تَعَلَّمنا أَنَّ تَعَدَّدَ الأِلهَةِ في الأديانِ قد ازدادَ على مَرِّ العِصورِ.

٢٧٠. كانَتْ جَمِيعُ الأصنامِ تُكْتَسَرُ بِفأسِ إبراهيمِ (ع).

٢٧١. الطائِرُ يَخْمِي فِراخَهُ أَمامَ خِداعِ حَيوانٍ يَكُونُ قُرْبَها.

٢٧٢. لا نَفْعَ لِمُجالِسةِ الجُهاَلِ.

٢٧٣. لَمّا جاءَ الأَطْفالُ بالأخْشابِ قَدَّ فَوْها في النارِ.

٢٧٤. دَليْلُ السَّفْرةِ ما جاءَ إلى قاعةِ المِطارِ وكانَ السُّيَّاحُ يَنْتَظِرُونَهُ.

٢٧٥. لا عَمَلَ أَحْسَنُ مِنَ الصِّداقةِ.

٢٧٦. الكافِرونَ كانوا يَظُنُّونَ أَنَّ يُحَرِّقُ إبراهيمُ (ع) في النارِ.

٢٧٧. كانَ اللهُ قَدِ أَرْسَلَ أنبياءَهُ إلى الإنسانِ لِيبَيِّنوا صِراطَ اللهِ المُستَقِيمِ.

٢٧٨. لا غايَةَ لِمَنْ يَعيِشُ سُدًى.

٢٧٩. عَلينا الأَنْحَمَلُ مِشاكِنا على الأَخْرينِ.

٢٨٠. إِنْ نُحَدِّثِ النَّاسَ عَنِ أخلاقِ الكِبارِ الحَسَنَةِ سَيَتَعَلَّمُونَ مِواعِظَ قِيمَةٍ مِنْ سِلوَكِهِم.

٢٨١. لا انْشِراحَ لِلْمَحزُونِ في قَلْبِهِ.

٢٨٢. يا مَجيبَ الدَّعواتِ، أُنيرِ عَينِي بنورِ العِلْمِ.

٢٨٣. كانَ النَّاسُ يُقَدِّمُونَ كُلَّ قُرْبانٍ بِسَببِ خُرَافاتِهِم الدِّينيَّةِ.

٢٨٤. قَدِ يَخَسِبُ العُبادُ أَنَّ اللهُ يَنْتَرِكُهُم.

٢٨٥. مَنْ يَسِبُ الكُفَّارَ وَيَحزُنُهُم فَسَيَسبُوا رَبَّهُ.

٢٨٦. لا خَيرَ في السَّكوتِ أَمامَ الظَّلمِ.

٢٨٧. لِيَتَّ اللهُ يَمَلَأُ صَدْرِي انْشِراحاً و سَلاماً.

٢٨٨. قَدِ حاولتِ الفَرِيسَةُ لِتُنقِذَ حَياةَ فِراخِها.

٢٨٩. مَنْ يَعلَمُ أَنَّ طِينَهُ أَساسُ خِلقَتِهِ؟

٢٩٠. لِمَ تَسألونني عَنِ سَبيلِ لِكِسابِ رضا إِلِهي.

٢٩١. قَدِ تُحَمِّلُنِي أُمِّي مَسْؤُولِيَّةَ لا طاقَةَ لي بِها.

٢٩٢. سَوفَ نَحْمِي مَنْ يُريدونَ أَنْ يُنيرُوا الأَرْضَ بِالْعِلْمِ.



۲۹۳. لِيَعْلَمَ النَّاسُ قَدْرَ عَافِيَتِهِمْ، لَأَشِيءَ خَيْرًا مِنَ الْعَافِيَةِ.
۲۹۴. قَلْبِي الْمَكْسُورُ قَدْ تَأَكَّدَ أَنَّ الْحَيَاةَ خَالِيَةٌ مِنَ السَّلْمِ.
۲۹۵. النَّاسُ لَا يُسْتَبَوْنَ الْآخِرِينَ لِأَنَّ الْمَفْسَدَةَ سَوْفَ تُضِيْعُهُمْ.
۲۹۶. أَسْأَلُ الْبَرَامِجَ لِلْأَطْفَالِ مَا لَا يُعِيْثُهُمْ فِي آدَاءِ الْوَاجِبَاتِ.
۲۹۷. لَا تَنْظُنُّوا أَنَّ إِبْرَاهِيمَ مُكَسَّرُ الصَّنَمِ الْكَبِيرِ.
۲۹۸. إِنَّمَا إِبْرَاهِيمُ (ع) كَانَ قَدْ قَصَدَ هِدَايَةَ قَوْمِهِ.

(۳۱ سؤال)

انتخاب ترجمه درست



مشاوره: معمولاً نیم نمره (۵/۱۰)، یعنی دو سؤال از این مدل داریم و نکته جالب توجه و حساس آن است که این سؤالات معمولاً فنی هستند و با یک نکته ترجمه‌ای و فوت‌وفن قابل‌حل‌اند؛ بنابراین بر اساس قضاوت ذهنی خود و اطلاعات قبلی حرکت نکنید و ببینید با چه جمله‌ای طرف هستید؟ عوض شده یا نه؟ تکنیکش چیست؟ پس باز هم توصیه می‌کنیم که حوصله به خرج دهید و **حتماً دو گزینه را بخوانید** و در انتخاب عجله نکنید، چراکه این مدل به‌طور کلی فنی و حساس است و از انواع نکات (زمان‌ها، ساختارها و ...) و ریزه‌کاری‌ها در آن استفاده می‌شود.

۱۵) اِنْتَجِبِ التَّرْجُمَةَ الصَّحِيْحَةَ:

۲۹۹. «لَا تَسْتَبُوا النَّاسَ فَتَكْتَسِبُوا الْعِدَاوَةَ بَيْنَهُمْ»:

- الف) به مردم دشنام ندهید، زیرا دشمنی را میان آن‌ها به دست می‌آورید.
- ب) به مردم دشنام نمی‌دهید، زیرا دشمنی را میانشان به دست می‌آورید.

۳۰۰. «مَا قُلْتُ كَلِمَةً: لِأَنِّي كُنْتُ لَا أَعْرِفُ شَيْئًا عَنِ الْمَوْضُوعِ»:

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی یازدهم)

- الف) کلمه‌ای نگفتم زیرا چیزی درباره موضوع نمی‌دانستم.
- ب) کلمه‌ای نمی‌گویم برای اینکه چیزی درباره موضوع نمی‌دانم.

۳۰۱. «الْفَلَاحُونَ لَنْ يَجْمَعُوا مَحَاصِلَهُمْ»:

(خرداد ۱۴۰۳ فنی و حرفه‌ای)

- الف) جمع نکردند
- ب) جمع نخواهند کرد
- ج) جمع نمی‌کنند

۳۰۲. «أَخَوَاتِي لَمْ يَأْكُلْنَ الطَّعَامَ فِي الْمَطْعَمِ»:

(خرداد ۱۴۰۳ فنی و حرفه‌ای)

- الف) نخوردند
- ب) نمی‌خورند
- ج) نخواهند خورد

۳۰۳. «وَأَفَقَّ الْأَسْتَاذُ أَنْ يُؤَجَّلَ الْإِمْتِحَانُ»:

(خرداد ۱۴۰۳ یازدهم)

- الف) که به تأخیر اندازد.
- ب) باید به تأخیر بیندازد
- ج) به تأخیر خواهد انداخت

۳۰۴. «لَنْ تَوَاجِهَ الْمَشَاكِلَ»:

(خرداد ۱۴۰۳ یازدهم)

- الف) روبه‌رو نمی‌شوی
- ب) روبه‌رو نخواهی شد
- ج) تا روبه‌رو نشوی

۳۰۵. «لِنَسْتَمِعَ إِلَى كَلَامِ الْحَقِّ»:

(خرداد ۱۴۰۳ یازدهم)

- الف) باید گوش دهیم
- ب) تا گوش بدهیم
- ج) گوش خواهیم داد

۳۰۶. «أَوْ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ»:

(خرداد ۱۴۰۳ یازدهم)

- الف) نمی‌دانستند
- ب) نمی‌دانند
- ج) ندانسته‌اند

۳۰۷. «قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ»:

پُرْتِكْرَار (خرداد ۹۸ و دی ۹۹ انسانی)

- الف) گفتند هیچ دانشی نداریم بی‌گمان تو بسیار دانای نهان‌ها هستی.
- ب) بگویند هیچ دانشی برای ما نیست بی‌گمان تو دانا به نهان‌ها هستی.

۳۰۸. «... لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا...»:

(شهریور ۱۴۰۲)

- الف) جز آنچه به ما آموخته‌ای، هیچ دانشی نداریم.
- ب) هیچ دانشی جز آنچه آموخته بودیم، نداشتیم.

۳۰۹. «فَيَتَّبِعُ الْحَيَوانُ الْمُفْتَرِشَ هَذِهِ الْفَرِيْسَةَ، وَ يَتَّبِعُ عَنِ الْعُشِّ كَثِيْرًا»:

- الف) و حیوان درنده این شکار را تعقیب می‌کند و از لانه بسیار دور می‌شود.
- ب) پس حیوان درنده شکار را تعقیب کرده و از لانه‌اش بسیار دور می‌شود.



۳۱۰. «لَمْ يَحْضُرِ الْمُعَلِّمُ فِي الصَّفِّ الْيَوْمَ كَأَنَّهُ مَرِيضٌ»:

- الف) معلّم در کلاس، امروز حضور نیافت، چون که بیمار شده است.
 ب) آموزگار، امروز در کلاس حاضر نشد، گویی او بیمار است.

(خرداد ۹۹ انسانی)

۳۱۱. «إِزْدَادَ عَدَدُ الْبُومَاتِ فِي الْمَرْزَعَةِ»:

- الف) تعداد جغدها در مزرعه زیاد شدند.
 ب) تعداد جغدها را در مزرعه زیاد کرد.

(خرداد ۱۴۰۲ انسانی)

۳۱۲. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اغْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ...»:

- الف) ای مردم! پروردگارتان را بپرستید که شما را آفرید.
 ب) مردم، پروردگار خودتان که شما را می آفریند، عبادت کنید.

پُر تکرار (دی ۹۸، شهریور ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲)

۳۱۳. «لَا يَحْزُنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»:

- الف) گفتارشان نباید تو را غمگین کند، زیرا ارجمندی همه از آن خداست.
 ب) گفتارشان تو را غمگین نمی کند، زیرا ارجمندی برای خداست.

(خرداد ۹۸ انسانی)

۳۱۴. «يَمَلَأُ اللَّهُ الدُّنْيَا سَلَامًا شَامِلًا فِي كُلِّ الْجِهَاتِ»:

- الف) خدایا دنیا را از آشتی گسترده و همه جانبه پر کن.
 ب) خداوند دنیا را از صلحی فراگیر در همه جهت ها پر می کند.

(شهریور ۱۴۰۱ انسانی)

۳۱۵. «لَمْ يَقْبَلْ هَذَا الْوَالِدُ بِنْتَهُ»:

- الف) این پدر، دختر خود را نمی بوسد.
 ب) این پدر، دخترش را نبوسید.

۳۱۶. «لَمَّا رَجَعَ النَّاسُ، شَاهَدُوا أَضْنَامَهُمْ مُكْسَّرَةً فَجَاءَهُ»:

- الف) هنگامی که مردم برگشتند ناگهان بت هایشان را شکسته دیدند.
 ب) وقتی که مردم برگشتند ناگهان بت های شکسته شان را دیدند.

(دی ۹۸ انسانی)

۳۱۷. «اللَّهُ عَفَّارُ الدُّنُوبِ وَ عَلَامُ الْغُيُوبِ»:

- الف) خداوند بسیار آمرزنده گناهان و بسیار دانای نهان هاست.
 ب) خداوند آمرزنده گناه و داناترین به علم غیب است.

۳۱۸. «قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنْ سِيَرَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَ صِرَاعِهِمْ مَعَ أَقْوَامِهِمُ الْكَافِرِينَ»:

- الف) [ما] از قرآن کریم درباره سرگذشت پیامبران و مبارزه هایشان با قوم های کافرشان صحبت کرده ایم.
 ب) قرآن کریم با ما درباره سرگذشت پیامبران و مبارزه شان با اقوام کافر خود صحبت کرده است.

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی)

۳۱۹. «لَا تَجْتَمِعُ خَصَلَتَانِ فِي الْمُؤْمِنِ: الْبُخْلُ وَ الْكِبْدُ»:

- الف) دو ویژگی در مؤمن جمع نمی شود: بخل و دروغ.
 ب) دو ویژگی در مؤمن نباید جمع شود: بخل و دروغ گفتن.

(خرداد ۹۸)

۳۲۰. «لَا فِرَازَ مِنْهُ؛ لِأَنَّهُ قَسَمَ مِنْ حَيَاتِهَا»:

- الف) هیچ گریزی از آن نیست، زیرا بخشی از زندگی اش است.
 ب) او راه فراری ندارد، زیرا آن قسمتی از زندگی است.

(دی ۱۴۰۲ انسانی)

۳۲۱. «لَا يَحْزُنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»:

- الف) گفتارشان تو را اندوهگین نکند، زیرا ارجمندی همه از آن خداست.
 ب) گفتار آن ها تو را ناراحت نمی کند، همه ارجمندی ها از آن خداست.

(شبه نهایی کشوری ۱۴۰۳ دهم)

۳۲۲. «الظَّلَابُ كَانُوا يَكْتُبُونَ دُرُوسَهُمْ بِدَقَّةٍ»:

- الف) دانش آموزان تمرین هایشان را با دقت نوشته بودند.
 ب) دانش آموزان تمرین هایشان را با دقت می نوشتند.

(خرداد ۹۹)

۳۲۳. «إِزْدَادَتْ هَذِهِ الْخُرَافَاتُ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ»:

- الف) این خرافات در دین مردم در زمان های مختلف زیاد می شود.
 ب) این خرافات در دین های مردم در گذر زمان افزایش یافت.

(دی ۹۹)

۳۲۴. «عِنْدَمَا يَتَأَكَّدُ الظَّالِمُ مِنَ خِدَاعِ العَدُوِّ وَ إنْقَادِ فِرَاحِهِ، يَطِيرُ»:

- الف) هنگامی که پرنده از فریب دشمن و نجات جوجه هایش مطمئن می شود، پرواز می کند.
 ب) هنگامی که پرنده از فریب دشمنان و نجات زندگی جوجه هایش مطمئن می شود، پرواز می کند.



(خرداد ۱۴۰۰)

 الف) جواب داد: چرا از من می پرسید، از بت بزرگ بپرسید.

(خرداد ۱۴۰۳ یازدهم)

پُر تکرار (دی ۱۴۰۰، خرداد ۱۴۰۲)

 الف) ای کاش بار دیگر به حج می رفتم.

(خرداد ۱۴۰۱)

 الف) بلکه آنان را دیدی که از تکه گلی خلق شده اند.

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی)

 الف) انفجار آزمایشگاه اراده صاحبش را ضعیف نمی کند.

۳۲۵. «أَجَابَ لِمَ تَسْأَلُونَنِي؟ إِسْأَلُوا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ»:

 الف) جواب داد: از من نپرسید، از بت بزرگ بپرسید.

۳۲۶. «إِرْضَاءَ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرِكُ»:

 الف) راضی ساختن مردم هدفی است که به دست آورده نمی شود. ب) راضی شدن مردم هدفی است که به دست نمی آوری.

۳۲۷. «يَا لَيْتَنِي أَذْهَبُ إِلَى الْحَجِّ مَرَّةً أُخْرَى»:

 الف) ای کاش یک بار دیگر به حج بروم.

۳۲۸. «بَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ»:

 الف) بلکه آنان را می بینی از تکه گلی آفریده شده اند.

۳۲۹. «لَمْ يُضْعِفِ انْفِجَارُ الْمُخْتَبِرِ عِزْمَ صَاحِبِهِ»:

 الف) انفجار آزمایشگاه اراده صاحبش را ضعیف نکرد.

(۲۵ سؤال)

پر کردن جای خالی در ترجمه

مشاوره: به طور ثابت یک نمره دارد، یعنی چهار جای خالی را در ترجمه جمله باید پر کنید که هر کدام ۰/۲۵ است. معمولاً این عبارات از خود جملات کتاب درسی هستند و تغییری در آن ها صورت نمی گیرد، اما خُب بدیهی است که از جملات پر نکته ترو فنی تر سؤال طرح می شود. مثلاً ممکن است جای خالی بر اساس یک نکته قواعدی مؤثر در ترجمه تکمیل شود. مثل مضارع التزامی ترجمه شدن فعل های مضارع بعد از «لیت» و «لقل».

۱۶) أكمل الفراغات بالترجمة المناسبة:

(شبه نهایی ۱۴۰۳)

۳۳۰. «إِنَّا جَعَلْنَا قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»:

به راستی ما قرآن را به زبان عربی شاید که شما

(خرداد ۱۴۰۱)

۳۳۱. «قَالُوا خَرَّقُوهُ وَأَنْصُرُوا آلِهَتَكُمْ»:

گفتند: او را و خدایانان را

(خرداد ۱۴۰۲ انسانی)

۳۳۲. «لَا يَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ لَا يَرْحَمُ النَّاسَ»:

خداوند به به مردم رحم نمی کند.

۳۳۳. «يَخْمِي جُنُودَنَا الْبِلَادَ مِنْ شُرُورِ الْحَادِثَاتِ»:

سربازان ما، سرزمین ها را از ناگوار

(خرداد ۱۴۰۰ انسانی)

۳۳۴. «لَا كَنْزَ أَغْنِي مِنَ الْقَنَاعَةِ»:

هیچ گنجی از قناعت

۳۳۵. «بَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ..... هل يسوي لحم و عظم و عصب؟»:

بلکه آنان را می بینی از گلی آیا به جز گوشت و و بی اند؟

۳۳۶. «لَا تَغْضَبْ، فَإِنَّ الْغَضَبَ مَفْسَدَةٌ»:

..... ، زیرا خشم مایه تباهی است.

(دی ۹۹ انسانی)

۳۳۷. «فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»:

و این روز است ولی شما

(شهریور ۹۸)

۳۳۸. «وَلَا يَحِزُّنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»:

گفتارشان نباید تو را ، زیرا ارجمندی همه از آن خداست.



پُرْتِکَرار (دی ۹۸ و شهریور ۱۴۰۰ انسانی)

۳۳۹. «رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ»:

پروردگارا، آنچه توانش را هیچ بر ما

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی)

۳۴۰. «قَدْ يَتَّبِعُ الظَّالِمُ مِنْ عَشِيهِ لِيَتَّقِدَ حَيَاةَ فِرَاحِهِ ثُمَّ يَطِيرُ بَغْتَةً»:

گاهی پرنده از لانه اش دور می شود تا زندگی جوجه هایش را سپس پرواز می کند.

(شهریور ۱۴۰۲)

۳۴۱. «لَا تَطْعِمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ»:

از آنچه به نیازمندان

۳۴۲. «الْخَضَارَاتُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ وَتَدُلُّ عَلَى أَنَّهُ فَطْرِيٌّ فِي وُجُودِهِ»:

تمدن ها به انسان به دین تأکید می کنند و بر اینکه آن [دین] در وجود او ذاتی است

(خرداد ۱۴۰۱ انسانی)

۳۴۳. «عِنْدَمَا يَتَأَكَّدُ الظَّالِمُ مِنَ خِدَاعِ العَدُوِّ يَطِيرُ بَغْتَةً طَيْرَانًا سَرِيعًا»:

وقتی پرنده از نیرنگ زدن به دشمن ناگهان پرواز می کند.

(شهریور ۱۴۰۲ انسانی)

۳۴۴. «يَتَّبِعُ الْخِيَوَانُ الْمُفْتَرِشَ هَذِهِ الْفَرِيَسَةَ وَ يَتَّبِعُ عَنِ العَشِّ ائْتِعَادًا كَثِيرًا»:

جانور این شکار را تعقیب می کند و از لانه بسیار

(شهریور ۱۴۰۲ انسانی)

۳۴۵. «قَدْ مَلَأَ اللهُ صَدْرَنَا اَنْشِرَاحًا»:

خداوند ما را از شادمانی

پُرْتِکَرار (خرداد ۹۸ انسانی، شهریور ۱۴۰۲ و شبه نهایی کشوری ۱۴۰۳ دهم)

۳۴۶. «يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ ثَرِيًّا»:

و کافر می گوید من بودم.

(خرداد ۹۸)

۳۴۷. «كَأَنَّ اِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرِكُ»:

..... خشنود ساختن همه مردم هدفی است که

(خرداد ۹۸)

۳۴۸. «وَ اَمَلًا الدُّنْيَا سَلَامًا / شَامِلًا كُلِّ الْجِهَاتِ»:

دنیا را از فراگیر در همه جهت ها

۳۴۹. «لِذَلِكَ اَرْسَلْنَا اِلَيْكُمْ اَنْبِيَاءً فَلْيَتَّبِعُوا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ وَ الدِّينَ الْحَقَّ لَكُمْ»:

به همین خاطر را به سویتان فرستادیم پس راه راست و دین حق را برایتان

پُرْتِکَرار (خرداد ۹۹، شهریور ۱۴۰۰)

۳۵۰. «وَ اَمَلًا الصِّدْرَ اَنْشِرَاحًا / وَ قَمِي بِالْبَسْمَاتِ»:

و سینه را از و دهانم را با پر کن.

(خرداد ۹۹)

۳۵۱. «تَمَنَّى الْمُزَارِعُ: لَيْتَ الْمَطَرُ يَنْزِلُ كَثِيرًا»:

کشاورز ، باران زیاد ببارد.

۳۵۲. «اِنَّمَا النَّجَاحُ بِالسَّعْيِ وَ لَكِنْ لَيْسَتْ لَكَ مُحَاوَلَةٌ»:

موفقیت با تلاش است ولی تو تلاشی

پُرْتِکَرار (دی ۱۴۰۱ و شهریور ۹۹)

۳۵۳. «خَضَرَ الشَّيَاحُ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ لَكِنَّ الدَّلِيلَ لَمْ يَحْضُرْ»:

گردشگران در سالن حاضر شدند، ولی حاضر نشد.

(شهریور ۹۹)

۳۵۴. «وَ اَعْنَى فِي دَرُوسِي وَ اَدَاءِ الْوَاجِبَاتِ»:

و را در درس هایم و انجام تکالیف

ترجمه انواع فعل و اسم (سؤال ۱۲۵)

(۴۸ سؤال)

نوشتن ترجمه درست



مشاوره: یکی از چالش‌ترین قسمت‌های امتحان، همواره ترجمه انواع فعل است که دو نمره را به خود اختصاص می‌دهد، پس شما باید ۸ فعل را ترجمه کنید؛ در این باره به زمان‌های مختلف مثلاً انواع ماضی‌ها (ساده، نقلی، بعید، استمراری) انواع مضارع، آینده، مثبت، منفی بودن فعل و... بسیار دقت کنید و همچنین از صیغه فعل‌ها غافل نشوید، چراکه هر مورد ۰/۲۵ دارد، پس اگر زمان را درست بنویسید و صیغه را غلط، هیچ نمره‌ای نمی‌گیرد. توصیه می‌کنیم که حتماً کل جمله را بخوانید و صرفاً روی فعل تمرکز نکنید، زیرا با استفاده از جمله می‌توان به صیغه فعل یا نوع آن پی برد پس حتماً فعل را براساس جمله ترجمه کنید. مثلاً در جمله «اجتمع الزملاء» فعل مامفرد است ولی به خاطر فاعلش که جمع است، به شکل جمع ترجمه می‌شود (هم کلاسی‌ها جمع شدند)، ضمناً در تمارین این قسمت از ترجمه انواع اسم هم سؤال داریم، در مواجهه با آن‌ها کافی است نوع اسم را شناسایی کنید که اسم فاعل است یا مفعول و... و براساس نکاتی که قبلاً بررسی کرده‌ایم، اسم مورد نظر را ترجمه کنید. البته در امتحان نهایی ترجمه انواع اسم در یک بخش دیگر می‌آید، ولی ما در اینجا جهت تمرین بیشتر و تثبیت مطالب، از آن‌ها سؤال داده‌ایم.

۱۷ ترجم الأفعال و الأسماء:

۳۵۵. سأل (سؤال کرد)

الف) أنتم لم تسألوني؟

۳۵۶. اجتهد (تلاش کرد)

الف) الطلاب قد يجتهدون في الصف:

۳۵۷. أكرم (گرامی داشت)

الف) أكرموا الشهداء:

۳۵۸. خرج (خارج شد)

الف) لم يخرج من البيت:

ج) هو قد خرج من المدرسة:

۳۵۹. لعب (بازی کرد)

الف) لا تلعب تلميذة ذكية في الصف:

۳۶۰. تظاهر (و انمود کرد)

الف) لا يتظاهر الصادق بالكذب:

ج) ما تظاهرت بالضعف عند المشاكل:

۳۶۱. كتبت (نوشت)

الف) أيها الطلاب، اكتبوا واجباتكم:

۳۶۲. شاهد (مشاهده کرد)

الف) لن يشاهد:

ج) شاهد المناظر الجميلة:

۳۶۳. تقرب (نزدیک شد)

الف) لن يتقرب:

۳۶۴. عفر (آمرزید)

الف) المغفور:

ج) لا يغفر المخطئ:

۳۶۵. حمد (ستود)

الف) الحامد:

(خرداد ۱۴۰۲)

ب) سُئِلَ المدير: أفي المدرسة طالب؟

(خرداد ۱۴۰۲)

ب) هي لم تجتهد في دروسها:

(خرداد ۱۴۰۲)

ب) لئكرم والدينا:

(شهریور ۱۴۰۰)

ب) لا تخرجوا من الصف:

د) المخرج من المصنع:

(دی ۱۴۰۱ انسانی)

ج) قد يلعب الطفل في العرة:

ب) كانوا قد لعبوا في الحديقة:

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی)

ب) لا تتظاهروا بالمرض عند الامتحان:

(خرداد ۱۴۰۳ فنی و حرفه‌ای)

ج) الوالدان لن يكتبوا شيئاً:

ب) سنكتب رسالة لصدقينا:

(شهریور ۹۸)

ب) أشاهد:

د) المشاهدة:

(دی ۹۹)

ج) كان يتقرب:

ب) لا تتقربوا:

(پرتکرار (دی ۹۹ و ۱۴۰۰))

ب) العفار:

د) قد عفر الله عبده:

ب) المحمود:



مشاوره: این قسمت به نوعی زیرمجموعه ترجمه انواع فعل و اسم است، ولی صرفاً بر پایه زمان فعل نیست، بلکه نکات مختلفی مثل افعال شبیه به هم، صیغه فعل‌ها و... در آن‌ها مورد توجه است که به‌طور کلی این بخش را جذاب و چالشی می‌کند، پس با حوصله و دقت نظر به آن‌ها پاسخ دهید.

۱۸) اِنْتِخِبِ التَّرْجُمَةَ الْمُنَاسِبَةَ لِلْأَفْعَالِ وَ لِلْأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ :

- | | | |
|---|---|--|
| <input type="checkbox"/> ۴-۳. عَفَرْنَا: | <input type="checkbox"/> الف) بخشیدیم | <input type="checkbox"/> ب) طلب بخشش کردیم |
| <input type="checkbox"/> ۴-۴. إِغْفِرِي: | <input type="checkbox"/> الف) ببخش | <input type="checkbox"/> ب) مرا ببخش |
| <input type="checkbox"/> ۴-۵. الْغَافِرُ: | <input type="checkbox"/> الف) آمرزش خواهنده | <input type="checkbox"/> ب) بخشنده |
| <input type="checkbox"/> ۴-۶. قَدْ تَغْفِرُ: | <input type="checkbox"/> الف) بخشیده است | <input type="checkbox"/> ب) شاید ببخشد |
| <input type="checkbox"/> ۴-۷. لَعَلَّهُمْ يَغْفِرُونَ: | <input type="checkbox"/> الف) شاید بخشیده باشند | <input type="checkbox"/> ب) امید است که ببخشند |
| <input type="checkbox"/> ۴-۸. لَمَّا اسْتَغْفَرْتُ: | <input type="checkbox"/> الف) هنگامی که طلب بخشش کردم | <input type="checkbox"/> ب) طلب آمرزش نکرده‌ام |
| <input type="checkbox"/> ۴-۹. كُنْتُ تَسْتَغْفِرُ: | <input type="checkbox"/> الف) طلب آمرزش کرده بودی | <input type="checkbox"/> ب) طلب آمرزش می‌کردی |
| <input type="checkbox"/> ۴-۱۰. اسْتَغْفِرَنَّ: | <input type="checkbox"/> الف) طلب بخشش کنید | <input type="checkbox"/> ب) طلب بخشش کردند |
| <input type="checkbox"/> ۴-۱۱. الْجَالِسُ: | <input type="checkbox"/> الف) نشسته | <input type="checkbox"/> ب) هم نشین |
| <input type="checkbox"/> ۴-۱۲. لَمْ تَجْلِسِي: | <input type="checkbox"/> الف) برای چه می‌نشینید | <input type="checkbox"/> ب) ننشستید |
| <input type="checkbox"/> ۴-۱۳. لَمَّا جَلَسْتِ: | <input type="checkbox"/> الف) ننشسته‌ای | <input type="checkbox"/> ب) وقتی نشستی |
| <input type="checkbox"/> ۴-۱۴. لَمْ يُجَالِسَنَّ: | <input type="checkbox"/> الف) هم نشینی نکردند | <input type="checkbox"/> ب) برای چه می‌نشینند |
| <input type="checkbox"/> ۴-۱۵. جُلُوسُ: | <input type="checkbox"/> الف) هم نشینی کردن | <input type="checkbox"/> ب) نشستن |
| <input type="checkbox"/> ۴-۱۶. الْإِجْلَاسُ: | <input type="checkbox"/> الف) نشاندن | <input type="checkbox"/> ب) نشستن |
| <input type="checkbox"/> ۴-۱۷. كُنَّا نَجْلِسُ: | <input type="checkbox"/> الف) می‌نشستیم | <input type="checkbox"/> ب) می‌نشینیم |
| <input type="checkbox"/> ۴-۱۸. لَمْ تَكُنْ قَدْ جَلَسْتَ: | <input type="checkbox"/> الف) ننشسته بود | <input type="checkbox"/> ب) نشسته است |
| <input type="checkbox"/> ۴-۱۹. الْمُجَلِّسُ: | <input type="checkbox"/> الف) نشانده شده | <input type="checkbox"/> ب) نشسته |
| <input type="checkbox"/> ۴-۲۰. أَجْلِسُوا: | <input type="checkbox"/> الف) نشانند | <input type="checkbox"/> ب) بنشانید |
| <input type="checkbox"/> ۴-۲۱. الْمُسْتَرْجِعُ: | <input type="checkbox"/> الف) پس‌گیرنده | <input type="checkbox"/> ب) پس‌گرفته شده |
| <input type="checkbox"/> ۴-۲۲. لَمْ يَرْجَعْ: | <input type="checkbox"/> الف) چرا برمی‌گردد | <input type="checkbox"/> ب) برنگشت |
| <input type="checkbox"/> ۴-۲۳. كَانُوا يَرْجِعُونَ: | <input type="checkbox"/> الف) برمی‌گشتند | <input type="checkbox"/> ب) برگشته بودند |
| <input type="checkbox"/> ۴-۲۴. لَقَدْ رَجَعْنَا: | <input type="checkbox"/> الف) قطعاً برگشته‌ایم | <input type="checkbox"/> ب) برگشتیم |
| <input type="checkbox"/> ۴-۲۵. قَدْ تَسْتَرْجِعِينَ: | <input type="checkbox"/> الف) شاید پس‌گیری | <input type="checkbox"/> ب) گاهی پس‌می‌گیرید |
| <input type="checkbox"/> ۴-۲۶. لَمْ يَسْتَرْجِعَنَّ: | <input type="checkbox"/> الف) پس نگرفتند | <input type="checkbox"/> ب) چرا پس‌می‌گیرند |
| <input type="checkbox"/> ۴-۲۷. لَيْتَهُ اسْتَرْجَعَ: | <input type="checkbox"/> الف) کاش پس‌می‌گرفت | <input type="checkbox"/> ب) کاش پس‌بگیرد |
| <input type="checkbox"/> ۴-۲۸. شَاهِدْنَا: | <input type="checkbox"/> الف) ما را دید | <input type="checkbox"/> ب) دیدیم |
| <input type="checkbox"/> ۴-۲۹. لِيَتَكْتَبَ: | <input type="checkbox"/> الف) برای اینکه بنویسی | <input type="checkbox"/> ب) باید بنویسی |
| <input type="checkbox"/> ۴-۳۰. كُنَّ كَتَبْنَ: | <input type="checkbox"/> الف) نوشته بودند | <input type="checkbox"/> ب) نوشتند |
| <input type="checkbox"/> ۴-۳۱. سَوْفَ تُكَاتِبِينَ: | <input type="checkbox"/> الف) نامه‌نگاری خواهید کرد | <input type="checkbox"/> ب) خواهند نوشت |
| <input type="checkbox"/> ۴-۳۲. لِيَتَكْتَبَ: | <input type="checkbox"/> الف) باید بنویسیم | <input type="checkbox"/> ب) تا بنویسیم |
| <input type="checkbox"/> ۴-۳۳. يُعَلِّمُ: | <input type="checkbox"/> الف) می‌داند | <input type="checkbox"/> ب) دانسته می‌شود |
| <input type="checkbox"/> ۴-۳۴. الْمُتَعَلِّمُ: | <input type="checkbox"/> الف) یادگیرنده | <input type="checkbox"/> ب) آموزش‌دهنده |

۴۳۵. الْمُعَلَّمُونَ: الف) یادگرفته‌ها
۴۳۶. أُعْلِمَ: الف) می‌دانم
۴۳۷. قَدْ نَعَلِمُ: الف) شاید بدانیم
۴۳۸. كَانَ الْأَسَاتِيدُ قَدْ عَلِمُوا: الف) اساتید دانسته‌اند
۴۳۹. تَعَلَّمِي: الف) یاد بده
۴۴۰. الذَّاكِرُ: الف) به یادآورنده
۴۴۱. تَذَكَّرُ: الف) به یاد می‌آوری
۴۴۲. لَنْ تَتَذَكَّرُوا: الف) هرگز به یاد نمی‌آورید
۴۴۳. قَدْ تَذَكَّرْنَا: الف) گاهی به یاد می‌آوریم
۴۴۴. كَانَتْ قَدْ ذَكَرْتُ: الف) یاد کرده بود
۴۴۵. أَلَا تَذَكَّرُوا: الف) تا یاد نکنید
۴۴۶. لِأَذْكُرُ: الف) باید یاد کنم
- ب) یاددهندگان
- ب) آموزش می‌دهم
- ب) شاید دانسته باشیم
- ب) اساتید دانسته بودند
- ب) یاد بگیر
- ب) یادکننده
- ب) به یاد آوردن
- ب) به یاد نخواهید آورد
- ب) به یاد آورده‌ایم
- ب) یاد می‌کرد
- ب) هان! یاد کنید
- ب) تا یاد کنم

(۳۳ سؤال)

درک مطلب

مشاوره: معمولاً ۴ سؤال یعنی یک نمره از درک مطلب سؤال داریم که تکیه اصلی آن‌ها بر **کلمات پرسشی** است. مثلاً باید بدانید در جواب به «لماذا» از «به» یا «لأن» استفاده می‌کنیم و یا در پاسخ به «این» قید مکان می‌آوریم و ... پس حتماً دقت کنید که به سؤالات، دقیق پاسخ دهید و مثلاً نباید یک خط را در جواب بنویسید، بلکه فقط همان بخشی را که از شما می‌خواهند، بنویسید. ضمناً **متن‌های درک مطلب در گذشته عین متن کتاب بود**، ولی رفته‌رفته **متون امتحان نهایی تغییر کردند** و اخیراً (۱۴۰۲ و ۱۴۰۳) **متن‌ها کاملاً خارج از کتاب هستند** و فقط با لغات کتاب ساخته شده‌اند، یعنی آن متن برای شما آشنا نیست و داستانش را نشنیده‌اید، پس باید دقیق و با حوصله آن را بخوانید.

۱۹) اقرأ النصوص التالية ثم أجب عن الأسئلة:

«يَتَعَضُّ الْأَوْلَادُ أَخًا أَوْ أُخْتًا مِنَ الرِّضَاعَةِ (شیرخوارگی) لَيْسُوا مِنْ أُمَّ وَاحِدَةٍ. هَوْلَاءِ الْإِخْوَانُ وَالْأَخَوَاتُ يَلْعَبُونَ مَعًا فِي صِغَرِ بَسْنِهِمْ، وَ هُمْ كَالْأَصْدِقَاءِ. وَ عِنْدَمَا يُوَاجِهُونَ مُشْكِلَةً يَتَعَاوَنُونَ عَلَى حَلِّهَا. هَذِهِ الْمُسَاعَدَةُ تُسَبِّبُ التَّعْزِيزَ الْعِلَاقَاتِ (تحکیم روابط) بَيْنَهُمْ.» (خرداد ۱۴۰۳ انسانی)

۴۴۷. ماذا يفعل الأولاد عند مواجهة مشكلة؟

۴۴۸. متى يلعب الأولاد معاً؟

۴۴۹. ما هي نتيجة مساعدة الأولاد؟

۴۵۰. عَيَّنَ الصَّحِيحَ حَسَبَ النَّصِّ:

 ب) الأولاد من الرضاعة ليسوا من أم واحدة. الف) لعب الأولاد ليس له دور في الصداقة بينهم.

«الدَّالْفِيُّنَ مِنْ عَجَائِبِ خَلْقِ اللَّهِ فِي الْبِحَارِ. وَزَنُّهُ يَبْلُغُ ضِعْفِي وَزَنِ الْإِنْسَانِ تَقْرِيْبًا. لَهُ دَوْرٌ مُهِمٌّ فِي حَيَاةِ الْإِنْسَانِ فِي الْحَرْبِ وَ السَّلْمِ. وَ هُوَ مُنْقِذُ الْإِنْسَانِ مِنَ الْخَطَرِ فِي الْبَحْرِ أحياناً. كَذَلِكَ يَتَكَلَّمُ بِاسْتِخْدَامِ أَصْوَاتٍ مُعَيَّنَةٍ. سَمَكَ الْقِرْشِ عَدُوُّهُ. هُوَ يَقْتُلُ سَمَكَ الْقِرْشِ بِأَنْفِهِ الْحَادِّ.» (خرداد ۱۴۰۳ انسانی)

۴۵۱. كَيْفَ يَتَكَلَّمُ الدَّالْفِيُّنَ؟

۴۵۲. مَنْ يُسَاعِدُ الْإِنْسَانَ فِي الْبَحْرِ؟

۴۵۳. عَيَّنَ الصَّحِيحَ وَ الْخَطَأَ حَسَبَ النَّصِّ:

الف) يُقْتَلُ الدَّالْفِيُّنَ بِالْأَنْفِ الْحَادِّ.

ب) وَزَنُ الْإِنْسَانِ أَقْلُ مِنْ وَزَنِ الدَّالْفِيِّنِ.

«عند الخطر تلجأ بعض الطيور إلى حيل لطردهم فترسها عن عشيها، ومن هذه الحيل أن أخذ الطيور يتظاهرن أمام مفترسه بأن جناحه مكسور ويتبعد المفترس عن عشيها.»

(خرداد ۹۸ انسانی)

۴۷۲. من تلجأ إلى الحيل؟

۴۷۳. متى تلجأ بعض الطيور إلى الحيل؟

۴۷۴. لماذا تلجأ بعض الطيور إلى الحيل؟

۴۷۵. أين يتظاهرن الطائر بأن جناحه مكسور؟

«كان والد ألفريد قد أقام مصنعا للسائل السريع الانفجار، لذلك نوبل إهتم منذ صغره بمادة الديناميت التي لا تنفجر إلا بإرادة الإنسان و عمل على تطويرها (بهينه سازی) مجدداً، ليمنع انفجارها. بنى مختبراً صغيراً ليجري فيه تجاربه، ولكن مع الأسف انفجر المختبر وانهدم على رأس أخيه الأصغر وقتله.»

(شهریور ۹۸ انسانی)

۴۷۶. كيف عمل ألفريد على تطوير مادة الديناميت؟

۴۷۷. لماذا بنى ألفريد المختبر الصغير؟

۴۷۸. على رأس من انهدم المختبر؟

۴۷۹. من كان قد أقام المصنع؟

قواعد دوازدهم (۸۴ سؤال)

(۵۳ سؤال)

شناخت و کاربرد حروف مشبّهة بالفعل



مشاوره: نکته جالب و شاید شوکه کننده از قواعد دوازدهم این است که معمولاً از قواعد هر درس بیشتر از نیم نمره سؤال نداریم و عملاً در بهترین حالت، ۲ نمره از کل قواعد دوازدهم در امتحان نهایی خرداد (پایان ترم) سؤال می آید. در اینجا نیز شما در بخش های مختلف با حروف مشبّهة و کاربرد معنایی آنها و سپس «لا» نفی جنس آشنا می شوید.

۲۰. عین الحروف المشبّهة بالفعل و ترجمهها:

۴۸۰. «لا تحزن إن الله معنا»

۴۸۱. «إنا جعلناه قرآناً عربياً لعلكم تعقلون»

۴۸۲. كأن المشتري متردداً في شراء البضاعة؛ ولكن البائع عازم على بيعها.

۴۸۳. كأن إرضاء جميع الناس غاية لا تدرك.

۴۸۴. «فهذا يوم التبّع و لكنكم كنتم لا تعلمون»

۴۸۵. ليتنى أطيّر في السماء كالطيور.

۴۸۶. «ولا يحزنك قولهم إن العزة لله جميعاً»

۴۸۷. «إن وعد الله حق ولكن أكثرهم لا يعلمون»

۴۸۸. «قال أعلم أن الله على كل شيء قدير»

۴۸۹. لعل حميداً يسافر للمهمة الإدارية.

۴۹۰. إنما الفوز لمن يعلم أن الله لا يريد أن يظلم أحداً

۴۹۱. صبرنا كثيراً ولكن ما جاء أخى، كأنه ما كان يعرف الأخباراً

۴۹۲. إن يغفر ذنبك يمكن أن تكثر الأخطاء، فليتك نادماً!

۵۲۵. لَيْتَ الْأَعْبِينَ يَكْتَسِبُونَ دَرَجَاتٍ عَالِيَةً.
۵۲۶. لَعَلَّ كَلَامَ الْبَاطِلِ لَا يُجْرَى عَلَى لِسَانِنَا.
۵۲۷. «لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي»
۵۲۸. النَّاسُ ظَنُّوا أَنَّ إِبْرَاهِيمَ هُوَ مُكْسَرٌ أَصْنَامِهِمْ.
۵۲۹. «كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ»
۵۳۰. «وَأَتَقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»
۵۳۱. إِعْلَمُ أَنَّ النَّصْرَ مَعَ الضَّيْرِ.
۵۳۲. لَيْتَكُمْ تَبْتَعِدُونَ مِنَ الْكَسَلِ فِي الْحَيَاةِ.
- الف) ستتحقق الجملة
- الف) لا أمل في حدوث الجملة
- الف) غير ممكن
- الف) المؤكد
- الف) للمُشَابَهَةِ
- الف) للزَّجاء
- الف) للإرتباط
- الف) لا نرجو وقوعه
- ب) وقوع الفعل بعيداً
- ب) قد يتحقق
- ب) حدوث الفعل صعب
- ب) التَّوَاضُّل
- ب) للتَّخْمِين
- ب) للتَّمْنِي
- ب) لإزالة الإيهام
- ب) الشك و التردد

(۳۱ سؤال)

شناخت انواع «لا»



مشاوره: در این قسمت باید سه نوع «لا» را خوب بشناسید (نفي جنس، نفي، نهی) که مجموعاً سخت نیست، چون از حرکت گذاری کلمه بعد به راحتی می‌توانید نوع «لا» را پیدا کنید. ضمن اینکه می‌دانیم «لا» نفي و نهی فقط با مضارع می‌آیند و نفي جنس با اسم می‌آید.

۲۳ عین نوع «لا» فی العبارات التالية:

۵۳۳. لَا بَلِيَّةَ أَصْعَبُ مِنَ الْجَهْلِ.

۵۳۴. «لَا يَزْحَمُ اللَّهُ مَنْ لَا يَزْحَمُ النَّاسَ»

۵۳۵. «إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»

۵۳۶. لَا تُطْعِمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ.

۵۳۷. لَا تَلْمِذًا مِنْ شِيرَازٍ؟ لَا أَنَا مِنْ طَهْرَانَ.

۵۳۸. التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ.

۵۳۹. لَا إِيمَانَ مَعَ سُوءِ ظَنٍّ.

۵۴۰. «قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ»

۵۴۱. لَا عَمَلَ لَكَ فِي الْمَجْتَمَعِ.

۵۴۲. لَا تَجْتَمِعِ الْخَصَلَتَانِ فِي الْمُؤْمِنِ: الْبُخْلُ وَالْكَذِبُ.

۵۴۳. لَا شَيْءَ أَضْرُّ مِنَ الْجَهْلِ.

۵۴۴. لَا مُصِيبَةَ أَعْظَمُ مِنَ الْجَهْلِ.

۵۴۵. لَا مِيرَاتٍ مِثْلَ التَّفَكُّرِ.

۵۴۶. لَا تَأْمَلْ عِنْدَ الْجَاهِلِ.

۵۴۷. «رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ»

۵۴۸. لَا تَقُولُوا كَلِمًا عَنْ أَسْرَارِكُمْ لِلْآخِرِينَ.

۵۴۹. لَا تَجْلِيلَ فِي الْمَرَّاسِيمِ.

۵۵۰. يَجِبُ عَلَيْهِ أَنْ لَا يَتَّكَاسَلَ.

۵۵۱. إِنْ لَا تُحَاوَلُوا تَفْشَلُوا.

۵۵۲. لَا تَعَارَفْ لِي مِنَ الْأَصْدِقَاءِ.

۵۵۳. لَا تَكْذِبِ الْمُؤْمِنَةَ الَّتِي لَا إِثْمَ لَهَا.

(شهریور ۱۴۰۲ انسانی)

(خرداد ۹۹ انسانی)

(خرداد ۹۹ انسانی)

(شهریور ۱۴۰۲ انسانی)

(شهریور ۱۴۰۲ انسانی)



٢٤) اِنتِخِبْ نَوْعَ «لا» مِنْ بَيْنِ الْجَوَابِينَ:

- | | | |
|---|---|---|
| <input type="checkbox"/> الف) الناهية | <input type="checkbox"/> الف) النافية | ٥٥٤. ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ﴾ (ص) لَا يَخْزُوكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ ﴿ |
| <input type="checkbox"/> الف) النافية | <input type="checkbox"/> الف) النافية لِلجنس | ٥٥٥. الْيَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَ بَنُونَ. |
| <input type="checkbox"/> الف) النَّهْيِ | <input type="checkbox"/> الف) النَّفْيِ | ٥٥٦. الْعَاقِلُ لَا يَتَكَلَّمُ عَن بَرَامِجِهِ بِالنَّاسِ. |
| <input type="checkbox"/> الف) النَّاهِيَّةُ - النَّاهِيَّةُ | <input type="checkbox"/> الف) النَّاهِيَّةُ - النَّاهِيَّةُ | ٥٥٧. لَا تُطْعِمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ. |
| <input type="checkbox"/> الف) النَّاهِيَّةُ | <input type="checkbox"/> الف) النَّاهِيَّةُ | ٥٥٨. لَا تُطَلِّبِ الشَّرَّ لِلْآخِرِينَ. |
| <input type="checkbox"/> الف) النَّاهِيَّةُ | <input type="checkbox"/> الف) النَّاهِيَّةُ لِلجنس | ٥٥٩. لَا عِبَادَةَ كَادَاءِ الْفَرَائِضِ. |
| <input type="checkbox"/> الف) النَّاهِيَّةُ لِلجنس | <input type="checkbox"/> الف) النَّفْيِ | ٥٦٠. لَا مَعْصِيَةَ أَثْقَلُ مِنَ الْغِيْبَةِ. |
| <input type="checkbox"/> الف) النَّفْيِ | <input type="checkbox"/> الف) النَّفْيِ - النَّاهِيَّةُ | ٥٦١. أَطْلُبِينَ الْعِلْمَ وَلَا تَكْسَلْنَ فِي إِكْتِسَابِهِ. |
| <input type="checkbox"/> الف) النَّاهِيَّةُ - النَّاهِيَّةُ | <input type="checkbox"/> الف) النَّهْيِ - النَّهْيِ | ٥٦٢. لَا أَعْتَمِدُ عَلَى حَبِيبٍ لَا يُوفِي بِعَهْدِهِ. |
| <input type="checkbox"/> الف) النَّهْيِ - النَّهْيِ | | ٥٦٣. لَا تَبْتَغِدُوا عَنِّي حَتَّى لَا تَفْشَلُوا. |

قواعد پایه (سؤال ٢٠٣)

(سؤال ٢٠)

مقدمه و مرور کلیات

مشاوره: جهت مرور کلیات فعل و اسم و تقسیم بندی های مختلف آن ها چند تمرین می بینیم که این تمرین در سوالات تحلیل صرفی به شما بسیار کمک می کند! ضمناً با این موارد کمی موتور ذهنتان روشن می شود تا در ادامه به سراغ اصل مطلب برویم.

٢٥) اِنتِخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمُفْرَدَاتِ:

- | | | |
|--|--|-----------------------------|
| <input type="checkbox"/> الف) الاسم | <input type="checkbox"/> الف) الفعل المضارع | ٥٦٤. تَجَنَّبُ: |
| <input type="checkbox"/> الف) المذكر | <input type="checkbox"/> الف) المؤنث | ٥٦٥. إِلَهَةٌ: |
| <input type="checkbox"/> الف) اسم التفضيل | <input type="checkbox"/> الف) الفعل المضارع | ٥٦٦. أَسْوَأُ: |
| <input type="checkbox"/> الف) الفعل المضارع | <input type="checkbox"/> الف) الفعل الماضي | ٥٦٧. تَأَكَّدُ: |
| <input type="checkbox"/> الف) مفردة «سِنٌ» | <input type="checkbox"/> الف) المثني | ٥٦٨. أَسْنَانُ: |
| <input type="checkbox"/> الف) المفرد | <input type="checkbox"/> الف) الجمع | ٥٦٩. مِيرَاتُ: |
| <input type="checkbox"/> الف) طَارَ | <input type="checkbox"/> الف) طَيْرٌ | ٥٧٠. ماضٍ من فعل «يَطِيرُ»: |
| <input type="checkbox"/> الف) الجمع السالم للمذكر | <input type="checkbox"/> الف) جمع التذكير | ٥٧١. قَرَابِينَ: |
| <input type="checkbox"/> الف) المؤنث | <input type="checkbox"/> الف) المذكر | ٥٧٢. نَارُ: |
| <input type="checkbox"/> الف) الجمع المكسر | <input type="checkbox"/> الف) المفرد | ٥٧٣. إِنْقَادُ: |
| <input type="checkbox"/> الف) الجمع السالم للمؤنث | <input type="checkbox"/> الف) الجمع المكسر | ٥٧٤. جِهَاتُ: |
| <input type="checkbox"/> الف) المذكر | <input type="checkbox"/> الف) المؤنث | ٥٧٥. دُنْيَا: |
| <input type="checkbox"/> الف) الجمع المكسر و مفردة «عافية» | <input type="checkbox"/> الف) المفرد المذكر | ٥٧٦. عَفَافُ: |
| <input type="checkbox"/> الف) المذكر | <input type="checkbox"/> الف) المؤنث | ٥٧٧. دَارُ: |
| <input type="checkbox"/> الف) المفرد | <input type="checkbox"/> الف) الجمع المكسر | ٥٧٨. إِبْتِعَادُ: |
| <input type="checkbox"/> الف) المزيد الثلاثي | <input type="checkbox"/> الف) المجزئ الثلاثي | ٥٧٩. تُذْرِكُ: |
| <input type="checkbox"/> الف) المزيد الثلاثي | <input type="checkbox"/> الف) المجزئ الثلاثي | ٥٨٠. يُثْرِكُ: |

(خرداد ۱۴۰۳ فنی و حرفه‌ای یازدهم)

 (د) يُنَزِّلُ (ج) يَفْتَحُ (ب) يُضْرَبُ

۵۸۱. الفِعْلُ الْمَجْهُولُ:

 (الف) يُضَلِّحُ

(خرداد ۱۴۰۳ فنی و حرفه‌ای یازدهم)

 (د) قُتِلَ (ج) شُرِبَ (ب) نَصَرَ

۵۸۲. الفِعْلُ الْمَعْلُومُ:

 (الف) عُرِفَ

(خرداد ۱۴۰۳ فنی و حرفه‌ای یازدهم)

 (د) سَافِرُوا (ج) سَافِرُوا (ب) تُسَافِرُوا

۵۸۳. فِعْلُ الْأَمْرِ مِنَ «تَسَافِرُونَ»:

 (الف) أُسَافِرُ

(۲۱ سؤال)

شناخت و ترجمه انواع اسم

مشاوره: یکی از قسمت‌های ثابت و همیشگی نهایی، تشخیص و ترجمه انواع اسم است که ۲ نمره دارد، یعنی شما پنج نوع اسم را تشخیص می‌دهید (اسم فاعل، مفعول، مبالغه، تفضیل و مکان) و بابت هر کدام ۰/۲۵ می‌گیرید و سه اسم را نیز ترجمه می‌کنید که هر کدام ۰/۷۵ دارد و جمعاً می‌شود ۲ نمره شیرین و قابل کسب. فقط باید به ریزه‌کاری‌ها، اسم‌های شبیه به هم، نکات ترجمه هر نوع اسم و... توجه ویژه کنید.

۲۶. عَيْنُ اسْمِ الْفَاعِلِ وَ اسْمِ الْمَفْعُولِ وَ اسْمِ التَّفْضِيلِ وَ اسْمِ الْمُبَالَغَةِ وَ اسْمِ الْمَكَانِ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

(دی ۹۸ انسانی)

۵۸۴. يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ - الرَّجُلُ الْعَلَامَةُ يَتَحَدَّثُ مَعَ جَمِيعِ التَّلَامِيذِ فِي الْمَحْفَلِ.

(شهریور ۱۴۰۰ انسانی)

۵۸۵. الرَّجُلُ الْعَلَامَةُ تَحَدَّثَتْ مَعَ جَمِيعِ التَّلَامِيذِ فِي الْمَدْرَسَةِ. - أَقْوَى النَّاسِ مَنْ عَفَا عَدُوَّهُ مُقْتَدِرًا.

(شهریور ۱۴۰۰)

۵۸۶. كُلُّ مُسْلِمٍ حِينَمَا يَتَذَكَّرُ مَكَّةَ الْمُكْرَمَةَ يَشْتَأِقُ أَنْ يَزُورَهَا. - إِنَّهُ رَجُلٌ صَبَازٌ فِي عَمَلِهِ. - إِنَّهَا مِنْ أَعْجَبِ الْأَسْمَاكِ.

(دی ۹۹)

۵۸۷. شَاهِدٌ جَمَاعَةٌ أَمَامَ مَسْجِدِ الْقَرْيَةِ. - عِنْدَمَا يَرَى حَيَوَانًا مُفْتَرِسًا قُرْبَ عَشِيهِ، يَنْظَاهِرُ بِأَنَّ جَنَاحَهُ مَكْسُورٌ. - إِنَّهَا مِنْ أَعْجَبِ الْأَسْمَاكِ.

(شهریور ۹۹)

۵۸۸. رَأَيْتُ الْمُهَنْدِسَ فِي الْمَصْنَعِ وَ هُوَ يَرْكَبُ السِّيَارَةَ. - عَلَّقَى إِبْرَاهِيمُ (ع) الْفَأْسَ عَلَى كَيْفِ أَصْغَرَ الْأَصْنَامِ.

(شهریور ۱۴۰۲ انسانی)

۵۸۹. الرَّجُلُ الْعَلَامَةُ تَحَدَّثَتْ مَعَ جَمِيعِ الطُّلَابِ. - يَنَامُ هَذَا السَّمَكُ أَكْثَرَ مِنْ سَنَةٍ. - قَامَ التَّلْمِيذُ عَنِ مَجْلِسِهِ لِلْأَسْتَاذِ.

(خرداد ۱۴۰۳ فنی و حرفه‌ای یازدهم)

۵۹۰. يَا رَازِقُ كُلِّ مَرْزُوقٍ، أَرْزُقْنِي.

(خرداد ۱۴۰۳ معارف یازدهم)

۵۹۱. اِخْتَلَفَ الْمُؤَرِّخُونَ فِي نَسَبِ ابْنِ الْهَيْثَمِ. - يَطِيرُ إِلَى الْأَسْفَلِ وَإِلَى الشَّمَالِ. - لَا تَسْتَشِيرِ الْكُذَّابَ.

(شبه‌نهایی کشوری ۱۴۰۳ یازدهم)

۵۹۲. شَجَرَةُ الْبَلُوطِ مِنَ الْأَشْجَارِ الْمُعَمَّرَةِ. - يُشْجَعُ الْمُتَفَرِّجُونَ فَرِيقَهُمْ. - قُدْرَةُ الْكَلَامِ أَقْوَى مِنَ السَّلَاحِ.

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی)

۵۹۳. «أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» - قَامَ الْفَرْدُ بِإِنْشَاءِ الْمَصَانِعِ فِي عَشْرِينَ دَوْلَةً.

- «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً» - الْخَبِيرُ إِنْسَانٌ مُتَخَصِّصٌ بِأُمُورٍ مِهْنَةٍ أَوْ بَرْنَامَجٍ.

۵۹۴. الْكُفَّارُ - الْعَلَامُ - مَدَارِسُ - مُفْتَرِسٌ - أَصْحٌ - فَضْلِي

۲۰. ۵۹۵. يَا تَلْمِيذُ حَافِظْ عَلَى مَكْتُوبَاتِكَ!

۲۰. ۵۹۶. الْحُضَارُ يَجْلِسُونَ فِي أَشْهُرِ الْمَلْعَبِ!

۵۹۷. الْمَجَاهِدُونَ الْمُكْرَمُونَ فِي الْبَيْتِ!

۲۰. ۵۹۸. الْمَتَعَاوِنُ حَاضِرٌ عِنْدَ الْمَشَاكِلِ!

۲۰. ۵۹۹. صَدِيقِي عَسَالٌ يَدِيهِ وَ هُوَ مُنْزَعَجٌ!

۲۰. ۶۰۰. أَحَبُّ الْمُتَقَلِّبِينَ خَيْرٌ هُمْ خُلُقًا!

۲۷. تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ:

(دی ۹۹)

۶۰۱. أَكْبَرُ الْحُمُقِ الْإِغْرَاقُ فِي الْمَدْحِ وَالذَّمِّ. - أَضَافَ إِلَى الْمَكْتَبَةِ الْعَرَبِيَّةِ مِئْتَةَ كِتَابٍ.

(شهریور ۹۹)

۶۰۲. طَلَبُ الْحَاجَةِ مِنْ غَيْرِ أَهْلِهَا أَشَدُّ مِنَ الْمَوْتِ. - «كَأَنَّهُمْ بُنِيَانٌ مَرْصُوصٌ»

(شهریور ۱۴۰۰)

۶۰۳. قَدْ أَضَافَ الْعَقَادُ إِلَى الْمَكْتَبَةِ الْعَرَبِيَّةِ أَكْثَرَ مِنْ مِئْتَةِ كِتَابٍ. - شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمْ مُكْتَسِرَةً.

۲۸. عَيْنُ نَوْعَيْنِ مِنَ الْأَسْمِ ثُمَّ تَرْجِمُهُمَا:

(خرداد ۱۴۰۳ فنی و حرفه‌ای)

۶۰۴. يَا عَفَّارَ الذُّنُوبِ: / - أَتَقَى النَّاسَ مَنْ قَالَ الْحَقَّ:



مشاوره: معمولاً ۱/۲۵ تا ۱/۵ نمره را به خود اختصاص می‌دهد و جالب است که غالباً نقش‌های پایه را از شما می‌پرسند و شاید ۰/۲۵ از نقش‌های دوازدهم سؤال طرح شود. پس تمرکز اینجا بیشتر روی شناخت «فاعل»، «مفعول»، «مبتدا»، «خبر»، «صفت»، «مضاف‌الیه» و «جار و مجرور» است. البته ما در این قسمت از کتاب بر همه نقش‌ها تمرکز داریم؛ هم پایه و هم دوازدهم و تمرین مُتَعَدِّد و مُتَنَوِّع را برایتان جمع‌آوری کرده‌ایم.

۲۹ عَيْنَ الْمَخَلِّ الْإِعْرَابِيَّ لِمَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِحُطِّ:

۶۰۵ ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَأَنَّهُمْ بُنِيَانٌ مَرْصُوصٌ﴾

۶۰۶. الطَّلَابُ مَحْزُونُونَ لِأَنَّهُمْ رَسَبُوا.

۶۰۷. الفَلَّاحُ الْمُجِدُّ يَزْرَعُ أَشْجَارًا.

۶۰۸. لَا جِهَادَ كَجِهَادِ النَّفْسِ.

۶۰۹. الْحِكْمَةُ لَا تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ الْجَبَّارِ.

۶۱۰. لَا تَأْخُذُوا بِالْبَاطِلِ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ.

۶۱۱. حَاوَلْ إِبْرَاهِيمُ أَنْ يُنْقِذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ.

۶۱۲. الْعَلْمُ ضِيَاءٌ يَقْذِفُهُ اللَّهُ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِهِ.

۶۱۳. ﴿أَلَا تَعْلَمُ أَنَّ الْمُبْدِرِينَ إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ﴾

۶۱۴. وَ مِنْ مُهَدَّدَاتِ نِظَامِ الطَّبِيعَةِ إِجَادَةُ النَّفَايَاتِ الصَّنَاعِيَّةِ.

۶۱۵. اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.

۶۱۶. اللَّهُ يَجْعَلُ أَيَّامَنَا كَثِيرَةً الْبَرَكَاتِ.

۶۱۷. الْخَفَاشُ طَائِرٌ مِنَ اللَّبُونَاتِ.

۶۱۸. يُؤَدِّي سَمَكُ الْقَرْشِ دَوْرًا مَهْمًا فِي حَيَاتِنَا.

۶۱۹. اللَّهُ أَرْسَلَ إِلَيْهِمُ الْأَنْبِيَاءَ لِيُبَيِّنُوا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ.

۶۲۰. حَارِشُ الْفُنْدُقِ يَسْهَرُ كُلَّ اللَّيْلِ مَعَ زَمِيلِهِ وَ هُوَ فَرِحٌ.

۶۲۱. إِنَّمَا الْخِدَاعُ آلَةٌ لِلْمَرْءِ الضَّعِيفِ.

۶۲۲. رَبُّنَا الرَّحْمَنُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

۶۲۳. ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾

۶۲۴. الْهَدَفُ مِنْ تَقْدِيمِ الْقَرَابِينِ لِلْإِلَهَةِ تَجَنُّبُ شَرِّهَا.

۶۲۵. يَا إِلَهِي! نَوِّزْ قَلْبِي بِالْعُلُومِ النَّافِعَاتِ.

۶۲۶. إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَقْلِ ثَابِتٍ / وَ حَيَاءٍ وَ عَفَافٍ وَ أَدَبٍ

۶۲۷. ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ﴾

۶۲۸. لَا تَأْخُذُوا بِالْبَاطِلِ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ كَوْنُوا نِقَادَ الْكَلَامِ.

۶۲۹. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): سَيِّدُ الْكَلَامِ الْقِرْآنُ.

۶۳۰. لَا تَعْلَمُ زَمِيلَاتِي اللُّغَةَ الْفَرَنْسِيَّةَ إِلَّا عَطِيَّةَ.

۶۳۱. كُلُّ طَعَامٍ لَا يُذَكَّرُ اسْمُهُ اللَّهُ عَلَيْهِ... لَا بَرَكَةَ فِيهِ.

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی دهم)

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی)

(دی ۱۴۰۱)

(دی ۱۴۰۱)

(شهریور ۱۴۰۲)

(شبه‌نهایی کشوری ۱۴۰۳ یازدهم)

(شهریور ۱۴۰۲ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی یازدهم)

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۳ معارف دهم)

(خرداد ۱۴۰۳ معارف دهم)

(شبه‌نهایی فارس ۱۴۰۳)

(شهریور ۹۹)

(خرداد ۱۴۰۲)

(خرداد ۱۴۰۳ معارف یازدهم)

(شهریور ۱۴۰۱ انسانی)

(شهریور ۱۴۰۱ انسانی)



۶۳۲ ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾

۶۳۳ ۲۰. هذا الامرُ طبيعيٌّ أن تتغيَّرَ أصواتُ بعضِ الكلمات عندَ الدخولِ للغيةِ أُخرى.

۶۳۴ ۲۰. التَّدْبِيرُ فِطْرِيٌّ فِي كُلِّ إِنْسَانٍ وَيَجِبُ عَلَيْنَا الْاهْتِمَامُ بِهِ.

۶۳۵ ۲۰. أَرْسَلَ اللهُ إِلَيْنَا الْأَنْبِيَاءَ لِيُبَيِّنُوا لَنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ.

۶۳۶ ۲۰. كَانَ أَقْوَامٌ الْأَنْبِيَاءَ كَافِرِينَ وَقَدْ ذُكِرَ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ عَنْ صِرَاعِ الْأَنْبِيَاءِ مَعَهُمْ.

۶۳۷ هذا الصَّنَمُ لَا يَتَكَلَّمُ؛ وَيَقْصِدُ إِبْرَاهِيمُ أَنْ يَسْتَهْزِئَ بِأَصْنَامِنَا.

۶۳۸ الصَّبْرُ الْكَثِيرُ مِفْتَاحُ كُلِّ الْخَيْرِ.

۶۳۹ أَيْ كِتَابِ عِلْمِي يُسَاعِدُ التَّلْمِيذَ

۶۴۰ إِشْتَاقُ الْأَبِّ إِلَى زِيَارَةِ مَكَّةَ.

۶۴۱ يَغْرِسَانِ فِي الْحَدِيقَةِ أَشْجَارًا قَصِيرَةً.

۶۴۲ لَا يَهْدُدُ الزَّارِعُ الطَّبِيعَةَ فِي مَرْزَعَتِهِ الْكَبِيرَةِ

۶۴۳ لَا تُقَلُّ مَا لَا تُجِبُّ أَنْ يُقَالَ لَكَ.

۶۴۴ ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾

۶۴۵ ﴿وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا﴾

۶۴۶ الرَّجَاءُ تُوَدَّى دَوْرًا مُهْمًا فِي نَجَاحِ الْبَشَرِ.

۶۴۷ الْكَذِبُ هُوَ مُخَرَّبُ الْإِيمَانِ.

۶۴۸ تِلْكَ مَوْضُوعَاتٌ جَدِيدَةٌ فِي جَامِعَتِنَا الْعَالَمِيَّةِ.

۶۴۹ وَ أَحْمِي وَ أَحْمِي بِلَادِي / مِنْ شُرُورِ الْحَادِثَاتِ

۶۵۰ عَلَّقَ إِبْرَاهِيمُ الْفَأْسَ عَلَى كَيْفِ أَصْغَرَ الْأَصْنَامِ.

۶۵۱ ﴿لَا يَزْحَمُ اللهُ مَنْ لَا يَزْحَمُ النَّاسَ﴾

۶۵۲ الْآثَارُ الْقَدِيمَةُ تُؤَكِّدُ إِهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ.

۶۵۳ يَتَّبَعُ الْحَيَوَانَ طَائِرًا فِي عُنُقِهِ.

۶۵۴ ۲۰. تَجَنَّبَ النَّاسُ مِنَ الْكُذْبِ أَهْمٌ سَبَبِ تَقَدُّمِ الْبِلَادِ الْأُورُوبِيَّةِ فِي عَصْرِنَا الْحَاضِرِ.

(۵۰ سؤال)

سوالات ترکیبی



مشاوره: این قسمت ترکیب نقش یابی و شناخت انواع اسم است که در سطحی بالاتر در اینجا مورد سؤال واقع شده اند؛ پس با حوصله و دقت بیشتری آن ها را حل کنید؛ در واقع می توان گفت این تمرین یک چکاپ کامل از شرایط شما هستند و متنوع و جامع می باشند.

۳۰. عین المطلوب منک فی هذه العبارات:

۶۵۵ ﴿وَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾ (المفعول - الفاعل - المضاف إليه):

۶۵۶ ﴿أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةً﴾ - لا تكثبي على السبورة. (نهی - ماضی - مضارع - امر):

۶۵۷ تنمو الشجرة من حبة صغيرة. (مجرور بحرف جر):

۶۵۸ ساعدتني معلمتي في حل تماريني. (نون الوقاية):



٦٩٨. «إِنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ؛ إِنَّمَا يَقْصِدُ إِبْرَاهِيمُ الْإِسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَانِنَا.»

- الف) الحروف المُشَبَّهَةُ: إِنَّمَا - إِنَّ
ب) الفاعل: الصَّنَمَ إِبْرَاهِيمَ

٦٩٩. «أَتَيْتَهَا الْبَنَاتُ؛ سَاعِدْنَ أُمَّكُنَّ لِاحْتِضَارِ الْبَضَائِعِ.»

- الف) المَصْدَرُ الْمَزِيدُ: بَضَائِعِ احْتِضَارِ
ب) المَفْعُولُ: أُمَّ أُمَّكُنَّ

٧٠٠. «أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِأَلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمَ!»

- الف) المَفْعُولُ: آلِهَةَ هَذَا
ب) المَبْتَدَأُ: أَنْتَ إِبْرَاهِيمَ

٧٠١. «فَقَذَفُوهُ فِي النَّارِ، فَأَنْقَذَهُ اللَّهُ مِنْهَا.»

- الف) المَفْعُولُ: اللَّهُ ضَمِيرُ «هُ»
ب) الحرف الجاز: فَ مِنْ

٧٠٢. «التَّدْنِينَ لِلْإِنْسَانِ فِطْرِيٌّ وَ يَقُولُ التَّارِيخُ لَنَا مِنْ حَوَادِثِهِ.»

- الف) الخَبَرُ: فِطْرِيٌّ لِلْإِنْسَانِ
ب) الفاعل: التَّارِيخُ التَّدْنِينَ

٧٠٣. «فَأَجَابَهُمْ: «لِمَ تَسْأَلُونَنِي؟! إِسْأَلُوا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ.»»

- الف) المَفْعُولُ: ضَمِيرُ «هُمُ» الْكَبِيرَ
ب) الموصوف: الصَّنَمَ الْكَبِيرَ

٧٠٤. «إِنَّمَا الْمُتَكَايِلُونَ ظَلَمُوا عَلَيَّ أَنْفُسَهُمْ وَلَكِنْ مَا فَهَمُوا هَذَا الْمَوْضُوعَ أَنَّ التَّكَاسُلَ خَطِيئَةٌ كَبِيرَةٌ.»

- الف) الحروف المُشَبَّهَةُ: وَلَكِنْ - أَنَّ
ب) المَصْدَرُ: التَّكَاسُلَ خَطِيئَةٌ

(٣٠ سؤال)

انتخاب گزینة صحیح، صرف فعل و ساختار جمله

مشاوره: معمولاً نیم نمره، یعنی دو تا ۲۵٪ از صرف فعل و اصولاً مسائل مربوط به ساختار جمله سؤال داریم که غالباً به شکل سه گزینه ای است. این قسمت چندان دشوار نیست، ولی بیشتر بچه ها در آن نمره از دست می دهند، چون قلیق حل آن ها را بلد نیستند، به همین خاطر سؤالات زیادی را به همراه الگوهای حل آن ها برایتان آورده ایم. به عنوان یک نکته کلیدی حواستان باشد که کل جمله را بخوانید و از قرینه ها، اسم ها، ضمیر و... بفهمید که فعل یا اسم مناسب برای جمله کدام است و در چه صیغه ای باید باشد. ضمناً، لطفاً حتماً پاسخ نامه و علت رد و قبول گزینه ها را بررسی کنید.

٢٣) انتخاب الصَّحِيحِ لِلعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

٧٠٥. فِي الْيَوْمِ الْمَاضِي دَرُوسَكَ إِلَّا هَذَا الدَّرْسَ. (ما قرأت - ما قرأت - لا تُقرأ)

٧٠٦. الرِّجَالُ كَنَحْوِ الْمَسْجِدِ. (يَذْهَبُونَ - تَذْهَبُونَ - يَذْهَبُ)

٧٠٧. سُورَةُ قُرْبِ الْمَطَارِ. (هذه - اولئك - هؤلاء) **+٢٠**

٧٠٨. لا بِالنَّسَبِ مَحْمُودٌ. (فخرًا - فخر - الفخر - فخرٌ) **+٢٠**

٧٠٩. أَيْتِهَا الْمُهَنْدِسَةُ هَلِ الْحَلْ؟ (تعرف - اعرفي - تعرفين - عرفت) **+٢٠**

٧١٠. لَدُنْكَ عِنْدَ اللَّهِ. (استغفر - استغفري - استغفرون) **+٢٠**

٧١١. كَأَنَّهُ بُنِيَانٌ مَرْصُوقٌ. (المقاتل - المُقاتِلَة - المُقاتِلون) **+٢٠**

٧١٢. عَلَى النَّاسِ أَنْ يَكُونُوا الْكَلَامِ. (نُقَاد - نَقَاد - ناقد) **+٢٠**

٧١٣. كَانَتْ مَجْمُوعَةٌ كَبِيرَةٌ مِنَ الْفِئْرَانِ عَلَى الْخَضِرَاوَاتِ. (تَهْجَم - يَهْجَمون - يَهْجَم)

٧١٤. لَيْتَنِي جَمِيعَ مُدُنِ بِلَادِي. (يُشَاهِدُ - أَشَاهِدُ - تُشَاهِدُ)

٧١٥. الْعَمَالُ الْمُجْتَهِدُونَ فِي الْمَصْنَعِ. (يَشْتَغِلُونَ - تَشْتَغِلُونَ - يَشْتَغِلن)

(خرداد ۹۸ انسانی)

(شهریور ۹۸ انسانی)

(شهریور ۹۸)

۷۱۶. قَدْ الْمُؤْمِنَاتُ رَبَّهُنَّ. (ذَكَرَتْ - ذَكَرَ - ذَكَرْنَ)
۷۱۷. الرُّمَاءُ فِي صَالَةِ الْإِمْتِحَانِ. (حَضَرَ - حَضَرْنَ - حَضَرُوا)
۷۱۸. اللَّاعِبُونَ الْإِيرَانِيِّونَ مِنَ الْمُسَابَقَةِ مُبْتَسِمِينَ. (رَجَعُوا - رَجَعُوا - رَجَعْتُمْ)
۷۱۹. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ رَبُّكُمْ الَّذِي خَلَقَكُمْ» (اعْبُدْنِ - اعْبُدُوا - يَعْبُدْنَ)
۷۲۰. عَلَى الْإِنْسَانِ الْعَاقِلِ أَنْ مِنَ الْوَجْهِ النَّافِعِ. (يَسْتَفِيدُ - تَسْتَفِيدُ - يَسْتَفِيدَ)
۷۲۱. الظَّالِمَاتُ فِي أَدَاءِ وَاجِبَاتِهِنَّ. (تَجْتَهِدُ - تَجْتَهِدْنَ - يَجْتَهِدْنَ)
۷۲۲. الْمُتَفَرِّجُونَ فَرِيْقَهُمُ الْفَائِزَ فَرِحِينَ. (شَجَّعَ - شَجَّعَتْ - شَجَّعُوا)
۷۲۳. وَالذَّنَى فِي مَوْسَسَةِ ثَقَافِيَّةٍ. (اشْتَعَلَ - سَيَسْتَعِلُ - تَشْتَعِلُ)
۷۲۴. الْمُضَارِعُ مِنَ «جَاهَدْنَ» (يُجَاهِدُونَ - يُجَاهِدْنَ - تُجَاهِدْنَ)
۷۲۵. النَّهْيُ مِنَ «تَتَكَاسَلْنَ» (لَا تَتَكَاسَلْنَ - لَا تَتَكَاسَلُوا)
۷۲۶. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ. (اجْتَنِبْ - اجْتَنِبُوا - اجْتَنِبْنَ)
۷۲۷. إِنَّهَا لَمْ شَيْئًا. (تَصْنَعُ - تَصْنَعُ - يَصْنَعُ)
۷۲۸. الْأَنْزَارُ الْقَدِيمَةُ إِهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ. (تُؤَكِّدُ - يُؤَكِّدُونَ - يُؤَكِّدُ)
۷۲۹. «لَا فِي الدِّينِ» (إِكْرَاهٌ - إِكْرَاهٌ - إِكْرَاهًا)
۷۳۰. أَيُّهَا الظَّالِمُ لَا مَعَ غَيْرِكَ. (تَتَكَلَّمُ - تَتَكَلَّمُ - يَتَكَلَّمُ)
۷۳۱. إِعْمَلْ لِأَخْرَجِكَ كَأَنَّكَ غَدًا. (يَمُوتُ - تَمُوتُ - نَمُوتُ)
۷۳۲. الْمُؤْمِنُونَ كَلَامَ الْحَقِّ. (يَقُولُونَ - يَقُولُ - تَقُولُ)
۷۳۳. النَّاسُ غِيْمَةً سَوْدَاءَ عَظِيمَةً. (المضارع من «شاهدوا») (يُشَاهِدُونَ - يُشَاهِدْنَ - يُشَاهِدُونَ)
۷۳۴. كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ. (الأمر من «إحسان»). (أَحْسِنُ - يُحْسِنُ - أَحْسِنُ)

سؤال ۳۲

تحليل صرفی

مشاوره: همواره نیم نمره را به خود اختصاص داده و در غالب دو سؤال تستی (دوگزینه‌ای) مطرح می‌شود. به‌طور کلی برای حل آن‌ها باید چکیده‌ای از تمام قواعد بدانید، اما معمولاً سطح این سؤالات متوسط و منطقی است و حتی غالباً گزینه اشتباه، بیش از یک غلط دارد که طبیعتاً کار را برایتان ساده‌تر می‌کند. ضمناً محوریت این سؤالات روی مطالب سال دهم یعنی زمان و صیغه فعل، معلوم و مجهول بودن، مجرد و مزید بودن و یا انواع اسم و جنسیت و معرفه و نکره و ... است.

۳۲. اِنْتَجِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَ الْمَعْلَى الْإِعْرَابِيِّ لِلْمَفْرَدَاتِ التَّالِيَةِ :

(خرداد ۹۸)

۷۳۵. «إِزْدَادَاتُ الْخُرَافَاتِ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ»

إِزْدَادَتْ:

(ب) فِعْلٌ مَاضٍ، مَفْرَدٌ، مُؤَنَّثٌ، مَعْلُومٌ / فِعْلٌ

(الف) فِعْلٌ مَاضٍ، مَفْرَدٌ، مَذَكَّرٌ، مَجْهُولٌ / مَبْتَدَأٌ

العُصُورُ:

(ب) اِسْمٌ، مَفْرَدٌ، مَذَكَّرٌ، مُعْرَفٌ بِأَلٍ / مَفْعُولٌ

(الف) اِسْمٌ، جَمْعٌ تَكْسِيرٌ، مُعْرَفٌ بِأَلٍ / مُضَافٌ إِلَيْهِ

(دی ۱۴۰۲ انسانی)

۷۳۶. «لَا يَحْضُرُ الشِّيَاخُ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ»

الشِّيَاخُ:

(ب) اِسْمٌ مُبَالِغَةٌ، مَفْرَدٌ مُذَكَّرٌ، مَعْرَفَةٌ / مُبْتَدَأٌ

(الف) اِسْمٌ فَاعِلٌ، جَمْعٌ تَكْسِيرٌ، مَعْرَفَةٌ / فَاعِلٌ

لَا يَحْضُرُ:

(ب) فِعْلٌ مُضَارِعٌ مَنفَعٍ، مَعْلُومٌ / فِعْلٌ

(الف) فِعْلٌ نَهْيٌ، مَعْلُومٌ، مَجْرَدٌ ثَلَاثِيٌّ / خَبَرٌ



(خرداد ۹۸ انسانی)

۲۳۷. «المؤمن لا يظلم الآخرين لأنه لا يجب أن يظلم.»

المؤمن:

(ب) اسم فاعل، مفرد مذكّر، معرّف بأل / مبتدأ

(الف) اسم، جمع تكسير، معرّف بالعلميّة / فاعل

يظلم:

(ب) فعل، مفرد مذكّر غائب، مجهول، ثلاثيّ مزيد / فعل و الجملة فعلية

(الف) فعل مضارع، مفرد مذكّر غائب، ثلاثيّ مجرد، معلوم / خبر

(خرداد ۱۴۰۰ انسانی)

۲۳۸. «لا تطعموا المساكين مما لا تأكلون.»

لا تطعموا:

(الف) فعل نهى، جمع مذكّر مخاطب، ثلاثيّ مزيد، معلوم / فعل و الجملة فعلية

(ب) فعل نهى، مفرد مذكّر مخاطب، ثلاثيّ مجرد، معلوم / فاعل

(خرداد ۱۴۰۰ انسانی)

المساكين:

(ب) اسم، جمع تكسير و مفردة «مسكين»، معرّف بأل / مفعول

(الف) اسم، جمع تكسير، اسم فاعل، نكرة / فاعل

پُر تکرار (شهریور ۱۴۰۰ و خرداد ۹۹ انسانی)

۲۳۹. «تذهب المعلمة إلى المكتبة.»

تذهب:

(الف) فعل مضارع، مفرد مؤنث غائب، ثلاثيّ مجرد، معلوم / فعل و الجملة فعلية

(ب) فعل مضارع معلوم، مفرد مذكّر مخاطب، ثلاثيّ مزيد / فاعل و «المعلمة»

المكتبة:

(الف) اسم تفضيل، مفرد، معرفة، من مادة «ك ت ب» / مضاف إليه

(ب) اسم مكان، مفرد، مؤنث، معرّف بأل / مجرور بحرف جرّ (إلى المكتبة: جارّ و مجرور)

(خرداد ۹۹ انسانی)

۲۴۰. «يجعل الله اليوم كثير البركات.»

يجعل:

(الف) فعل مضارع، مفرد مذكّر غائب، ثلاثيّ مجرد، معلوم / فعل و الجملة فعلية

(ب) فعل، مفرد مذكّر غائب، ثلاثيّ مزيد / فعل و فاعله «الله»

البركات:

(ب) اسم، جمع مؤنث سالم، معرّف بأل، معرب / مضاف إليه

(الف) اسم، جمع تكسير، معرّف بالعلميّة، معرب / صفة

(خرداد ۱۴۰۲ انسانی)

۲۴۱. «يا داؤد إنا جعلناك خليفة في الأرض...»

جعلنا:

(ب) فعل ماضٍ، ثلاثيّ مزيد من باب إفعال / فعل و فاعل

(الف) فعل ماضٍ، ثلاثيّ مجرد، معلوم، لمتكلم مع الغير / فعل و فاعل

(شبه نهایی فارس ۱۴۰۳)

۲۴۲. «أقيم وجهك للدين حنيفاً»

أقيم:

(ب) فعل أمر، مجهول، مجرد ثلاثيّ / جملة فعلية

(الف) فعل أمر، معلوم، مزيد ثلاثيّ / جملة فعلية

الدين:

(ب) اسم، مفرد، مذكّر، معرّف بأل / مجرور بحرف جارّ (للدين: جارّ و مجرور)

(الف) اسم، مفرد و جمعه «أديان»، معرّف بالعلميّة / مفعول

(شهریور ۹۸ انسانی)

۲۴۳. «يشجع المتفردون فريقهم الفائز فرحين اليوم.»

يشجع:

(الف) فعل مضارع، ثلاثيّ مجرد، مجهول / فعل و فاعله «المتفردون»

(ب) فعل مضارع، مفرد مذكّر غائب، ثلاثيّ مزيد من باب تفعيل، معلوم / فعل

الفائز:

(ب) اسم، مفرد، مذكّر، معرّف بالعلميّة / مفعول

(الف) اسم فاعل، مذكّر، معرّف بأل / صفة